

تاریخ دنیای قدیم

ترجمه غلامحسین متین



انتشارات شبگیر خیابان شاهرضا، خیابان فروردین

ف. پ. کوروفسکین

تاریخ دنیای قدیم

(جهان باستان)

جلد دوم

یونان باستان

ترجمه غلامحسین متین

www.adabestanekave.com

درباره جلد دوم

نظام برده داری ، برای ستمدیدگان رنج و درد
بزرگتری ببار آورد و جنگ هایی که برای برده -
گرفتن برپا شد ، بسیاری از کشورها را ویران
و خالی از سکنه نمود .

ثروتی که از کار بردگان حاصل شد ، به
برده داران امکان داد کاخ ها و معابد عظیمی بنا
کنند ، مجسمه ها و تصویر و آثار هنری دیگری
بسجود آورند ، در نتیجه در شرق باستان
معماری و مجسمه سازی توسعه زیادی حاصل
کرد و رشته های علمی پدید آورد .

یونانی های آزاد ، با وام گذاری کارهای
دشوار به بردگان ، خود امکان یافتند به خلق
هنرهای درخشان به پردازند و پیروزیهای
جشمگیری در عرصه علم بدست آورند .

شماره ثبت کتابخانه ملی ۹۶۸

از این کتاب چگونه باید استفاده کرد؟

مطالب این کتاب بچند بخش، هر بخش به چند فصل و هر فصل به چند بند تقسیم شده. «فهرست» کتاب را باز کنید، خواهید دید که کتاب درباره‌ی چه چیزهایی گفت و گومیکند و از چه قسمت‌هایی تشکیل یافته. هر بند به چند ماده تقسیم شده. عنوان ماده‌ها نمودار خلاصه‌ی مطالب آنهاست.

اگر پیش از هر بند سئوالی در کتاب هست، خودتان درباره‌اش فکر کنید و پاسخ آن را بیابید. این موضوع نه تنها باعث میشود که شما آنچه را قبلاً خوانده‌اید، بخاطر بیاورید، بلکه میتواند شما را در پی بردن به مطالب جدید راهنمایی کند.

هر بند را بطور کامل و با دقت بخوانید. اما به مطالبی که برجسته چاپ شده، توجه بیشتری بکنید. به تصویرهای کتاب هم بدقت نگاه کنید. دریاها، رودخانه‌ها، کشورها و حتی شهرهایی را که نامشان در کتاب هست، در روی نقشه نیز پیدا نمایید.

پس از خواندن هر بند بسئوالاتی که در پایان آن نوشته شده، پاسخ بدهید. خود را امتحان کنید، ببینید آیا نتیجه‌گیریها و تعریف‌هایی را که خوانده‌اید، فهمیده‌اید؟

مطالب هر بند را با بیان خودتان شرح بدهید، ابتدا ماده‌ی اول را بخوانید و شرح بدهید. سپس در مورد هر ماده به ترتیب اینکار را انجام دهید. آنگاه تمام بند را بطور یکجا برای خود بازگو کنید.

هنگام خواندن کتاب، به پرسشها بطور کتبی پاسخ دهید و پاسخها را در دفترچه‌ای به ترتیب پاکنویس کنید تا پس از مطالعه بتوانید در ریافتهای خود را از کتاب مورد ارزیابی قرار دهید.

www.adabestanekave.com

انتشارات شبگیر

خیابان شاه آباد - پاساژ صفوی

چاپ اول، چاپخانه پیک ایران، تیرماه پنجاه و چهار

چاپ دوم، چاپخانه فاروس ایران، آذرماه پنجاه و چهار

چاپ سوم، چاپخانه فاروس ایران، بهمن ماه ۲۵۳۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	یونان باستان
	فصل اول. یونان در عهد بسیار قدیم.
۵	بند ۱- طبیعت و سکنه یونان
۱۳	بند ۲- افسانه‌های یونان باستان
۲۱	بند ۳- منظومه‌های «ایلیاد» و «اودیسه» هومر
۳۲	بند ۴- پیدایش طبقات دریونان عصر هومر
۳۹	بند ۵- مذهب دریونان باستان

فصل دوم. استقرار نظام برده‌داری و پیدایش شهر-دولت‌ها
در یونان طی قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد.

بند ۶- آتن، هنگام حکومت اشراف در قرون هفتم و هشتم
بند ۷- قبل از میلاد

- بند ۸- دولت برده دار اسپارت در قرون هشتم-ششم
قبل از میلاد ۶۳
بند ۹- تشکیل شهر-دولت ها در یونان و در سواحل
دریای مدیترانه و دریای سیاه ۷۲

فصل سوم. جنگ یونان و ایران و توسعه برده داری در یونان

- بند ۱۰- تاخت و تاز سپاهیان ایران به یونان ۸۰
بند ۱۱- پیروزی یونانیان بر ایرانیان ۹۰
بند ۱۲- برده داری در یونان قرن پنجم پیش از میلاد ۹۹
بند ۱۳- نشو و نماي آتن در اواسط قرن پنجم
پیش از میلاد ۱۰۷

فصل چهارم. شکوفایی فرهنگ یونان در قرون پنجم. چهارم پیش از میلاد

www.adabestanekave.com

- بند ۱۴- طرز معیشت یونانیان آزاد. بازیهای المپیک ۱۱۴
بند ۱۵- تئاتر در یونان ۱۲۳
بند ۱۶- معماری، مجسمه سازی و نقاشی در یونان
باستان ۱۳۱
بند ۱۷- خط و علم در یونان باستان ۱۴۰

فصل پنجم. تشکیل دولت های یونانی. مقدونی در مدیترانه شرقی

- بند ۱۸- سقوط یونان و تسلط مقدونیه بر آن در قرن
چهارم پیش از میلاد ۱۴۸
بند ۱۹- ظهور و سقوط دولت اسکندر مقدونی ۱۴۶
بند ۲۰- اقتصاد و فرهنگ مدیترانه شرقی در اواخر
قرن چهارم الی دوم قبل از میلاد ۱۶۶
نتیجه ی بخش «یونان باستان» ۱۷۶



یونان باستان

فصل اول

یونان در عهد بسیار قدیم

بند اول

طبیعت و سکنه‌ی یونان

(نقشه شماره ۵)

www.adabestanekave.com

۱- طبیعت یونان

شبه جزیره‌ی بالکان، در جنوب اروپا واقع شده است. قسمت زیادی از بخش جنوبی آن در دریا پیش میرود. در این بخش، کشور کوهستانی کوچکی قرار گرفته است که یونان نام دارد. کوه‌های یونان،

۲- سه بخش یونان

خود طبیعت، یونان را به سه بخش، تقسیم کرده است: بخش جنوبی، بخش مرکزی و بخش شمالی.

خلیج‌های ژرف دریایی، یونان جنوبی، یا، پلوپونس^۱ را از بقیه یونان، جدا می‌سازد. تنها برزخ باریکی وجود دارد که پلوپونس را به یونان مرکزی، متصل می‌کند.

سلسله جبال مرتفع و صعب‌العبور کوهستانی، یونان را به بخش‌های مرکزی و شمالی، تقسیم می‌کنند. فقط در نواحی ساحلی، بین کوهستان و دریا است که نوار باریک معبر ترموپیل^۲ واقع می‌باشد. از طریق همین گذرگاه بود که یونانیان عهد باستان، از یونان مرکزی به یونان شمالی عزیمت می‌کردند.

هریک از بخش‌های یونان به وسیله‌ی سلسله جبال کوهستانی به ایالات کوچکی تقسیم می‌گردید. از طریق دریا، ویا، عبور از گذرگاه‌های باریک کوهستانی و کوره‌ها بود که عزیمت از ایالتی به ایالت دیگر، امکان‌پذیر میشد.

۳- فرهنگ میکن^۳

قریب یکصد سال پیش در محل شهر کهنسال یونان - میکن که در پلوپونس واقع بود، حفاری‌های باستانشناسی آغاز شد. در ازمنه‌ی قدیم، در این‌جا، بر فراز تپه‌ای بلند، کاخی قرار داشته است. این کاخ

کوه‌هایی صخره‌ای و پر شیب می‌باشند. روی شیب‌های سنگی کوه‌ها بوته‌ها و علف‌های نادری به‌چشم می‌خورد؛ زمانی در این‌جا مراتعی وجود داشت که مورد استفاده‌ی بزها و گوسفندان قرار می‌گرفت. فقط در میان جلگه‌هایی که وسط این کوه‌ها گسترده است، اراضی حاصل‌خیزی دیده می‌شود.

در این کوه‌ها، معادن سنگ آهن، سنگ مس، و نقره وجود دارد. در یونان، سنگ مرمر - این سنگ بسیار زیبا، که به آسانی تراش می‌خورد، به‌حد وفور یافت می‌شود.

در یونان طی دوماه زمستان باران می‌بارد و بوران‌های شدید در می‌گیرد. بقیه‌ی اوقات سال، تقریباً، خورشید سوزان پیوسته می‌درخشد و آسمان پاك است و لاجوردی. تابستان‌های یونان - خشك و گرم است.

رودخانه‌های یونان بزرگ نیستند، و تقریباً، تابستان‌ها می‌خشکند. یونانی‌ها، به‌هنگامی که دوستان خود را در راه سفر بدرقه می‌نمودند، برای ایشان «سفری خوش، آبی خنك و تازه» آرزو می‌کردند.

دریای اژه سواحل خاوری یونان را، که بریدگی‌های بسیار دارد، احاطه کرده است. شبه جزیره‌های باریک به تعداد زیادی در گسترده‌ی دریا پیش می‌روند و خلیج‌های دریا نیز تا عمق خشکی، نفوذ می‌کنند. در اینجا، بنادر بسیار زیادی وجود دارد که برای تردد صدها کشتی، مناسب می‌باشد.

در دریای اژه، جزایر زیادی قرار دارند. این جزایر آنچنان نزدیک بهم واقع شده‌اند، که تقریباً، از درون هر یک از آنها می‌توان جزایر همجوار را دید.

1- Peloponnese

2- Thermopylae

3- Mycenae

را دیوارهای محکم دژی که از قطعات بزرگ سنگ ساخته شده بود، احاطه میکرد. (به تصویر شماره ۱ یک مراجعه کنید. در این تصویر دیوار و دروازه‌ی دژ می‌توان مشاهده نمود).

کمی دورتر از این کاخ، مقبره‌هایی کشف شد. باستان‌شناسان در این گورهای زینت آلات زیادی را پیدا کردند که از طلا ساخته شده بود، سلاح‌های برنزی‌ای که با طلا پرداخت شده بود نیز، کشف گردید. چهره‌ی بعضی از مردگان در ماسک‌های طلائی پوشیده بود. (تصویر شماره ۲)

کاخ‌ها و دیوار دژهای مشابه‌ای نیز در سایر نواحی پلوپونس و نیز یونان مرکزی، کشف گردید.

در یکی از کاخ‌ها، بیش از یک هزار جدول سفالی یافت شد، که پوشیده از علامات بودند. چند سال پیش دانشمندان، با بررسی این علامات موفق شدند کتیبه‌های روی این جدول‌ها را بخوانند. این جدول‌ها به خط یونان باستان نگاشته شده بودند.

یافته‌های باستان‌شناسان و قرائت کتیبه‌ها این امکان را برای دانشمندان بوجود آورد که به مسایلی که سال‌های سال در پرده‌ی ابهام باقی مانده بود، پاسخ دهند: این کاخ‌ها بدست چه کسی و در چه زمانی ساخته شده‌اند؟ چه کسانی در این کاخ‌ها زندگی می‌کرده‌اند؟ در چه زمانی کاخ‌ها ویران شدند؟

معلوم گردید که کاخ‌ها طی قرون شانزده الی دوازده‌ی^۱ پیش از میلاد ساخته شده‌اند. و در این کاخ‌ها، در سایه‌ی دیوارهای نفوذناپذیر آنها، رهبران قبیله‌های یونانی زندگی می‌کرده‌اند. آنها افراد نیرومندی

در اختیار داشته‌اند. و سکنه‌ی نواحی را مجبور میکردند که به ایشان باج و خراج دهند و خود، مرغوب‌ترین اراضی را به تصرف خویش در می‌آوردند. در نزدیکی دیوارهای این دژها، سازندگان کاخ‌ها و صنعت‌گرانی که برای رهبران قبایل سلاح‌های ظریف و فنجان‌های طلا و زینت آلات و پارچه‌های نازک تهیه می‌کردند، زندگی مینموده‌اند. دانشمندان، ضمن قرائت کتیبه‌های این جدول‌ها، توانستند تعداد صنعت‌گرانی را که در این کاخ‌ها کار می‌کرده‌اند و نیز عده‌ی غلامان و انواع کارهایی را که انجام میداده‌اند، معلوم دارند.

فرهنگ قرون شانزده الی دوازده‌ی قبل از میلاد یونان را بخاطر همین کاخ‌های می‌کن - فرهنگ می‌کنی^۱، می‌نامند.

۴- هجوم دورین‌ها^۲ به یونان

در شمال شبه جزیره‌ی یونان، قبیله‌های یونانی‌ای زیست می‌کردند، که «دورین» نامیده میشدند. سطح فرهنگ دورین‌ها، بمراتب پائین‌تر از سطح فرهنگ می‌کنی‌ها بود. آنها خط نداشتند، قادر به ساختن بناهای سنگی نبودند، ولی توانسته بودند سلاح‌هایی از فلز برای خود فراهم آورند.

دورین‌ها مردمانی بودند جنگ‌جو. تعدادشان نیز زیاد بود. آنها در اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، بصورت نیروی مهیب سیل‌آسایی به طرف جنوب، سرازیر شدند. (تصویر شماره ۳). دورین‌ها با یورش به پلوپونس، کاخ‌های می‌کن و کاخ‌های دیگر را، به ویرانی کشیدند.

1- Mycenaean Age

2- Dorian

۱- قرون پیش از میلاد را از بالا به پائین محاسبه میکنند. مترجم

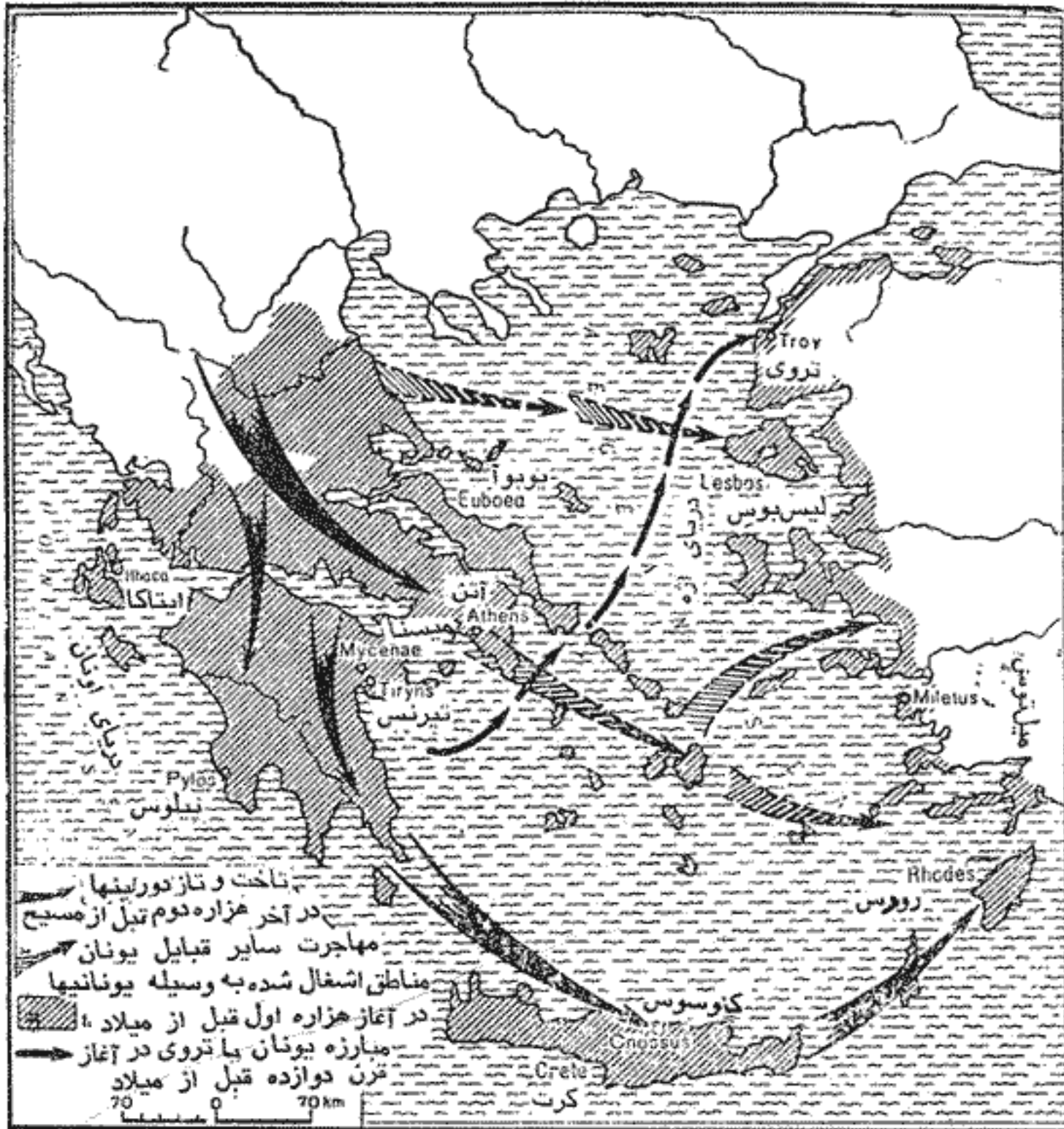


تصویر شماره ۲ - ماسک و بشقاب طلا
بشکل سر شیر، که در مقابر میکن یافت
شده است.



بخشی از سکنه‌ی سابق یونان جنوبی به اطاعت از دورین‌ها
تن دادند و بخش دیگری، در جزایر دریای اژه و نیز در سواحل غربی
آسیای صغیر، سکونت گزیدند. یونانی‌ها قبالهم در اینجا سکونت
کرده بودند. آنها در آغاز هزاره‌ی اول پیش از میلاد، نه تنها در بخش
جنوبی شبه جزیره‌ی بالکان، بلکه در جزایر و سواحل غربی دریای اژه
نیز سکونت داشتند.

پس از هجوم دورین‌ها، فرهنگ یونان دچار رکود گردید.
طی چندین سده‌ی دیگر در یونان، تقریباً، دیگر بناهای سنگی
ساخته نمی‌شد، صنایع دستی، پیوسته به شکل ناهنجاری عقب میرفت و حتی،
رسم الخط، بفراموشی، سپرده شده بود.



تصویر شماره ۳ - نقاط مسکونی یونانی‌ها در هزاره‌ی اول پیش از میلاد.

۱- یونان باستان را روی نقشه نشان بدهید. سه بخشی را که یونان به آن تقسیم میگردید، تعیین کنید.
از چه راهی، از طریق خشکی ممکن میشد از يك بخش یونان به بخش دیگر رفت؟

۲- طبیعت یونان را چه چیزی از طبیعت مصر متمایز میکرد؟

طبیعت، درعهد باستان، باعث رونق چه مشاغلی بود؟

۳- فرهنگ میکن را چه مینامند؟ چگونه این نام بوجود آمد؟

۴- علت رکود فرهنگ دریونان، طی اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، چه بود؟

۵- از روی نقشه‌ی شماره‌ی ۵ نقاط مسکونی یونانیان را در آغاز هزاره‌ی دوم قبل از میلاد نشان بدهید. همین نقاط را در روی نقشه‌ی شماره‌ی ۶ تعیین کنید.

بند دوم

افسانه‌های یونان باستان

(نقشه‌های شماره ۵ و ۶)

۱- اهمیت افسانه‌ها برای مطالعه‌ی تاریخ

یکی از منابع اطلاعات ما در زمینه‌ی یونانیان عهد باستان، افسانه‌ها و قصه‌هایی بشمار میروند که در مورد قهرمانان و خدایان، ساخته و پرداخته‌اند. ماجراهایی که در این افسانه‌ها توصیف میشوند، سرتاپا تخیلی میباشد. قهرمانان این افسانه‌ها نیز که دارای نیروئی مافوق انسانی هستند، ساخته و پرداخته‌ی تخیلند. ولی حسن کار در این است که طی این قصه‌ها و افسانه‌پردازی‌ها، مبارزه‌ی یونانیان قدیم با طبیعت، نوع مشاغل آنها، ابزار کار و طرز معیشتشان، به تجلی درمی‌آید. ما

www.adabestanekave.com

از طریق مطالعه‌ی همین افسانه‌ها است که اینک میدانیم یونانی‌ها به‌چه خدایانی اعتقاد داشتند و درچه سرزمین‌هائی، روزگار می‌گذرانند.

۲- افسانه‌های هرکول

یونانی‌ها، افسانه‌های مربوط به دلاوری‌های هرکول را بسیار دوست می‌داشتند.

دریکی از این افسانه‌ها، حکایت از این می‌رود که شیرغول پیکری وجود داشت که به آدمیان و حیوانات حمله‌ور میشد. شیر دارای آنچنان پوست سفت و سختی بود که تیرهای نک تیز فلزی هم نمیتوانستند در آن، کارگر شوند.

هرکول، به‌شکار شیر رفت و در راه شکار، بلوطی را کند و از تنه‌ی آن، که حتی ۲۰ نفر از آدم‌های معمولی هم قادر نبودند آنرا بلند بکنند، چماقی تهیه کرد. پس، دلاورانه وارد غاری شد که شیر در آن بسر میبرد. شیر، نعره‌کشان به‌هرکول یورش آورد، ولی هرکول، با يك ضربه‌ی چماق او را از پای درآورد و سپس، با دست‌هایش شیر را خفه کرد و از آن پس، پوست شیر، جای زره و کلاه خود او را گرفت.

قصه‌ای دیگر: درماندابی، ماری زندگی می‌کرد بنام هیدرا^۱ که ۹ سر داشت و بدنش پوشیده از فلس‌های درخشان بود. مار از مانداب خود بیرون می‌خزید و يك گله‌ی درسته‌ی حشم رامی بلعید. پس هرکول، با هیدرا به‌نبرد برخاست و سرهای او را یکی پس از دیگری از تن جدا

کرد. اما بجای هرسری که جدا میشد، دوسر تازه می‌روئید، پس هرکول به‌جوانی که وی را همراهی میکرد، دستور داد که گردن دوشاخه‌ی مار را با يك نیم‌سوز شعله‌ور، بسوزاند، و بدینسان سرهای جدا شده‌ی مار از رشد دوباره، بازماندند و هرکول، این موجود عجیب‌الخلقه را، نابود کرد.



تصویر شماره‌ی ۴- هرکول هنگام نبرد با شیر. این مجسمه که متعلق به دوران یونان باستان است، اکنون در موزه دولتی «ارمیثاژ» لنین‌گراد، قرار دارد.

و اما کینگ آجیاس^۱، دارای ۵ هزار گاو نر بود. کسی حیاط طویله‌ی او را رفت و روب نمی‌کرد. و اینک حیاط طویله پر شده بود از تپاله. هرکول به کینگ آجیاس قول داد که ظرف يك روز، حیاط طویله را مثل کف دست، پاک کند. پس چون شاه آجیاس با میهمانان خود به‌عیش و عشرت نشست، هرکول رفت و راه دو رودخانه‌ای را که در آن نزدیکی جریان داشت، مسدود ساخت. رودخانه‌ها وسعت گرفته، طغیان کردند و با سیلاب‌های شدیدی جاری شدند و تمام تپاله‌ها را شستند و بردند...

1- Avgeias

1- Hydra

۳- افسانه‌ی «آرگونات»ها^۱

قصه‌ی مربوط به «آرگونات»ها، حکایت مسافرت عده‌ای از یونانی‌ها به سواحل دریای سیاه می‌باشد.

قضیه از این قرار است که شاهی که بر نواحی ساحلی دریای سیاه حکومت میکرد، رونوئی طلائی - یعنی پوست گوسفندی داشت که پشم‌هایش طلا بود. شاه، پوست طلائی خویش را، در بیشه‌ای حفاظت میکرد. دیوی، که هرگز بخواب نمی‌رفت و بنابراین، هیچ‌گاه چشم از آن برنمیداشت، از پوست طلائی، نگهبانی مینمود.

یونانی جوانی بنام «جاسون»^۲، که از خانواده سران قبیله بود، بر آن شد که این گنجینه را بدست آورد.

بنا به دعوت او، از تمامی اطراف و نواحی یونان، دلاورترین افرادی گرد آمدند، که به سیر و سیاحت نقاط دور دست و خطرناک، بسیار علاقمند بودند. «آرگ»^۳، که استاد هنرمندی بود، برای آنها سفینه‌ای از چوب ساخت. پس بیاس این خدمت وی، ناو را «آرگو» نامیدند و سرنشینان آنرا - آرگونات‌ها - یعنی شناوران روی آرگو. آرگونات‌ها، مدت‌های مدید، در دریائی ناشناس شناور بودند.

آنها در راه، به دو صخره‌ی متحرکی که به هر چیزی که میکوشید از میانشان بگذرد، با سروصدای زیاد و وحشتناکی برخورد مینمودند، روبرو شدند. آرگو بدشواری توانست از میان این صخره‌ها راه خود را باز کند. بالاخره، صخره‌ها غرش کنان، آخرین تخته‌ی سکان ناو را درهم شکسته و از هم پاشیدند.

و نیز آورده‌اند که هر کول، بدنبال سیب طلا، راه دور دست را گرفت و همی برفت. و این سیب‌های طلا در باغی میروئید متعلق به اتلانت^۱، که در ساحل اقیانوس، در ناحیه دور دست غرب - خیلی دور از یونان قرار داشت.

البته یونانی‌ها در آن زمانی که هر کول براه افتاد، تصور میکردند این آسمان آبی گسترده‌ای که بر فراز سرشان قرار دارد - چیزی بجز يك گنبد عظیم نیست، که بسان کلاهی، کله‌ی زمین را میپوشاند. بنا به اعتقاد آنها، در ساحل اقیانوس، زمین و آسمان درهم می‌آمیختند و در همین جا بود که اتلانت نیرومند، گنبد بزرگ آسمان را بر شانه گرفته، نگاه میداشت. بخاطر همین افسانه‌های اتلانت بود که این اقیانوس را اقیانوس آتلانتیک^۲ می‌گفتند.

خلاصه، وقتی هر کول به آنجا رسید، اتلانت رفت تا برای او سیب‌های طلا بچیند و در این حال، هر کول مأمور شد که آسمان را بر شانه‌ی خویش نگاه دارد. پاهای هر کول از شدت این سنگینی طاقت فرسا، تا زانو بزمین فرو رفته بود و استخوانهایش صدا میکرد و عرق از سرتاپایش، جاری بود...

در افسانه‌های زیادی از دلاوریهای دیگر هر کول، توصیف شده است. یونانیان عهد باستان برای هر کول - این قهرمان و زحمت کش نخستگی ناپذیر، ارزش و احترام فراوانی قایل بودند.

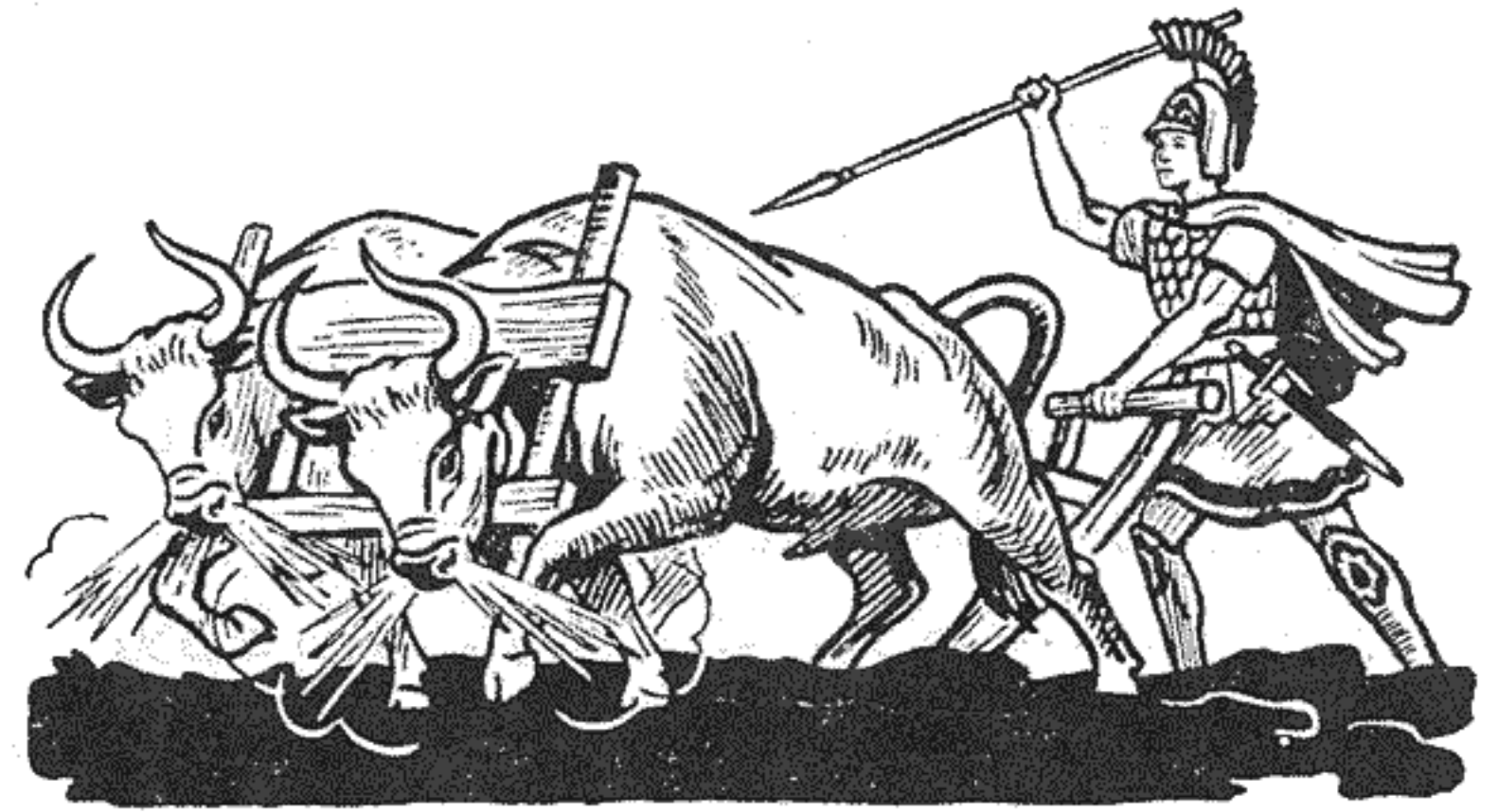
1- Atlas

۲- البته میدانید که به اتلانت - اطلس هم میگویند و به همین سبب هم ما اقیانوس آتلانتیک را «اقیانوس اطلس» هم می‌گوئیم. مترجم

1- Argonauts 2- Jason 3- Arg

لابد افسانه‌های مربوط به صخره‌های برخورد کننده، حکایت از تنگی و باریکی بغاز دریای اژه - دریای سیاه، دارد. سواحل صخره‌ای بغاز و تنگه‌ها آنچنان در کنار هم واقع شده‌اند که به نظر یونانی‌ها، این صخره‌ها بهم برمی‌خورند و راه ناو را مسدود می‌ساختند.

خلاصه پس از ماجراهای بسیار، آرگونات‌ها وارد قفقاز شدند. پادشاه قفقاز قول داد که اگر «جاسون» توانست مسأله‌ای را که در مقابلش قرار می‌دهد، حل کند، پوست طلائی را به‌وی خواهد بخشید.



تصویر شماره ۵ - «جاسون» با گاوهای آتشین دم، شخم می‌زند. اوبدینوسیله خود را برای نبرد آینده، آماده می‌سازد. زره برتن، کلاه خود بر سر و بی‌پاپوشی دارد که از زانو تا کف پایش را دربرمی‌گیرد.

پادشاه اطمینان داشت که «جاسون» نمی‌تواند مسأله را حل بکند و در این ماجرا، از بین رفته، نابود خواهد گردید.

اما «جاسون» روغنی سحرآمیز را که مدد یابوی داده بود به سر تاپای خود مالید، و سپس، بلادرنگ نیروئی مافوق نیروی انسانی کسب کرد: پاهایش چون ستونی از مس و دستهایش چون صخره‌ای محکم،

استوار و نیرومند شد. پس خدمه‌ی پادشاه، دو گاو عظیم الجثه‌ی آتشین دم را، که شاخ‌های مسین داشتند، وارد میدان کردند. گاوها، شاخ خود را پائین آورده و بسرعت باد بسوی «جاسون» یورش آوردند، لیکن «جاسون» از ضربه‌ی آنها حتی از جایش هم تکان نخورد.

بدستور پادشاه «جاسون» گاوها را مهار کرد، به گاو آهن بست و شروع کرد به شخم زدن زمین و بعد دندانه‌های دیوی را در زمین کاشت. از این بذر، لشگری جراره، غرق در زره و جوشن از زمین روئید و بسوی «جاسون» به حرکت درآمد. «جاسون» سنگی بمیان لشکر افکند و افراد لشکر شروع کردند به زد و خورد با یکدیگر. سپس «جاسون» از این فرصت استفاده کرد و همه را، از دم تیغ گذراند.

اگر چه «جاسون» مسأله را حل کرد، اما پادشاه که او را فریب داده بود، پوست طلائی را به‌وی نداد. شب هنگام آرگونات‌ها بقدرت سحر و جادو، دیو محافظ پوست را بخواب کردند، پوست طلائی را برداشتند و با شتاب، از ساحل دور شدند. شاه با سپاهیان‌ش سربدنبال آنها گذاشت. آرگونات‌ها، با دشواری موفق شدند از تعقیب پادشاه، خلاص شده، و سالم به یونان بازگردند.

www.adabestanekave.com

۱- در افسانه‌های هرکول و آرگونات‌ها، کدامیک از مشاغل یونانیان باستان، ذکر میشود؟ یونانی‌ها، در آن زمانیکه این افسانه‌ها را می‌پرداختند، با چه فلزاتی آشنائی داشتند؟

۲- یونانیان باستانی کدامیک از کشورهای دوران یونان را می‌شناختند؟ کشورهای را که یونانیان می‌شناختند، روی نقشه‌ی شماره‌ی ۷ کتاب، معین کنید.

۳- یونانی‌های باستان چه تصویری در مورد زمین و آسمان داشتند؟ شما در کدام یک از کشورهای دیگر، با افکار و تصورات مشابهی برخورد کرده‌اید؟ (جلد اول بند ۱۷، ماده ۴).

۴- کدامیک از افسانه‌های کشورهای خاور باستان را بخاطر می‌آوردید؟ (جلد اول).

۵- برای افسانه‌های مربوط به دلاوری‌های هرکول عنوان‌هایی از خود بنویسید.

بند سوم

منظومه‌های «ایلیاد» و «اودیسه» هومر

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

۱- پیدایش منظومه‌ها

شاعران - آوازه‌خوانان یونان باستان، ترانه‌های بسیار زیادی در مورد دلاوری‌های افسانه‌ای و ماجراهای خارق‌العاده‌ی قهرمانان سروده‌اند. آنها این ترانه‌ها را در جشن‌ها می‌خواندند و خود، با آلات زهی، آواز خویش را همراهی می‌کردند.

شاعران مخصوصاً در مورد اردو کشی یونانیان به شهر ترویا^۱ و نیز راجع به بازگشت آنها از این اردو کشی به میهن، ترانه‌های زیادی سروده‌اند. این ترانه‌ها بشکل دو منظومه‌ی بزرگ ایلیاد و اودیسه تدوین

www.adabestanekave.com

1- Iliad 2- Odyssey 3- Troy

گردیده‌اند. این ترانه‌ها را هومر - شاعر نابینا و مشهور یونانی که در قرن نهم و یا هشتم پیش از میلاد می‌زیست، سروده و جمع‌آوری کرده است.

شهر ترویا یا به عبارت دیگر - «ایلیئون»^۱ در سواحل آسیای صغیر قرار داشته است. بسیاری از قبایل یونانی بسرکردگی رهبران خود - باسیلی‌ها^۲ - (تصویر شماره ۳) در اردو کشی به ترویا شرکت داشتند.

۲- محاصره‌ی ترویا

یونانی‌ها مدت ۹ سال ترویا را به محاصره گرفته بودند. لیکن آنها نمی‌توانستند شهر را تسخیر کنند. شهر، غیر قابل فتح بود. بر فراز تپه‌ای مرتفع و بلند قرار داشت و دیوارهای سنگی، آنرا احاطه کرده بود.

در میان جنگ آوران یونانی، آشیل^۳ از همه دلاورتر بود. آشیل در تمام مدت این جنگ ده ساله، همیشه با سرکردگان قشون یونان در جدل و مناقشه بود. منظومه‌ی «ایلیاد» با همین جدل‌ها شروع میشود. نام منظومه از نام شهر - یعنی ایلیئون، گرفته شده است.

آشیل از شرکت در نبردها امتناع می‌ورزید. بدون اونیز یونانیها کاری از پیش نمی‌بردند. با سیلی‌ها برای اینکه به سپاهیان دل و جرأت بدهند، آنها را به مجمع‌ملی^۴ دعوت کردند. در آن مجمع شلوغ و پر هیاهو، ترسی‌تس^۵ - سپاهی ساده، با شجاعت باسیلی‌ها را متهم کرد که

تمام غنائیم را به نفع خود ضبط میکنند. او سپاهیان ساده را دعوت کرد که از جنگ دست کشیده، به خانه‌های خویش بازگردند.

با وجود آنکه ترسیتس، حق مطلب را می‌گفت، یکی از باسیلی‌ها بنام «اودیسه» بشدت سپاهی ساده را کتک زد و تهدید کرد که باز هم او را خواهد کوبید اگر که به جدل خود با رهبران خویش ادامه دهد. باسیلی‌ها با دشواری زیاد سپاهیان را قانع کردند که به نبرد ادامه دهند. بار دیگر نبرد طولانی و سرسختانه بین یونانی‌ها و اهالی ترویا، آغاز شد. این بار آشیل هم بر آن شد که در جنگ شرکت کند، زیرا که با سرکردگان سپاه، کنار آمده بود.

یونانی‌ها، ضمن آهنگ نبرد، بر طبق مشخصات قبیله‌ای صف‌آرایی می‌کردند. سپاهیان ساده، در پیراهنی از کرباس و در حالیکه مسلح به نیزه و فلاخن بودند، پیاده می‌جنگیدند. ولی رهبران، غرق در زره و جوشن، کلاه خود بر سر، سوار بر ارابه‌هایی که اسبها آن را می‌کشیدند، به نبرد بر می‌خاستند. آنها علاوه بر نیزه، به شمشیرهای برنزی نیز مسلح بودند. بر طبق حکایت «ایلیاد» - خدایان در نبرد شرکت داشتند.



تصویر شماره ۶ - نبرد یونانیها با اهالی ترویا بر سر جسد سپاهی مقتول یونانی - پاترکلوس Patroclus مجسمه یونانی متعلق به آغاز قرن پنجم پیش از میلاد. در مرکز تصویر الهه آتنا، که به یونانی‌ها کمک میکرد، دیده میشود.

- | | | |
|---------------------|-------------|--------------|
| 1- Ilion | 2- Basilees | 3- Achilles |
| 4- Popular assembly | | 5- Thersites |

بعضی از آنها به یونانیها کمک می کردند و برخی دیگر به اهالی ترویا؛ هفستوس^۱ - خدای آهنگران، زره آشیل را تهیه کرده بود. منظومه‌ی «ایلیاد» با توصیف مراسم به خاک سپردن هکتور^۲ که نیرومندترین و شجاع‌ترین جنگ‌آوران ترویا بود، به پایان میرسد.

۳- انهدام ترویا

ترانه‌ها و افسانه‌های دیگر حاکی از پایان جنگ ترویا میباشد. بزودی پس از هکتور، آشیل هم کشته شد. طبق افسانه‌های یونانی مادر آشیل - او را در زمانی که نوزاد بود، در یک قنات زیرزمینی می‌انداخت و «آب‌دیده» می‌کرد. به همین جهت، بدن آشیل مثل سنگ، سفت و سخت شده بود و فقط پاشنه‌ی پایش که مادر آنرا می‌گرفت تا نگاهش دارد، بصورت طبیعی - نرم باقی مانده بود. اصطلاح مشهور پاشنه‌ی آشیل^۳ نیز که به معنای «نقطه‌ی ضعف» میباشد، از همین جاسرچشمه گرفته است.

در هر حال، بنا به صلاح دید «اودیسه» یونانیها اسب بسیار عظیمی از چوب تهیه کردند. بهترین سپاهیان خود را توی شکم آن پنهان نمودند و بعد، بقیه‌ی افراد، شبانه بر کشتی سوار شده، به جزیره‌ای واقع در نزدیکی ترویا رفتند. اهالی ترویا، شادی کنان، اسب چوبی را به درون شهر بردند.

یونانیهایی که در شکم اسب پنهان شده بودند، در تاریکی شب،

1- Hephaestus 2- Hector
3- Achilles, heel

از درون آن بیرون خزیدند. همزمان با بیرون خزیدن سپاهیان از توی شکم اسب، یونانیهای دیگر نیز از جزیره بازگشتند و شبانه، به ترویا یورش بردند. یونانیها شهر را فتح کرده، مردان ترویا را به خاک و خون کشیدند و زنان را به اسارت گرفتند و ترویا را ویران کردند و آتش زدند. و سپس، با غنائم بسیار، به یونان بازگشتند.

۴- «اودیسه»

در منظومه‌ی «اودیسه»، از ماجراهای او در موقع بازگشت از ترویا به میهن زادگاهی خویش - جزیره‌ی ایتاکا^۱، واقع در سواحل غربی یونان، سخن میرود.

جنگ‌آوران ایتاکا، سوار بردوازده ناو جنگی شده و از ساحل دور شدند. هنوز از ویرانه‌های ترویا، دود برمیخاست. هنگامی که یونانیها براه افتادند، خدای باد سردشمالی، دریا را توفانی کرد. اودیسه و همراهانش راه را گم کردند و دوباره گذارشان به جزیره‌ی غولها افتاد^۲. غولهای کوه‌پیکر جزیره با پرتاب تخته‌سنگها از فراز قله‌ی کوه، یازده کشتی را غرق کردند، تمام سرنشینان، هلاک شدند. فقط یک ناو موفق شد نجات یافته، براه خود در دریا، ادامه دهد.

همسفران اودیسه نسبت به زئوس^۲ - خدای رعد و برق خشمگین شده، برآشفتمند. پس زئوس هم ناو را با برق لامع درهم شکست و نابود کرد. حالا دیگر تنها اودیسه بود که جان سالم بدر برده بود.

* شرح قسمت اول را در ضمیمه پیوست این بند مطالعه فرمائید. مترجم
1- Ithaca 2- Zeus

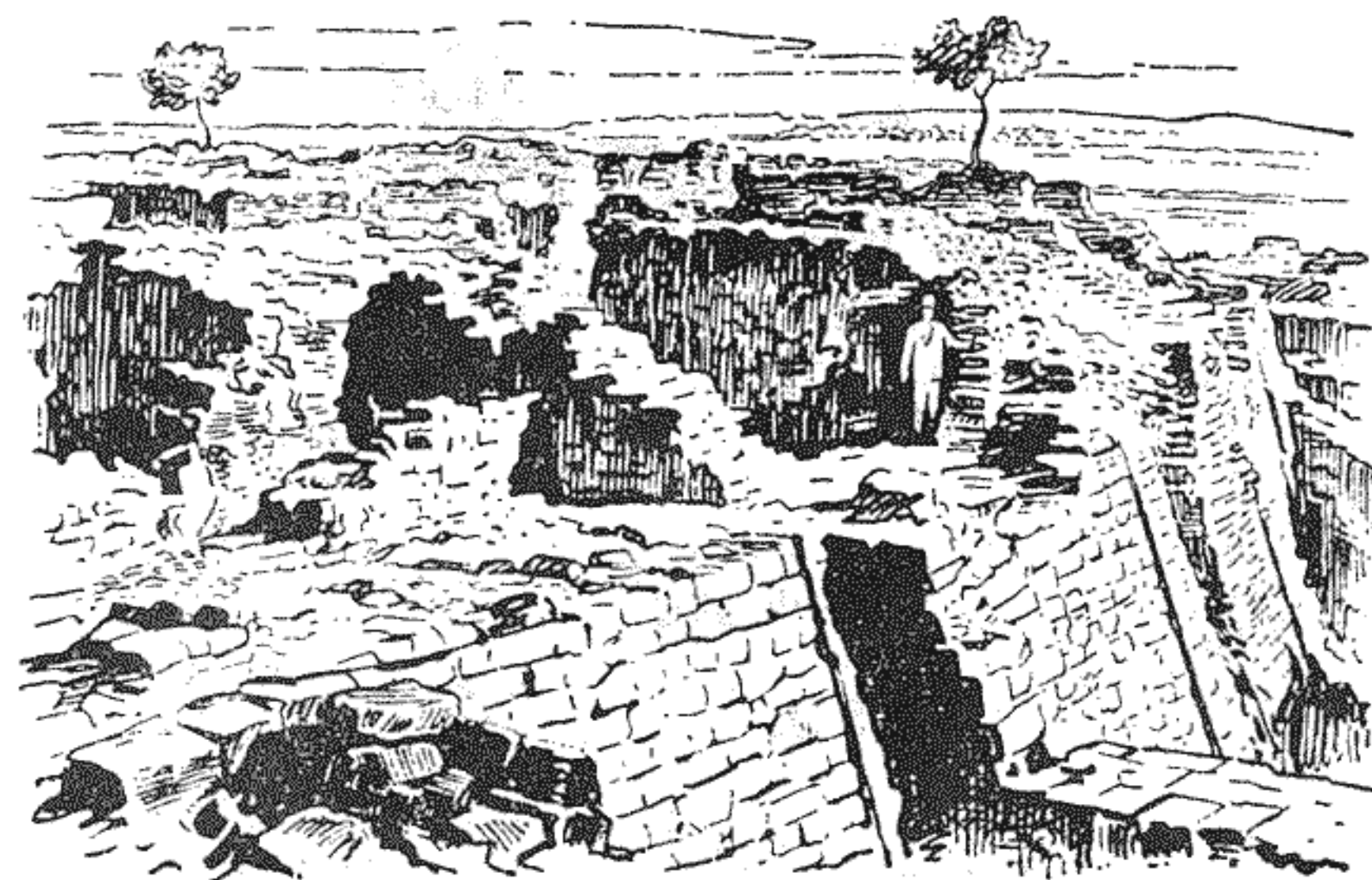
اودیسه، پس از ده سال تلاش و کوشش توانست به ایتاکا برسد. او ابتدا نزد برده‌ای زندگی میکرد که وظیفه‌اش در قبال ارباب، چراندن گله‌ی خوك بود. این برده، زاده خانوادی ثروتمند بود، ولی هنوز، هنگامیکه نوزادی بیش نبود، بوسیله‌ی برده‌فروشان ربوده شد و در ایتاکا، بفروش رسید. اودیسه بصورت گدای درمانده‌ای به خانه و کاشانه‌ی خویش بازگشت. ولی پس از ماجراهای تازه، بار دیگر، زمام حکومت ایتاکا را بدست گرفت.

۵- اهمیت منظومه‌ها برای مطالعه‌ی تاریخ یونان

منظومه‌های هومر، آنچنان سرشار از حوادث افسانه‌ای زیادی است که دانشمندان- مدتهای مدید تصور میکردند که همه‌ی وقایع مندرج در آنها، زاده‌ی تخیل است. بسیاری، فکر میکردند که حتی، ترویا، وجود نداشته است.

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، باستان‌شناسان شروع کردند به حفاری تپه‌ای در آسیای صغیر، که با توصیفات «ایلیاد»- شباهت داشت. ضمن حفاری معلوم شد که در این جا، مردم بیش از ده دوره‌ی مختلف سکونت کرده‌اند. از هر دوره‌ای که مردم در این جا سکونت کرده‌اند، بقایای منازل مسکونی و اشیائی، بجا مانده است. خرابه‌های ترویا نیز کشف شد. در این خرابه‌ها آثار يك حریق بزرگ، دیده میشد.

خلاصه، حفاریها نشان دادند که ترویا وجود داشته و سپس، ویران گردیده و اردو کشی یونانی‌ها به ترویا، در آغاز قرن دوازدهم، اتفاق افتاده است.



تصویر شماره‌ی ۷- حفاری ترویا. در اینجا بقایای باروی شهر، که از سنگ‌های تراش داده شده درست شده بود، دیده میشود.

در منظومه‌های هومر بدرستی آداب و رسوم، مشاغل، بناهای مسکونی، ابزارهای کار و سلاح‌های یونانیان باستان، توصیف شده است. اما افسانه‌های ملی، با تخیلاتی واهی درهم آمیخته است. ما، در منظومه‌ها، با جدا کردن حقیقت از خیال، میتوانیم بفهمیم که زندگی یونانیان قدیم، بر چه منوال بوده است. اهمیت منظومه‌های هومر برای مطالعه‌ی تاریخ یونان در قرون یازدهم الی نهم قبل از میلاد بقدری زیاد است، که این دوره را «دوره‌ی هومر»^۱ می‌نامند.



تصویر شماره ۸ - آشیل، سوار بر ارابه‌ای که جسد هکتور مقتول را به آن بسته است. نقاشی روی گلدان یونانی متعلق به قرن ششم قبل از میلاد.

قطعه‌ای از «ایلیاد»

رزم تن به تن آشیل و هکتور

هنگامیکه نبرد بین یونانی‌ها و اهالی ترویاجریان داشت، الهه‌ی آتنا^۱، که مددکار یونانی‌ها بود، به قیافه‌ی برادر هکتور ظاهر شد. او نیرنگ بازانه هکتور را به نبرد با آشیل وادار کرد و به‌وی وعده داد که به او مدد خواهد رساند.

آشیل، اول نیزه‌ی خود را به طرف هکتور پرتاب کرد، ولی او خم شد و نیزه، از فراز سرش، پرواز کنان گذشت. هکتور نیز به نوبت خود، نیزه‌اش را پرتاب نمود، که بر سپر آشیل فرود آمد. هفستوس - خدائی که زره آشیل را پرداخته بود، ضربه سپر را گرفت. در این لحظه آتنا نیزه‌ای به آشیل رساند. هکتور برادر خود را بنام خواند: اما کسی نبود که دیگر نیزه‌ای به او برساند. پس هکتور کوشید که با شمشیر، آشیل را از پای درآورد:

1- Athéna

«... چوبگرفت شمشیر بران خویش،

بیاورد یورش، چو طوفان، به پیش.
چنان چون عقابی که از آسمان،
فرود آید از اوج خود ناگهان،
که: گیرد یکی بره در مرغزار
ز خرگوش، یا، برکشد او دمار،
چنین، پیش تازید هکتور چوپیل.
برابر، ستاده دلاور - آشیل -
سراپا همه قدرت و زور بود،
چو کوهی زره پوش، ازدور، بود،
کله خود بر سر، سپر پیش روی،
بزیر کله خود - آشفته موی.
هفستوس - خداوند آهنگران -
نگهدار او از گزند جهان...»

آشیل، با نیزه، هکتور را از پای درآورد، و سپس، برای اینکه جسد دشمن را تحقیر کرده باشد، پای هکتور را به ارابه بست و اسب - های ارابه را بسوی اردوگاه راند، درحالیکه از همه سو، یونانیان فریادهای شادی و سرور بر میکشیدند.

قطعه‌ای از «اودیسه»

یونانی‌ها در جزیره دیوهای یک چشم

و چون توفان در دریا برخاست، اودیسه و همسفرانش راه را گم کردند. ناو آن‌ها به جزیره‌ای رسید، که در آن سیلکوپ‌ها^۱ - غول‌های

1- Cyclop

يك چشم زندگى مىکردند.

اوديسه به اتفاق همراهانش وارد غارى شد كه در آن «پولى فموس»^۱ غول يك چشم بسر مىبرد. غار پراز ظروف ماست و قالبهاى پنير بود، زيرا كه پولى فموس، به كار پرورش گوسفند و بز، اشتغال داشت.

پس، شبانگاه، پولى فموس، رمه‌ى خود را به غار راند و راه ورودى غار را با سنگ عظيمى كه كنار زدن آن، از عهده‌ى اوديسه و يارانش بر نمى آمد، بست. بعد چون چشمش به يونانى‌ها افتاد، دوفرشان را پاره پاره كرد و بلعيد.

روز بعد، پولى فموس چهارتن ديگر را پاره پاره كرد. و چون، شب بخواب فرورفت، باقى مانده‌ى افراد، يگانه چشم او را با يك چوب نك تيز كور كردند. صبح، پولى فموس كور، سنگ بزرگ دم غار را برداشت تا گوسفندان و بزها بيرون روند و خود نشست دم آن، تا كسانيكه زنده مانده بودند، نتوانند بگريزند. آنگاه، يونانى‌ها، بنا به صلاحديد اوديسه، سه گوسفند را كنار هم قرار دادند و هر يك نفر را زير سه گوسفند بستند و بگونه‌ى نامحسوسى از غار بيرون رفته، جزيره را ترك گفتند.

از همين افسانه‌هاى مربوط به غولهاى يك چشم است كه واژه‌ى «سيكلوپدى» - يعنى بزرگ بوجود آمده است.

پوشش و تمرين:

۱- «ايلياډ» و «اوديسه» چگونه بوجود آمدند؟

۲- اين افسانه‌ها چه چيزى از رسوم قبائل و طوايف يونانيان عصر هومر را نشان مى‌دهند؟ چه علايمى، نابرابرى بين يونانيان را در آن زمان نشان مى‌دهد؟

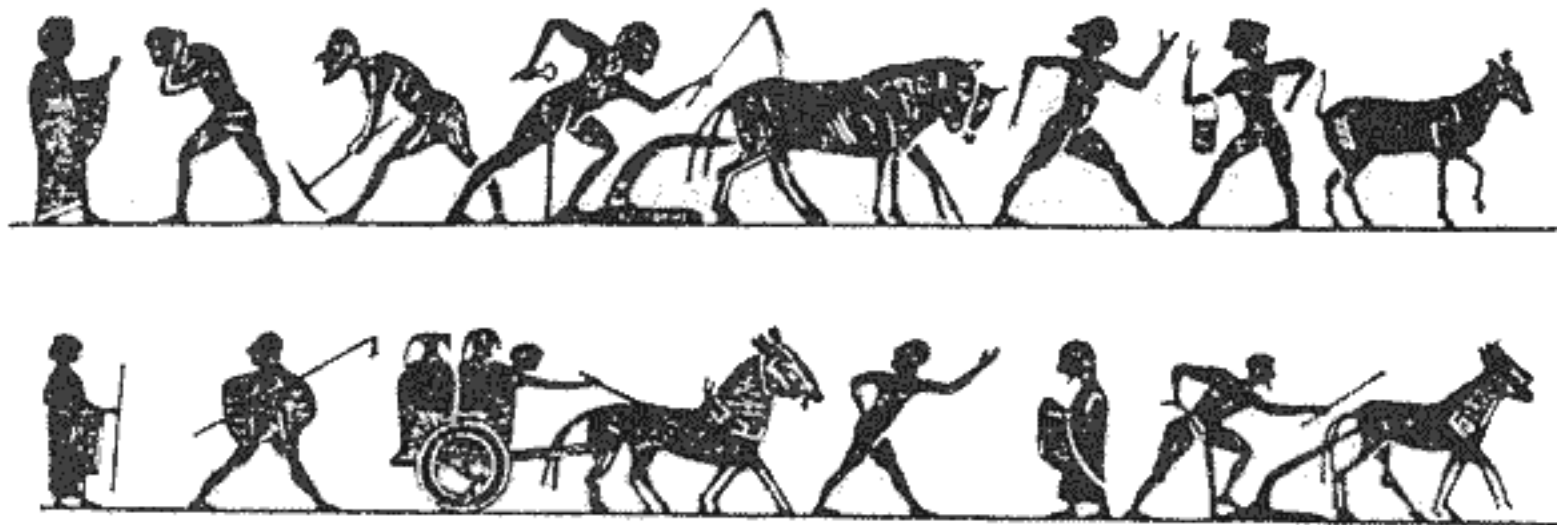
۳- چگونه مردم آزاد به برده تبديل شدند؟ شما از مطالعه‌ى اخير چه چيز تازه‌اى درك كرديد؟

۴- علامت گذارى دوره‌ى هومر را در «جدول وقايع مهم...» كه آخر كتاب مى‌آيد، پيدا كنيد. بطور تقريبي دوره‌ى هومر چندصد سال پيش شروع شد؟ و تقريباً چند صد سال پيش خاتمه پذيرفت؟

www.adabestanekave.com

مزارع را در خود فرو میبرد.

با وجود آمدن ابزار آهنی کار در اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، کار فلاحه موفقیت آمیز تر شد. ضمناً، میزان محصول نیز فزونی یافت. در دامنه‌ی تپه‌ها، تا کستان‌ها روئیدند. یونانی‌ها بیشتر به کشت جو، که گیاهی است پاینده در فصل خشک، و سرعت رشد مینماید، اشتغال داشتند. پرورش گوسفند و بز، که از گیاهان ناچیز کوه‌های صخره‌ای تغذیه میکردند، برتری یافت. خوک‌ها در بیشه‌های درختان بلوط می‌چریدند و پروار میشدند.



تصویر شماره‌ی ۹- کار کشاورزی در یونان.

تصویر روی گلدان یونانی، متعلق به قرن ششم قبل از میلاد. مزدوران یا بردگان زمین را با کلنگ و خیش، شخم می‌زنند. با ارابه، غرابه‌هایی را که در طرفین آن دسته‌ای نصب شده و دهانه‌ای تنگ داشت و برای نگهداری روغن و یا شراب بکار برده میشد، حمل مینمودند. صاحب زمین (فرد شغل‌پوش) بر کار بردگان نظارت میکند.

کشاورزان و دامپروران تقریباً راساً تمامی اشیای مورد نیاز خود را، تهیه میکردند: از پشم بز و گوسفندان، لباس‌های خشن و ضخیم و زیراندازهایی برای خفتن تهیه میدیدند و از گل - ظروف و از چرم - پاپوش‌های سبك - صندل می‌ساختند.

بند ۴

پیدایش طبقات در یونان عصر هومر

(قرون ۱۱ الی ۹ پیش از میلاد)

۱- کشاورزی و صنایع دستی

در عصر هومر، شغل اصلی یونانیان، فلاحه بود و دامپروری. فلاحه در یونان کاری بود پر زحمه. لازم بود صحرار را از سنگ پاک کرد. و زمین، در بسیاری از نقاط چنان سفت و سخت بود که با خیش چوبی سه الی چهار بار مجبور بودند آنرا شخم بزنند و گاهی نیز ناگزیر میشدند با کلنگ، کار شخم‌زدن را ادامه دهند. بسیاری از اوقات، کار دشوار زراعت پیشگان، بیهوده و بی‌ثمر میماند: یا خشکسالی، کشت را می‌سوزاند، و یا، طغیان آب‌هایی که از کوهستان‌ها جاری میشدند،

صنعت‌گران به ساختن و پرداختن اشیای مورد نیاز اشخاص ثروتمند مشغول بودند. آهن‌گران اسلحه میساختند و زرگرها زینت‌آلاتی از طلا و نقره. در این زمان، پول، در یونان وجود نداشت. در قبال ارزش کالا، معمولاً، گاوهای ورزو رد و بدل میشدند؛ مثلاً، يك زره برنزی - معادل ۹ گاونر، ارزش داشت.

۲- کشتی‌رانی

یونانی‌ها، کشتی‌هایی از چوب میساختند که به قایق‌های بزرگ شباهت داشت. شناور شدن بر روی دریا با این نوع کشتی‌ها، کار خطرناکی بود. به همین جهت آنها، تنها به هنگام بهار، تابستان و پائیز و آنهم فقط در روشنائی روز با چنین کشتی‌هایی در دریا شناور میشدند. یونانی‌ها، بدون آنکه از خشکی دور شوند، در امتداد سواحل کشتی‌رانی میکردند و یا اینکه از این جزیره، به جزیره‌ای دیگر میرفتند.

معدلك، دریای اژه از آن چنان شرایط مطلوبی برای کشتی‌رانی برخوردار بود که در عصر هومر نیز دریانوردان یونانی، به کشورهای که دور از یونان واقع شده بود، تردد داشتند.

۳- قبیله و طایفه دریونان هومر

تقریباً در هريك از جلگه‌ها و نیز، در هريك از جزایر یونان قبیله‌ای علیحده زندگی میکرد. هر قبیله‌ای تشکیل شده بود از چند طایفه و طایفه نیز از چند خانواده.

زمین به تمام قبیله تعلق داشت. ولی هريك از خانواده‌ها اقتصاد جداگانه‌ای داشتند و قطعه زمین مخصوصی در مزرعه به آنها داده میشد. خانواده، رمه‌ی خود را در مرتع عمومی که به تمام قبیله تعلق داشت، می‌چرانید.

در نبرد، مردان يك قبیله - واحد ویژه‌ای تشکیل میدادند و در کار انتقام گرفتن از دشمنان، و بخاطر کشته شدگان خویش، یکدیگر را مدد میکردند. در مجمع ملی مردان تمام قبیله جمع میشدند.

اما بین اهالی يك قبیله نیز تساوی و برابری وجود نداشت. عده‌ای فقیر شده بودند و بکار مزدوری، پیش اربابان، مشغول بودند و یا صدقه بگیر محسوب میشدند. هیچ کس متحیر نشد هنگامیکه «اودیسه» بشکل گدائی مسکین در ایثاکا ظاهر گشت: در یونان آن زمان، تعداد اشخاص فقیر و بی‌بضاعت، کم نبود.

۴- اقتصاد باسیلی‌ها و ارشدها

باسیلی‌ها و ارشدها، هر کدام دارای چندین قطعه زمین بودند. تعداد احشام آنها بیشتر از احشام سایر افراد قبیله بود و به همین جهت بهترین قطعات مراتع قبیله در اختیار آنها قرار داشت. معمولاً باسیلی‌ها و ارشدهای قوم، شخصاً در مزارع خویش کار میکردند. مثلاً بخاطر آوردن که جاسون، خودش، زمین را شخم میزد. اودیسه، شخصاً وسایل خانه را تهیه مینمود. ولی برای بعمل آوردن مزارع وسیع‌تری که آنها در تصاحب داشتند، مزدورانی^۱ را اجیر میکردند که بخاطر کارشان فقط

۱- Day-labourer مزدور - مرد فقیر آزادی که در قبال کار روزانه، مزد میگیرد.

غذا و لباس دریافت میداشتند.

علاوه بر مزدوران، بردگان نیز برای باسیلی‌ها کار میکردند. آنها، احشام را به‌چرا میبردند، لباس می‌دوختند، در جالیزها زحمت میکشیدند و پخت و پز میکردند.

باسیلی‌ها در نتیجه‌ی کار بردگان و مزدوران، نه‌تنها از اقتصاد خود - غذا، شراب، لباس و کفش و نعم فراوان برای خود و خانواده خویش بدست می‌آوردند، بلکه احشام اضافی خویش را نیز با سلاح‌های گران‌قیمت و پارچه‌های زیبا و زینت‌آلات طلا، عوض میکردند.

جنگ‌ها، بیش از پیش باسیلی‌ها را ثروتمند میکرد، زیرا که در موقع نبرد، علاوه بر اسیرانی که میگرفتند، سهم غنایم دیگران را نیز تصاحب میکردند.

۵- اشراف^۱ دریونان عصر هومر

همچنانکه مال و منال باسیلی‌ها و ارشدها بیشتر میشد، پایه‌های حکمفرمائی آنها بر قبیله نیز محکم‌تر میگشت. بتدریج اجلاسیه مجمع ملی کمتر تشکیل میگردد؛ در ایتا کا ظرف بیست سال، فقط یکبار جلسه مجمع ملی تشکیل شد. اگر سپاهیان عادی و ساده با باسیلی‌ها و ارشدها جروب‌بحث و مجادله میکردند، آنها را با تهدید و کتک، خاموش مینمودند. تمام امور مربوط به قبیله را شورای ارشدها، بریاست یک باسیلی، حل و فصل میکرد.

باسیلی‌ها و ارشدها نه‌تنها ثروت خود را برای پسران خویش

1- Nobility

به ارث می‌گذاشتند، بلکه مقام و منصب خویش را نیز بعنوان ماترکی، به آنها منتقل میکردند. پسران و نوه‌های پسری باسیلی‌ها، پس از رشد، یک باسیلی، و یا، یک ارشد محسوب میشدند. یواش یواش وضع زندگی انسان، از وابستگی‌های خانوادگی وی، یعنی از اینکه به کدام خانواده تعلق دارد، ناشی میشد، نه از تجربیات و ارزش خدماتی که انجام میداد. آن عده‌ای که از خانواده‌های باسیلی و ارشدها بودند، خود را «اشراف» مینامیدند. اشراف، برای اینکه بازهم بیشتر از افراد عادی و ساده‌ی قبایل خود، متمایز شوند و فاصله بگیرند، ادعا میکردند که از پشت خدایان زاده شده‌اند - یعنی اینکه خدایان - اجداد آنها هستند.

در اواخر دوره‌ی هومر، اشراف ثروت سرشاری اندوخته و قدرت زیادی در قبایل بدست آورده بودند. دریونان، جریان برده‌شدن آدم‌ها آغاز گردید. اگرچه، تعداد بردگان، هنوز، زیاد نبود. در این زمان، مرحله‌ی گذار از نظام جماعتی نخستین به نظام برده‌داری، شروع شده بود.

پرسش و تمرین:

- ۱- یونانی‌ها در عصر هومر چه مشاغلی داشتند؟ در کداميك از افسانه‌ها و منظومه‌ها از نوع شغل آنها یادآوری میشود؟
- ۲- در کداميك از افسانه‌ها، از سفرهای دوردست یونانی‌ها حکایت میشود؟
- ۳- چه کسی اشراف نامیده میشد؟ کداميك از قهرمانان افسانه‌ای را میتوان جزواشراف دانست؟
- ۴- در عصر هومر چه نشانه‌هایی از زندگی مردم دوره‌ی نظام جماعتی نخستین باقی مانده بود؟ چه چیزی نمایشگر پیدایش نظام برده‌داری در یونان است؟

بند ۵

مذهب دریونان باستان

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

بخاطر بیاورید:

چرا مذهب در میان مردم جماعات نخستین بوجود آمد؟ و در مصر قدیم به چه خدایانی اعتقاد داشتند؟ (بند ۴، ماده‌ی ۱ و ۲ و ۳، جلد اول این کتاب).

۱- پرستش نیروهای طبیعت

یونانی‌ها نیز بسان سایر ملت‌های جهان باستان، از نیروهای طبیعت

گفته میشد که هر يك از رشته‌های اقتصادی - یعنی فلاحه، دامپروری، شکار، نساجی و سایر صنایع دستی - دارای خدا، یا الهه‌ای مخصوص به‌خود میباشد.

خدای شراب را دیئونیسوس^۱ می‌نامیدند. جشن‌های بهاری را که دوبار - يك بار پیش از آغاز کار در تاکستان‌ها و بار دیگر - در ماه دسامبر که شراب نو عمل می‌آمد، برپا میداشتند، به او اختصاص داده بودند. در روزهایی که این جشن‌ها برپا میشد، توده‌ی برزگران، ترانه خوان و رقص‌کنان، ازدهی به‌ده دیگر می‌رفتند و در معابر شهرها برآه می‌افتادند. آنها با آهنگ، افسانه‌ی مربوط به دیئونیسوس را می‌خواندند که حکایتی چنین داشت: دیئونیسوس مرده، و طبیعت نیز با او بخاک رفته است، لیکن چون بهار فرا میرسد، او از مرگ برمی‌خیزد و رستاخیز طبیعت نیز به‌مراهش، آغاز میشود. یونانیان قدیم با این افسانه تلاش میکردند که برای خود این مسأله را شرح دهند که چرا به‌هنگام پائیز، گیاهان پژمرده میشوند، برگها فرو می‌ریزند، ولی چون طلیعه‌ی بهار طلوع میکند، دگر باره جان میگیرند و تجدید حیات میکنند.

هنگامیکه یونانی‌ها موفق شدند از فلزات استفاده کنند، افسانه‌ی مربوط به هفستوس - حامی آهنگران بوجود آمد. بنابه‌تصور یونانی‌ها، هفست یا هفستوس، خود نیز در زیر زمین به کار آهنگری مشغول بود و دست و رویش پیوسته از دم و دوده سیاه بودند. و هنگامی که کوه‌های آتشفشان می‌گریزند و دود می‌کردند و از دهانه‌های خود آتش

که آنها را در احاطه گرفته بود، می‌هراسیدند و نمی‌توانستند این نیروها را درك کنند. به همین جهت معتقد بودند که طبیعت را خدایان بیشمار، اداره میکنند.

خدایان یونانی‌ها شبیه آدمیان، ولی جاودانه و نیرومند تجلی میکردند.

زئوس نیرومند گوئی با تیرهای طلائی رنگ رعد و برق خود به آدمیان ضربه میزد. بارش باران و نباریدنش نیز بدست همانا او بود. زندگی مردمی که سوار بر کشتی‌های كوچك چوبی، در بستر دریا شناور میشدند نیز به میزان زیادی به شرایط جوی بستگی داشت. به همین جهت یونانی‌ها از پوشیدون^۲ - خدای دریا به همان اندازه می‌ترسیدند که از زئوس، وحشت داشتند. پوشیدون میتواندست با يك اشاره‌ی چماق خدائی خویش، دریا را به حرکت در آورد، توفان برانگیزد و کشتی‌ها را به اعماق دریا فرو برد.

طبق باور یونانی‌ها، روز، از آن جهت سربر میداشت که خدای خورشید، با ارا به‌ی زرینی که چهاراسب سپید آنرا میکشیدند، به آسمان می‌آمد.

یونانیان معتقد بودند که خدایان و الهه‌ها در تمامی نقاط طبیعت، سکونت دارند. آنها خدایان جنگل را ساتیر^۳ می‌نامیدند و پیش خود آنها را بصورت آدمیانی تصور میکردند که بدنشان پشم آلود و پاهایشان بشکل پاهای بز است. الهه‌های بهاری در منابع موجود، بصورت دوشیزگان زیبایی توصیف شده‌اند. به آنها نیمف‌ها^۴ - یعنی عروسان نام داده بودند.

1- Dionysus

1- Poseidon

2- Satyr

3- Nymph

بیرون میدادند، یونانی‌ها میگفتند که این دود و دم، از کوره‌ی آهنگری هفستوس برمی‌خیزد.

آپولوای جوان ورعنا - خدای هنرها محسوب میشد و همراهانش یعنی میوزها - مظاهر رقص و شعر و موسیقی و تاریخ.

۳- انعکاس نابرابری یونانی‌ها در مذهب

یونانی‌ها فکر میکردند که زئوس، آپولو، و خدایان اصلی دیگر، در مرتفع‌ترین کوه یونان - یعنی کوه اولمپ^۱ زندگی میکنند و به همین جهت آنها را - «خدایان اولمپ» نام داده بودند. در آنجا، برفراز قله‌ی کوه، که در مه و ابر فرو رفته بود، گویا کاخ‌های مجلل و باشکوه خدایان، که توسط هفستوس ساخته شده بود، سر بر آسمان میکشید.

یونانی‌ها تصور میکردند که زندگی خدایان، برفراز اولمپ نیز شبیه زندگی اشراف در روی زمین است. آنها نیز، گویا، لباسهای فاخری برتن دارند و اغلب، سرگرم عیش و نوش هستند. همانطوریکه خانواده‌های اشراف، زمام امور قبایل را بدست دارند و طوایف را اداره میکنند، خانواده‌ی «خدایان اولمپ» نیز به رهبری زئوس و به همانگونه، مردم و تمامی طبیعت را اداره مینمایند. یونانیها می‌گفتند که خدایان نیز مثل اشراف - موجوداتی سنگدل و بی‌رحم، جاه طلب و انتقام‌جو هستند.

گوئی این خدایان بودند که تمام نظم و ترتیب زندگی آدمیان

1- Apollo

2- Muses

3- Olympus



۱- آپولو-خدای هنر ۲- آرتیمس-خدای شکار ۳- پوسیدون-خدای دریا



۴- نیک - الهه بالدار پیروزی



۵- دیونیسوس-خدای شراب

را مقرر میکردند: عده‌ای را ثروتمند و اشراف و جماعتی را فقیر و

مسکین و عده‌ی دیگری را - برده می‌آفریدند. آن کسی که بر علیه
نظمی که بوسیله‌ی خدایان مستقر شده بود به مبارزه برمیخواست، میبایست
منتظر خشم و کيفری سخت باشد.

۴- افسانه پرومته^۱

تصورات مربوط به سنگدلی و انتقام‌جوئی خدایان، بویژه به-
گونه‌ی چشم‌گیری در افسانه‌ی پرومته، تجلی میکند. این افسانه حکایت
از آن دارد که خدایان، آتش را از انسان، پنهان داشته بودند. آنها بر
آن بودند که انسان را در مقابل طبیعت و مرگ همچنان بی‌دفاع باقی
بگذارند. ولی پرومته - قهرمان نجیب و دلاور - آتش را با نیرنگ
از هفستوس ربود و برای مردم به‌ارمغان آورد. و همین قهرمانی، مردم
را از مرگ و نیستی رهانید.

زئوس، که بشدت خشمگین شده بود، به هفستوس دستور داد تا
پرومته را در کوهی واقع در قفقاز به زنجیر کشد. پس، هر روز زئوس
عقابی را بسراغ پرومته میفرستاد، تا جگر او را نوک بزند و بخورد.
پرومته با وجود شکنجه‌های وحشتناک - بازئوس کنار نیامد و با افتخار
و سرفرازی در مقابل جلاد خویش، مقاومت کرد.

افسانه‌ی مربوط به پرومته نشان میدهد که یونانیان باستان بخوبی
به اهمیت آتش در زندگی انسان پی برده بودند و میکوشیدند توجیه
کنند که چگونه انسان یاد گرفت آتش را بدست آورد. یونانیان در
سیمای پرومته چهره‌ی قهرمانی را مشاهده میکردند که بخاطر سعادت

1- Prometheus

مردم، با خدایان خبیث و سنگدل و غیر عادل، درافتاده و مبارزه میکند.

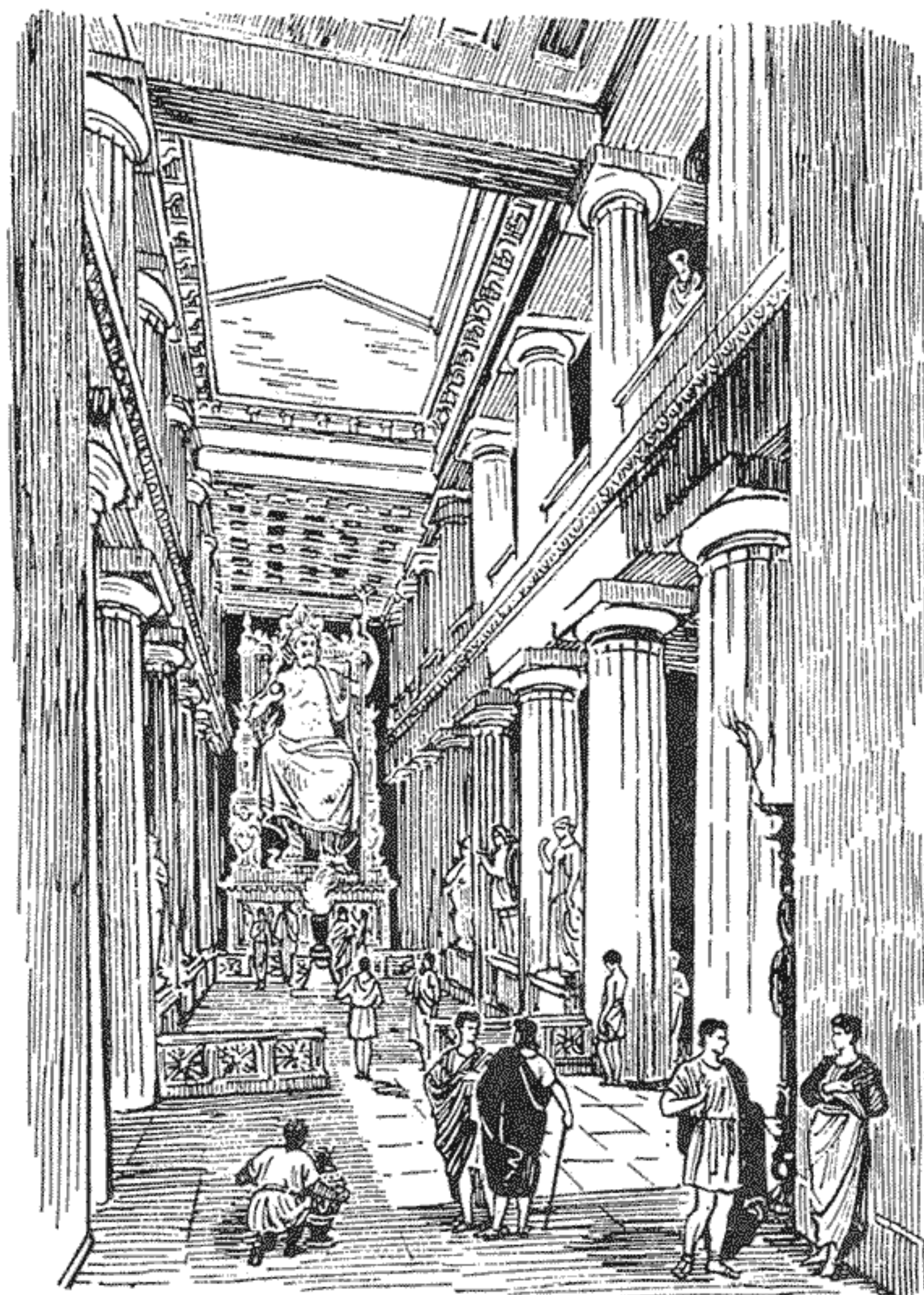
مذهب در میان یونانیان باستان نیز بسان ملت‌های دیگر، بخاطر
ترسی که در برابر «نیروهای طبیعت» داشتند، بوجود آمد. هنگامیکه
نظام جماعتی نخستین در یونان، جای خود را به نظام برده‌داری داد،
بازتاب پیدایش نابرابری و شکل پذیرفتن طبقه اشراف در مذهب نیز،
منعکس گردید. در یونان عهد قدیم، مذهب، میخ استحکام پایه حکومت
ظالمان بر مظلومین، بود.

پرسش و تمرین:

- ۱- با کدامیک از پدیده‌های طبیعت که یونانیان آنرا ناشی از اراده خدایان می‌پنداشتند، آشنا شده‌اید؟
 - ۲- مشاغل یونانی‌ها چگونه در مذهب آنها منعکس شده است؟
 - ۳- چطور نابرابری یونانی‌ها در مذهبشان انعکاس یافته است؟ هذهب چه نقشی در زمینه تحکیم حکومت اشراف در یونان داشت؟
 - ۴- مذاهب یونان و مصر را با هم مقایسه کنید؟ چه وجه مشترکی در مذاهب وجود دارد؟ چه تفاوتی بین آنهاست؟ چرا این مذاهب بوجود آمدند؟
 - ۵- چه زمانی در تاریخ یونان به عصر هومر مشهور شده است؟ چرا چنین عنوانی بوجود آمد؟
 - ۶- چگونه در عصر هومر در یونان مرحله‌گذار از نظام جماعتی نخستین به نظام برده‌داری، صورت گرفت؟
- شما میتوانید در مورد افسانه‌های یونانی کتب ذیل را مطالعه کنید:
- ۱- قهرمانان یونان - اثر: و. اسمیرنوا
 - ۲- ماجراهای اودیسه - اثر: ی. تودوروفسکایا که بازنویسی قصه‌ها به‌نثر است.*

www.adabestanekave.com

* البته بزبان روسی موجود است. مترجم



تصویر شماره ۱۳ - منظره‌ی داخلی معبد زئوس در اولمپ. (تجدید بنا شده) زئوس بر تخت نشسته، در يك دست او عصای باسیلی و در دست دیگرش مجسمه الهه پیروزی دیده می‌شود. معبد در قرن پنجم پیش از میلاد ساخته شده است. مجسمه کارفیدیاس Phidias پیکرتراش مشهور یونانی است. این مجسمه از تخته‌ای که پوشش نازکی از عاج فیل دارد ساخته شده است.

صخره‌ای از میان دریا سر بیرون آورده که ایالت آتیکا در آن واقع شده است.

سواحل آتیکا بوسیله خلیج‌های عمیقی بریده‌بریده شده است. از همان آتیکا است که راه مناسب و باستانی دریای اژه آغاز میشود. (به نقشه شماره ۵ نگاه کنید و فکر کنید که چرا راه مناسب از اینجا شروع میشود؟) در نواحی کوهستانی آتیکا، عده‌ای قلیل می‌زیستند. آنها بکار دامپروری اشتغال داشتند.

در بخش غربی آتیکا، میان کوه‌ها، جلگه‌ای قرار دارد با اراضی بسیار مرغوب و حاصلخیز. این جلگه در همان عهد باستان نیز سکونت‌گاه عده‌ی بسیاری از مردم بوده است. ساکنان جلگه بکار فلاحه مشغول بودند. در این جلگه تاکستان‌های زیاد و «باغ‌های زیتون»^۵ فراوان وجود داشت.

۲- آکروپولیس^۱ آتن

در میان جلگه، به فاصله‌ی شش کیلومتری دریا، تپه‌ای سر برافراشته است که صخره‌هایی دنداندار و میدان مسطحی در بالای خود، دارد. در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد، در همین جا شهر آتن ساخته شد. شهر، با باروهایی که از سنگ ساخته شده بود، احاطه میگردید. یونانی‌ها به‌چنین شهرهای محکمی - آکروپولیس می‌گفتند.

وقتی دشمنان یورش می‌آوردند، سکنه‌ی نواحی آتن در میان

۵- درخت زیتون که يك گیاه جنوبی است همیشه سبز میباشد.

1- Acropolis

فصل دوم

استقرار نظام برده‌داری و پیدایش شهر - دولت‌ها در یونان طی قرون ششم الی هشتم پیش از میلاد.

بند ۷۹۶

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

آتن، هنگام حکومت اشراف در قرون هفتم و هشتم قبل از میلاد

بخاطر آورید: چه وقت و از کجا دورین‌ها به یونان مرکزی و جنوبی یورش آوردند؟ (فصل اول، بند ۱، ماده ۴)

۱- طبیعت و کشاورزی آتیکا^۱

در جنوب خاوری یونان مرکزی، شبه جزیره‌ای بزرگ و

1- Attica

صخره‌های صعب‌العبور پنهان میشدند. آتنی‌ها یورش قبایل دورین را که از یونان مرکزی حمله آورده بودند، توانستند دفع کرده و از استقلال خود دفاع کنند.

۳- توسعه صنایع دستی و دادوستد در آتن

در آتن شرایط مطلوبی برای رشد و ترقی صنایع دستی و داد و ستد وجود داشت. آتیکا دارای معادن سرشار گل مرغوب، سنگ نقره و سنگ مرمر بود. در نزدیکی‌های آتن لنگرگاه‌های مناسبی به چشم می‌خورد. جلگه‌نشینان، روغن زیتون و شراب تولید میکردند تا در شهر بفروشند. کوه‌نشینان به کار داد و ستد پشم و پوست مشغول بودند. و تمامی این مردم به فرآورده‌های صنایع دستی نیازمند بودند. بویژه به ظروف سفالی، که یونانی‌ها در آن شراب و روغن و گندم را نگهداری نموده و به این سو و آن سو حمل و نقل میکردند، نیاز بسیار بود.

بتدریج آکروپولیس از تور به هم بافته‌ی خیابان‌هایی که با خانه‌های مسکونی و کارگاه‌ها پر میشد، احاطه میگردد. در عده‌ای از کارگاه‌ها، استادکاران در کوره‌های خود اسلحه میساختند، در تعدادی دیگر زینت‌آلاتی از طلا و نقره تهیه میکردند و در کارگاه‌های بعدی نیز عده‌ای بکار بافتن پارچه‌های پشمی اشتغال داشتند. یک ناحیه‌ی شهر بوسیله‌ی کارگاه‌هایی اشغال شده بود که در آن ظروف سفالی - غرابه‌ها و غیره را از گل تهیه کرده و در کوره‌ها می‌پختند. (به تصویر شماره‌ی ۹ مراجعه کنید).

در روی بسیاری از ظروف سفالی تصاویری حک میگردد که



تصویر شماره‌ی ۱۴



تصویر شماره‌ی ۱۵

۱۴- نقشه قلمرو دولت آتن.

۱۵- دماغه جنوب شرقی آتیکا. در این تصویر نزدیکی جزایر با هم در این بخش از دریای اژه بخوبی دیده میشود. روی دماغه - ویرانه‌های معبد پوسیدون مشاهده میگردد.

دارای مضامین افسانه‌ای بود. بعضی از تصاویر دارای ارزش هنری بود. ظروفی که در آتن ساخته میشد، بهترین ظروف یونان بشمار میرفت.

کارگاه‌های آتن طی قرون ششم الی هفتم قبل از میلاد چندان بزرگ نبودند و در هر يك از این کارگاه‌ها، خود صنعتگر و گاهی نیز دو سه برده‌ای که به‌وی تعلق داشتند، کار میکردند.

در لنگرگاه‌های نزدیک آتن، فرآورده‌های صنایع دستی و ظروف حاوی روغن و شراب را به کشتی‌ها بار میزدند. همه‌ی این کالاها به ایالات دیگر یونان و کشورهای آن سوی دریا ارسال میشد. تا بفروش برسد. از کشتی‌ها غله، نمک، ماهی نمک زده‌ای که سکنه‌ی آتن به



تصویر شماره‌ی ۱۶

تصویر شماره‌ی ۱۷

تصویر شماره‌ی ۱۶- کارگاه آهن‌گری. نقاشی روی گلدان متعلق به قرن ششم پیش از میلاد.

صنعتگر، قطعه‌ای از فلز گداخته را با گازانبر روی سندان گرفته و برده پتک میزنند. طرف راست تصویر، سفارش‌دهندگان کار فوق، در حال دستور دادن دیده‌میشوند.

تصویر شماره‌ی ۱۷- کارگاه کف‌اشی، نقاشی روی گلدان متعلق به قرن ششم پیش از میلاد. استاد پای زنی را که روی میز ایستاده است اندازه میگیرد. مددکارش کفش را برای آزمایش آماده میکند. طرف راست شوهر زن که چنین سفارشی را داده درحالی‌که دستور میدهد ایستاده است.

آن نیازمند بودند، تخلیه میگردید. بردگان را نیز برای فروش به آتن می‌آوردند. آنها را درحالی‌که به‌بند کشیده بودند، از کشتی‌ها پیاده کرده و اغلب اوقات، در همان بارانداز بفروش میرساندند.

یونانی‌ها در قرن هفتم پیش از میلاد شروع کردند به ضرب سکه‌های نقره‌ای.

۴- ورشکسته‌شدن دهقانان

بخش بزرگ اراضی حاصلخیز آتیکا، توسط اشراف آتن اشغال شده بود.

بسیاری از دهقانان به اشراف بدهکار بودند. در قطعات زمین دهقانان، به‌عینه داغ‌ننگی که برپیکر بردگان زده میشد، سنگ نبشته‌هایی نصب میگردید که به «سنگ مقروضین» مشهور بود. روی این سنگ‌ها نام دهقانان بدهکار و زمان و تاریخی که میبایست دین خود را ادا



تصویر شماره‌ی ۱۸

کارگاه کوزه‌گری. نقاشی روی گلدان متعلق به قرن ششم پیش از میلاد. طرف چپ برده‌ای دیده میشود که با احتیاط ظروف تهیه شده از گل را حمل میکند. طرف راست ارباب برده‌ای را که باطناب بسته شده تنبیه میکند.

کنند، حك شده بود.

اگر دهقان نمی‌توانست بموقع و در موعد مقرر بسدهیش را بپردازد، نه‌تنها زمین و بقیه مایملک او را طلبکار تصرف میکرد، بلکه دهقان و اعضای خانواده‌اش نیز به‌بردگی کشیده‌میشدند. در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد، بسیاری از دهقانان ورشکسته شدند. عده‌ای به‌بردگی رفتند و تعدادی نیز در معرض چنین سرنوشتی، قرار گرفتند.

۵- حکومت اشراف (آریستوکرات‌ها) در آتن

اشراف حکومت آتن را بدست گرفتند. آنها مجمع ملی را تعطیل نمودند. شورای ارشدها و ۹ نفر حاکم، که بوسیله این شورا برگزیده‌میشدند، آتن را اداره‌میکردند. اعضای شورا، حکام و قضات، فقط از میان اشراف برگزیده‌میشدند. تمام امور مربوط به‌داد رسی به‌نفع اشراف حل و فصل میگردد. حتی برای گناهان ناچیز، کیفرهای بی‌رحمانه‌ای مقرر میشد. مثلاً، مردی را که خوشه‌ای انگور از تاکستان يك بیگانه می‌چید، به‌اعدام محکوم میکردند. هر يك از خانواده‌های اشراف برای مبارزه با مردم فقیر و مسکین، دارای محافظ و گارد مسلح بودند.

يك شاعر اشراف‌زاده یونانی مناسبات اشراف با مردم را در اشعار خویش چنین وصف کرده است. اوصلاح در این می‌بیند که باید با «تپای محکم به‌سینه‌ی خلق کوید و خلق را با نیزه‌های مسی، قطعه‌قطعه کرد» زیرا هیچ خلقی وجود ندارد که «بمیل خویش و داوطلبانه

حکومت اشراف را تحمل کند».

اشراف یونان به‌حکومت خود عنوان آریستوکراسی^۱ داده بودند، که به‌معنای حکومت برترها^۲ است. به‌همین جهت در حال حاضر نیز اشراف را «آریستوکرات» مینامند. در آتن دولتی شکل پذیرفت که حافظ حکومت اشراف بر دهقانان و بردگان بود.

www.adabestanekave.com

1- Aristocracy

2- Power of the best

1- Aristocratic

- ۱- چه شرایط طبیعی موجب ترقی صنایع دستی و داد و ستد در آتیکا گردید؟
- ۲- چه کالاهائی را از آتیکا حمل میکردند؟ چه کالاهائی را به آتیکا وارد میکردند؟
- ۳- کشاورزی، صنایع دستی و داد و ستد آتیکا را در قرن ششم پیش از میلاد با یونان عصر هومر مقایسه کنید؟
- ۴- به چه کسانی آریستوکرات میگویند؟ چگونه این عنوان بوجود آمد؟

پیروزی دموس‌ها و تحکیم دولت در آتن

۶- دموس‌ها

برخلاف آریستوکرات‌ها - اشراف، بقیه‌ی اهالی آزاد^۱ آتیکا را «دموس» مینامیدند.

اکثر دموس‌ها از دهقانان، پیشه‌وران، دریانوردان و کارگران روزمزد، تشکیل میشدند. ولی در میان دموس‌ها نیز عده‌ای بودند که ثروتی داشتند. آنها عبارت بودند از بازرگانان، صاحبان کشتی‌ها، و برده‌داران. کلیه‌ی دموس‌ها - چه فقیر و چه پولدار، حق نداشتند در امور حکومتی آتن، شرکت کنند. این حق فقط متعلق به اشراف بود.

www.adabestanekave.com

1- Demos

• - افرادی که برده نبودند. (مترجم)

اما دموس‌ها در آتن از حکومت اشراف ناراضی بودند. آنها تلاش می‌کردند که حق شرکت در حکومت آتن را بدست آورند. علاوه بر این، فقرا، طلب می‌کردند که قروضشان لغو شده، اراضی اشغالی، از آریستوکرات‌ها پس گرفته شود و بین تمامی افراد فقیر، تقسیم گردد.

در آغاز قرن ششم قبل از میلاد، بین دموس‌ها و اشراف برخورد های خونی روی داد.

آریستوکرات‌ها از این می‌ترسیدند که نکند برده‌ها نیز به دموس‌ها ملحق شوند. وحشت و هراس از انفجار کوره‌ی خشم توده‌ها بصورت يك قيام ملی، آریستوکرات‌ها را مجبور کرد که نسبت به دموس‌ها، گذشت کنند. در سال ۵۹۴ پیش از میلاد، سولون^۱ که جزو اشراف بود، ولی از خانواده‌ی دورگه - اشراف و دموس - زاده شده بود، به حکومت آتن رسید. مأموریت او این بود که دموس‌ها را با آریستوکرات‌ها آشتی دهد. و برای این امر، اصلاحاتی^۲ در کار حکومت صورت دهد و وضعیت دموس‌ها را بهبود بخشد.

۸- «اصلاحات» سولون

بنا به پیشنهاد سولون، قروض دهقانان لغو شد، تابلو مقروضین از مزارع جمع‌آوری گردید. مردمی که در نتیجه‌ی بدهکاری به بردگی

گرفته شده بودند، آزاد شدند. برده کردن افراد آزاد آتن، ممنوع اعلام شد و بردگی مادام‌العمر از میان رفت. سولون در این مورد چنین می‌سراید:

مادر سیاه چرده‌ی ما
سرزمین بسیار رنج‌دیده‌ی ما،
که من از درون تو تمامی سنگهای شرم را
بدور افکندم
تو برده بودی و اکنون - آزادی.
فرزندان ترا از بردگی در سرزمین‌های بیگانه،
رهاانیدم،
و بازگردانیدم به آتن، شاه شهر ما.
و اینجا هم، در سرزمین گرامی خویش
من آزاد کردم تمامی بردگانی را
که در بیم خوفناك اربابان، می‌زیستند.

در نتیجه‌ی لغو دیون دهقانان و از بین رفتن بردگی مادام‌العمر، اقتصاد دهقانان آتیکا، جان گرفت و استحکام یافت. تعداد مزارعی که به آنها تعلق داشت، فزونی یافت. طرز اداره‌ی آتن بوسیله‌ی دولت نیز دگرگون شد. دوباره مجمع ملی تشکیل می‌گردید و امور مهمتر دولتی را حل و فصل میکرد، حکام را برمیگزید، قضات و سایر «افراد مسؤول» را انتخاب می‌نمود. کلیه‌ی مردان آزاد آتن حق داشتند در مجمع ملی شرکت کنند. حکام و فرماندهان نظامی، صرفنظر از اشرافیتشان، از میان افراد ثروتمند برگزیده میشدند.

• تابلو مقروضین (مترجم)

1- Solon

2- Reforms

اصلاحات سولون تغییری در وضع بردگانی که از کشورهای دیگر و سایر نواحی یونان به آتن آورده میشدند، نداد. وضعیت بردگان بسان گذشته، همچنان دشوار باقی ماند.

۹- اتباع آتن

پس از اصلاحات سولون سکنه‌ی آتن به دو دسته تقسیم شدند: اتباع آتن و بردگان.

اتباع آتن، مردمی آزاد بودند، میتوانستند هم برده داشته باشند و هم مال و منال دیگر و در مجمع ملی نیز شرکت کنند. ثروتمندترین اتباع آتن به سمت‌های مختلف دولتی منصوب میشدند. ولی بردگان، هیچ حقوقی نداشتند. آنها جزو اموال اربابان خود بودند.

اگرچه خصومت بین دموس‌ها و آریستوکرات‌ها پس از اصلاحات سولون نیز خاتمه نپذیرفت، لیکن هردو گروه کوشش مستمری بخرج میدادند که بردگان را در انقیاد نگاهدارند و تعداد بیشتری را به بردگی بگیرند. به همین جهت و بخاطر همین روش مشترک هردو گروه - هم دموس‌ها و هم اشراف - طرفدار پایدگی دولت آتن - آریستوکراسی - و نیروهای مسلح آن بودند.

خدمت در ارتش، یا در ناوگان نظامی وظیفه کلیه‌ی اتباع آتن بود. آنها رسماً سوگند یاد می‌کردند که «وظیفه‌ی خود را در قبال وطن» انجام دهند.

اتباع آتن در موقع نبرد با سلاح‌های شخصی خود به جنگ

می‌رفتند. آنها - که فقرا محسوب می‌شدند - بعنوان سپاهیان سبک اسلحه در نیروی پیاده نظام و یا در ناوگان بصورت ملوان و پاروزن نبرد ناوها، خدمت میکردند. دهقانان مرفه، که می‌توانستند سلاحهائی برای خویش بخرند، در قسمت سپاهیان سنگین اسلحه‌ی پیاده نظام به خدمت میرفتند. آنها - دهقانان مرفه - نیروی اصلی ارتش آتن را تشکیل می‌دادند. افراد ثروتمند جزو سواره نظام بودند و ناوها را تجهیز می‌کردند.

در قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد در آتن، رژیم برده‌داری مستقر شد و دولت برده‌دار، شکل گرفت. این دولت، سیادت برده‌داران آتن را بر بردگانی که به آتیکا آورده میشدند، تحکیم بخشید.

سوگندنامه‌ی جوانان آتن

(متن این سوگندنامه از کتیبه‌های قرن چهارم پیش از میلاد گرفته شده است)

«من، این سلاح مقدس را به ننگ نمی‌آلایم و هرگز رفقای خویش را در نبرد، هرجائی که من باشم، ترك نخواهم کرد. من بخاطر سرزمین خود می‌جنگم و پس از خویشتن، وطنم را ضعیف باقی نمی‌گذارم، بلکه قوی‌تر و نیرومندتر، همانگونه که در آینده خواهد بود. من مقدسات وطنم را گرامی میدارم. خدایان و سرحدات وطنم و مزارع گندم و جو و تاکستان‌ها و درختان زیتون، گواه برسوگند من هستند».

- ۱- دموس‌های آتن از چه کسانی تشکیل می‌شدند؟
- ۲- چرا سولون مجبور شد دست به اصلاحات بزند؟
- ۳- به کدام بخش از اهالی آتیکا اصلاحات سولون بهره‌ای نرساند؟
- ۴- دولت آتن تا قبل از اصلاحات سولون حافظ منافع چه کسانی بود؟ بعد حامی منافع چه کسانی شد؟
- ۵- اتباع آتن از چه مزایایی برخوردار بودند؟ چه وظایفی را انجام می‌دادند؟
- ۶- حساب کنید، ۲۵۰۰ سال اصلاحات سولون در چه سالی است؟

بند ۸

دولت برده‌دار اسپارت^۱ در قرون هشتم-ششم قبل از میلاد

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

۱- طبیعت و اهالی پلوپونس جنوبی

در جنوب خاوری پلوپونس، ایالتی واقع شده است بنام لاکونیا^۲ در مرکز لاکونیا دشتی قرار دارد که از سه سمت در احاطه‌ی کوه‌هاست. در این دشت، خاکی حاصلخیز، مراتعی خوب و مناسب وجود دارد و رودخانه‌ای در جریان است. ایالت همجوار - که مسنیا^۳ نامیده می‌شود، از لحاظ کشت و زرع و دامپروری شرایط بازم بهتری دارد. دورین‌هائی که به یونان یورش آوردند، لاکونیا را تسخیر کردند.

www.adabestanekave.com

1- Sparta

2- Laconia

3- Messenia

فاتحان دوریانی، نواحی مسکونی خویش را نزدیک بهم احداث میکردند. از مجموع این نواحی مسکونی شهری بوجود آمد که اسپارت نام گرفت و فاتحان - اسپارت‌ها نامیده شدند.

پس از نبردهای طولانی و دراز مدت، اسپارت‌ها، مسنیا را نیز تسخیر کردند.

۲- طبقات و مبارزات طبقاتی در اسپارت

اسپارت‌ها، بیشتر اهالی بومی نواحی اشغالی را به بردگی می-کشیدند. بردگان را در اینجا - هیلوت^۱ مینامیدند. فرزندان هیلوت‌ها نیز برده محسوب میشدند.

خود فاتحان - طبقه برده‌دار بشمار می‌آمدند. هر یک از اهالی اسپارت، دارای یک قطعه زمین و چند خانواده هیلوت بود. افراد خانواده هیلوت‌ها - زمین مزروعی را بعمل می‌آوردند.

بدیهی است که هیلوت‌ها چشم دیدن اسپارت‌ها را نداشتند. هیلوت‌ها می‌کوشیدند که از قید اسارت و ستم رها شوند و بسیار بار، به همین جهت به قیام برخاستند.

در قرن هفتم پیش از میلاد، در مسنیا یکی از این قیام‌ها شعله‌ور شد. قیامیان در نبرد با شکست روبرو شدند. ولی تعدادی از آنها به کوه زده، در قله‌ی کوه، بسنگر نشستند.

اسپارت‌ها هیلوت‌های فراری را محاصره کردند. آنها شبانه، در زیر بارش باران از کوه بالا خزیدند. در روی قله‌ی کوه و در زیر

روشنائی رعد و برق، نبرد در گرفت. نه تنها خود هیلوت‌ها، بلکه زنانشان نیز در این نبرد شرکت داشتند. یک نویسنده‌ی عهد باستان چنین مینویسد:

«زن‌ها نیز با سنگ، و هرشتی دیگری که بدست می‌آوردند و می‌توانستند بسا آن به دشمن حمله آورند، نبرد میکردند. زنان اسلحه بدست گرفته بودند و همین امر، شجاعت و دلاوری بیشتری در مردان برمی‌انگیخت هنگامیکه می‌دیدند زنانشان هم - خوب مردن را به همراه آنها، بربرده ماندن، ترجیح میدهند».

نبرد سه روز و سه شب بلاوقفه روی قله کوه ادامه یافت. قیامیان در محاصره بودند، موقعیتی نا امیدانه داشتند. ولی اسپارت‌ها، که با مبارزه‌ی سرسختانه‌ی هیلوت‌ها رو برو شده بودند و می‌ترسیدند تلفات بیشتری بدهند، موافقت کردند که اگر بزرگان رزم جو، از مسنیا خارج شوند، در امان خواهند بود. این مبارزه‌ی قهرمانانه، عده‌ای از هیلوت‌ها را از بردگی رها کنید، لیکن مجبورشان کرد که برای همیشه، میهن زادگاهی خویش را ترك کنند.

اسپارت‌ها برای اینکه از قیام‌های مشابه در آینده جلوگیری کنند، ددمنشانه شجاع‌ترین و نیرومندترین هیلوت‌ها را برای عبرت سایرین به قتل رساندند.

مبارزه‌ی هیلوت‌ها و اسپارت‌ها، مبارزه‌ای بود بین دو طبقه آشتی-ناپذیر - بزرگان و برده‌داران - و این يك مبارزه طبقاتی بود.

تعداد هیلوتها بمراتب بیشتر از اسپارتهای بود. برای اینکه اسپارتهای بتوانند بر هیلوتها مسلط باشند، احتیاج به دولت - یعنی ارتش، قانون و دادگاه داشتند.

تمامی پستهای دولت اسپارت در دست خودشان بود. آنها در مجمع ملی، اعضای شورای ارشدها را که مرکب بودند از اشراف اسپارت و کمتر از ۶۰ سال نداشتند، برمیگزیدند. دوتن از فرماندهان ارتش نیز در شورا عضویت داشتند. کار شورا، حل و فصل امور مهم و محاکمه گناهکاران بود.

کلیه اسپارتهای که قادر به حمل سلاح بودند، سپاهی بشمار میآمدند. قانون، اشتغال آنها را به مشاغل دیگری بجز سپاهیگری، ممنوع میساخت. اسپارتهای بخوبی مسلح بودند. (تصویر شماره ۱۹) آنها پیاده میجنگیدند. وقتی که به آوردگاه میرفتند، صفوفی فشرده تشکیل میدادند. این آرایش پیاده نظام فالانکس نامیده میشد. فالانکسها به همراه آوای فلوت و آوازهای دسته جمعی، با صفوف منظمی حرکت میکردند، بطوریکه به نظر دیواری میرسیدند درست شده از سرنیزه و سپرهای متحرک.

۴- معیشت اسپارتهای

اسپارتهای که در میان دشمنان طبقاتی خویش - هیلوتها - زندگی

1- Phalanx

میکردند، تقریباً همیشه اوقات مسلح بودند. يك نویسنده ی باستانی میگوید که «يك فرد اسپارت همیشه نیزه ای بدست دارد تا نیرومندتر از يك هیلوت به نظر برسد، اگر که هیلوت بشورد». اسپارتهای حتی در زمان صلح نیز بسان زمان جنگ میزیستند. آنها تمام مدت روز را در اردوگاههای نظامی میگذرانند. در این اردوگاهها تحت تعلیمات نظامی قرار می گرفتند.

يك اسپارت میبایست کوتاه و دقیق سخن بگوید. مثلاً يك زن اسپارت به فرزند خود، که به جنگ می رفت، می گفت: «با سپر، و یا، روی سپر». در اسپارت از کف دادن سپر - ننگ بود و جسد آن سپاهی ای که در نبرد، از خود ابراز لیاقت کرده بود، روی سپر حمل میشد. ما به سخن کوتاه، مختصر و مفید - لاکونیائی میگوئیم، یعنی همانطور که در عهد باستان در لاکونیا سخن می گفتند.

۵- تعلیم و تربیت اسپارتهای

پسر بچه های اسپارت از همان دوران کودکی برای مبارزه ی



تصویر شماره ۱۹

سپاهیان سرتا پا مسلح اسپارت. زره و سپر بزرگ گرد، سینه ی سپاهی را محافظت میکرد. کلاه خود سپاهی سمت چپ به پشت سر انداخته میشد. کلاه خود سپاهی سمت راست بروی صورت کشیده می شد. آنها با این وضع به جنگ میرفتند.

بی‌امان با هیلوت‌ها، تحت تعلیم قرار می‌گرفتند.

کودکان را بعنوان سپاهیان مدافع و وفادار به طبقه‌ی خویش - طبقه برده‌داران - تعلیم میدادند. کودکان در شرایطی دشوار بسر می‌بردند تا مخصوصاً از لحاظ بدنی آبدیده و قوی، بار آیند. تقریباً تمامی اوقات آنها به تمرینات جسمانی سپری میشد.

کودکان و نوجوانان میبایست بدون هیچگونه اعتراضی کلیه‌ی دستورات افراد ارشد را اجراء نمایند. تنها هنگامی می‌توانستند سخن بگویند که افراد ارشد اجازه‌ی گفتن می‌دادند. یونانیها به شوخی می‌گفتند که از مجسمه‌های سنگی، بیشتر از کودکان اسپارتی صدا درمی‌آید. برای اینکه جوانان را خشن، آماده و تیزهوش بار آورند، به آنها مأموریت می‌دادند که دشمنان طبقاتی خویش - هیلوت‌های ناراضی را تعقیب نموده، به قتل رسانند.

جوانان اسپارت، جوانانی بودند نیرومند و شجاع، ولی بسیار خشن. آنها بزحمت قادر به خواندن و نوشتن بودند.

تعلیم و تربیت اسپارت‌ها

(از نگارشات پلوتارخ مورخ یونان باستان)

پدر، فرزند خود را به مکانی می‌آورد که ریش سفیدان قوم نشسته بودند تا کودک را بیازمایند. اگر کودک، کودکی محکم و سالم بود، ریش سفیدان به پدر وی اجازه میدادند که خورد و خوراکش داده، بزرگش کند. ضمناً قطعه زمینی به او اختصاص میدادند، ولی اگر کودک ضعیف، و یا ناقص بود او را به پرتگاه می‌افکندند.

کلیه‌ی کودکانی که هفت سالشان تمام بود، گرد هم آورده شده و به گروه‌هایی تقسیم میگشتند. کودکان، در شرایط یکسان با هم زندگی می‌کردند، با هم غذا می‌خوردند، با هم بازیهای یاد می‌گرفتند و با هم نیز اوقات خویش را می‌گذرانند. کسی بسمت رئیس گروه انتخاب می‌شد که از لحاظ شجاعت، در مسابقات رزمی، از دیگران متمایز بود. بقیه میبایست از او سرمشق می‌گرفتند، دستوراتش را اطاعت میکردند و مردانه، کیف‌رهای را که وی روا میداشت تحمل می‌نمودند، زیرا که مکتب آنها - مکتب اطاعت کورکورانه‌ی مطلق بود.



تصویر شماره‌ی ۲۰
کودکی ده‌ساله که در بازی خار بپایش رفته،
نشسته، خار را بیرون می‌آورد.
مجسمه‌ای از یونان باستان

خواندن و نوشتن را فقط به اندازه‌ی یاد می‌گرفتند که بدون آن نمی‌شد سر آورد، بقیه تعلیماتشان عبارت بود از فرمانبرداری و اطاعت کامل، تحمل و بردباری در اوقات بدبختی و تواضع در موقع پیروزی در نبردها. به همین جهت، آنها از همان سالهای اولیه‌ی تعلیم و تربیت - خشن بار آورده می‌شدند: سرشان را از ته می‌تراشیدند، پابرهنه راه می‌رفتند و لخت و عور به بازی می‌پرداختند. هنگامی که ۱۲ ساله می‌شدند، سالی یک شل به آنها داده میشد. پوست بدنشان سخت و خشن بود. معمولاً با آب گرم شستشو نمیکردند. آنها با هم بروی بوریاهایی می‌خفتند که خود بادیست خالی و بدون کمک کاردی - چنگکی بافته بودند. جوانانی

که به سن ۲۰ سالگی می‌رسیدند، در زد و خورد زیردستان میانجیگری کرده، آنها را می‌پراکندند. غذای کودکان بسیار نامطلوب بود. به آنها می‌آموختند که با نیروی خود با محرومیتها مبارزه کنند و شجاع و چابک بار آیند.

پرسش و تمرین:

- ۱- طبقات اسپارت را شرح دهید. از لحاظ ترکیب طبقاتی چه چیزی سکنه‌ی اسپارت را از ترکیب طبقاتی سکنه‌ی آتیکا متمایز میکرد؟
- ۲- مظاهر مبارزه‌ی طبقاتی در اسپارت را بیان کنید؟
- ۳- دولت اسپارت از منافع چه کسانی حمایت میکرد؟
- ۴- هدف اصلی تعلیم و تربیت کودکان اسپارت چه بود؟ در این مورد مثال بیاورید. شما در تعلیمات اسپارت‌ها چه چیزی را می‌پسندید و چه چیزی را نمی‌پسندید؟

www.adabestanekave.com

بند ۹

تشکیل شهر - دولت‌ها در یونان و سواحل دریای مدیترانه و دریای سیاه

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵ و ۶)

سکونتگاه‌های یونانی‌ها را در آغاز هزاره‌ی اول پیش از میلاد بخاطر آورید (فصل اول، بند ۱ ماده ۴) و آنها را روی نقشه مشخص کنید.

۱- شهر - دولت‌ها

طی قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد، همزمان با تشکیل دولت‌های آتن و اسپارت، دولت‌های برده‌دار دیگری نیز در سایر

شهرهای یونان، بوجود آمدند. تقریباً در هر یک از شهرها، دولت مستقلی حکمفرمایی میکرد. قلمرو این دولت‌ها، علاوه بر شهرها، شامل حومه‌ی آنها نیز میشد. این دولت‌ها را «شهر - دولت» می‌نامیدند. در پلوپونس نیرومندترین دولت‌ها، شهر - دولت اسپارت بشمار می‌آمد. بزرگترین و ثروتمندترین شهر - دولت‌های یونان مرکزی، آتن بود. در این شهر - دولت‌ها، مبارزه‌ی بی‌امانی بر سر حکومت و به - خاطر زمین، بین دموس‌ها و آریستوکرات‌ها، جریان داشت. در بسیاری از شهرهای دیگر نیز بسان آتن، دموس‌ها موفق شدند بردگی مادام‌العمر بر اثر قروض را از میان بردارند و حق شرکت در حکومت را بدست آورند. در شهرهای دیگر، آریستوکرات‌ها حکومت را برای خود حفظ کرده، با خشونت تمام دموس‌ها را تار و مار میکردند. وضعیت دشوار و عاری از هرگونه حقوقی که دموس‌ها، در این شهرها با آن روبرو بودند، بخوبی در فابل^۵ شاعر باستانی یونان - هیسئود^۱ که در اواخر قرن هشتم - آغاز قرن هفتم پیش از میلاد زندگی می‌کرد، منعکس است. (به‌ضمیمه همین بند نگاه کنید).

۲- توسعه صنایع دستی و تجارت در یونان

در شهر - دولت‌هایی که در کنار بندرهای مناسبی واقع شده بودند، صنایع دستی و تجارت بسرعت رشد میکرد و گسترش می‌یافت. میلئوس^۲، که از لحاظ تولید پارچه‌های پشمی شهرت داشت،

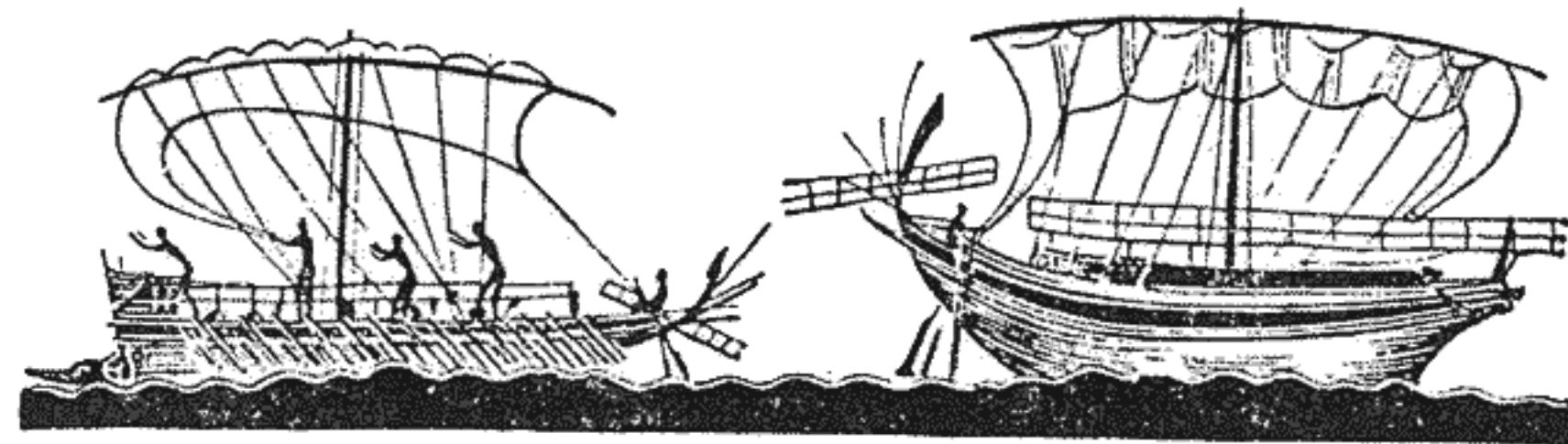
1- Hesiod

2- Miletus

* حکایاتی که از زبان حیوانات بیان میشوند. مترجم

بزرگترین شهر یونان در آسیای صغیر محسوب میشد. بهترین سلاحها را در شهر کورینت^۱ میساختند - (بخاطر بیاورید که چه محصولات باءث شهرت آتن شده بود؟ بند ۶ ۷۹).

یونانیها آموخته بودند که کشتیهای محکمی از چوب بسازند. این کشتیها بوسیلهی پارو و یا بادبان به حرکت درمی آمدند. تجار یونانی با این کشتیها به کشورهای دیگر می رفتند و داد و ستد میکردند.



تصویر شماره ۲۱

کشتیهای یونان باستان. نقاشی روی گلدان متعلق به قرن ششم پیش از میلاد.

طرف راست - يك کشتی بازرگانی دیده میشود. این کشتی بادبانی بود و با باد موافق، به حرکت درمی آمد. طرف چپ يك ناو جنگی مشاهده میگردد. این ناو، هم بوسیله بادبان و هم بوسیله پارو، هدایت میشد.

۳- تشکیل کولونیهای یونان

ابتدا، کشتیهای یونانی طی مدت کوتاهی در سواحل بیگانه لنگر انداخته و تجار، محصولات ساخت یونان را با کالاهای مورد نیاز آن کشور: غله، حشم، پشم، ماهی، و نیز برده، مبادله میکردند. بعد

1-Corinth

شهر - دولت های یونانی شروع کردند به بنیادگذااردن کولونیهای دائمی خویش در نواحی ساحلی دریاهای مدیترانه و سیاه.

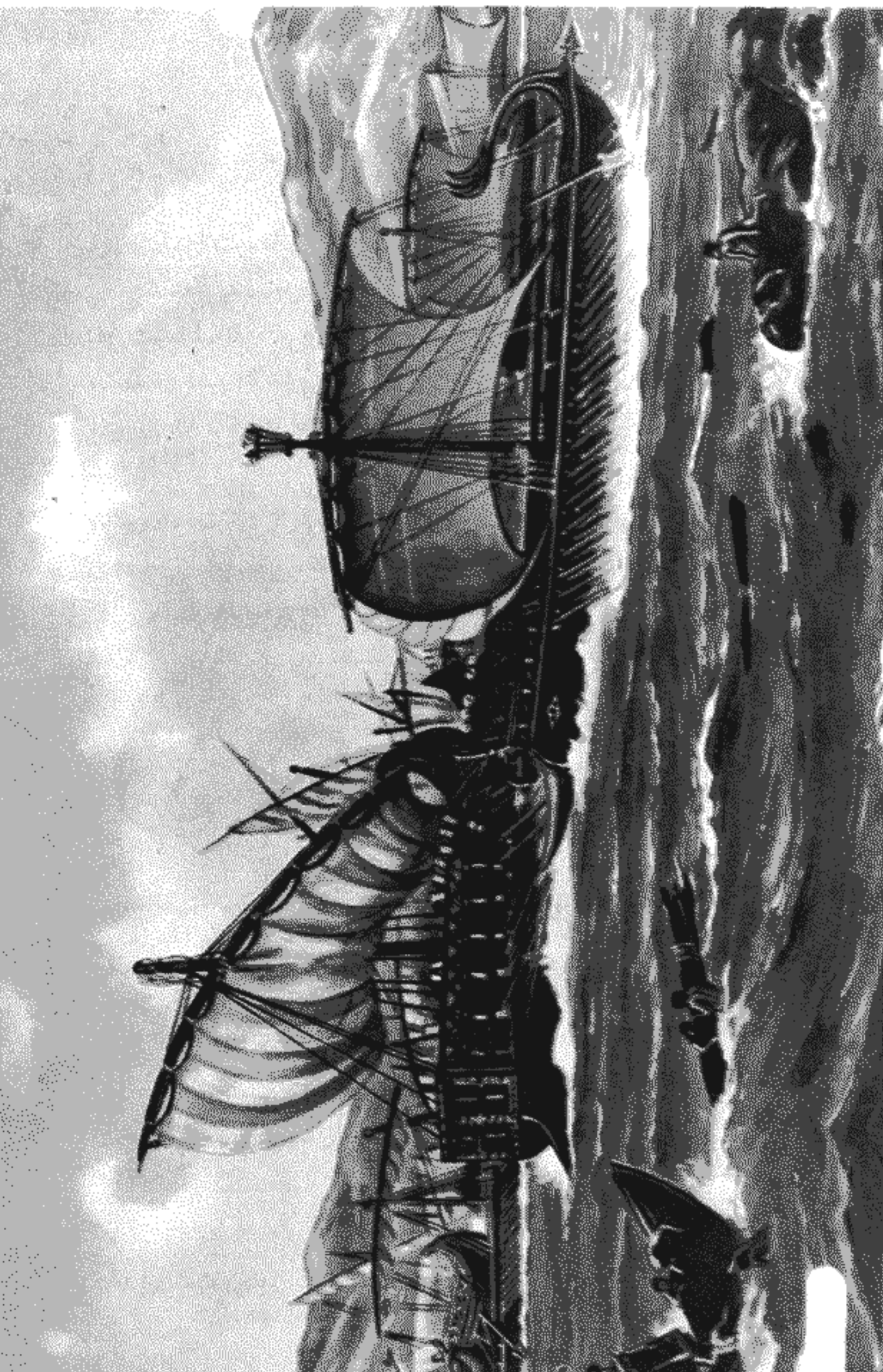
در یونان، در قرون هشتم الی ششم پیش از میلاد، افراد زیادی بودند که میخواستند به کشورهای آن سوی دریا، مهاجرت کنند. پیشه‌وران و تجار، روی فروش کالاهای خود در کشورهای دیگر حساب می کردند. فقیران را درد نیاز، بسوی کشورهای دیگر میکشاند. هیسئود نوشته است که آنها می رفتند «تا از قروض و گرسنگی، رهائی یابند».

مبارزه‌ی بی‌امان دموسها و آریستوکراتها نیز یونانیها را وادار میکرد میهن زادگاهی خویش را ترك گویند. وقتی که اشراف پیروز میشدند، دشمنان آنها ناگزیر بودند یونان را ترك کنند تا از خشم فاتحان، در امان مانند. دموسها، که به حکومت میرسیدند همین بلا را بر سر دشمنانشان - اشراف، می آوردند.

۴- زندگی مردم در کولونیها

یونانیها، ضمن مهاجرت به کشورهای دیگر، از حوالی دریا دور نمیشدند. شهرهای خود را در سواحل خلیجهای مناسب و یا مصب (دهانه) رودخانههای بزرگ برپا میداشتند و آن را با دیوارهایی که در اطرافش میکشیدند، بصورت دژی درمی آوردند.

• کولونی - سکونتگاه مردمی نامیده میشد که از کشوری دیگر میآمدند. با مفهوم دیگر کلمه که عبارت است از کشوری که بوسیله کشورهای سرمایه‌داری اشغال میگردد، اشتباه نشود.



آنها، همچنین به‌زور، اراضی مرغوب و حاصلخیز اطراف کولونی را تصرف میکردند، اهالی محلی را سرکوب مینمودند و به بردگی، می‌گرفتند. دهقانان و بردگان در اراضی به کشت و زرع پرداخته، احشام را چرانیده، تا کستان‌ها احداث میکردند. پیشه‌وران در کولونی‌ها بکار خود اشتغال داشتند و تجار سرگرم داد و ستد با قبایلی میشدند که در عمق کشور، زندگی میکردند.

در قرن پنجم پیش از میلاد، صدها کولونی یونانی در امتداد سواحل دریا - از اسپانیا گرفته تا قفقاز، تشکیل شده بود. یکی از نویسندگان یونان باستان گفته است:

یونانی‌ها، در کولونی‌های خود، که در نقاط ساحلی دریا واقع بود، همانگونه اطراق میکردند که قورباغه‌ها در اطراف برکه‌ها.

تقریباً در هر یک از کولونی‌ها، دولت مستقل برده‌داری تشکیل شده بود. این دولت‌ها، سپاهیان و سکه‌های مخصوص به خود داشتند. (تصویر شماری ۲۳) بسیاری از کولونی‌ها، از لحاظ وسعت، دست کمی از شهرهای بزرگ یونان نداشتند.

اهالی کولونی‌ها با یونان در تماس بودند و شهری را که کولونی آنها در آن بنیاد گرفته بود، «شهر مادر» مینامیدند. هر جا که یونانی‌ها زندگی میکردند، خود را ملت واحدی شمرده و خویش را هلنی^۱ و یونان را هلاس^۲ مینامیدند.

1- Hellnes

2- Hellas

۵- اهمیت پیدایش کولونی‌ها

پیدایش کولونی‌ها، هم برای یونان دارای اهمیت زیادی بود و هم برای کشورهای که این کولونی‌ها در آن بوجود می‌آمدند.

در یونان، در نتیجه‌ی دادوستد با کولونی‌ها، تقاضا نسبت به محصول پیشه‌وران، فزونی گرفت و این امر باعث شد که پیشه و صنعت، توسعه حاصل کند. سیل بردگانی که از کولونی‌ها به یونان جاری بود، تعداد آنها را در یونان افزایش می‌داد.

در کشورهای که کولونی یونانی‌ها در آن قرار داشت. دادوستد، پیشه و صنعت سرعت ترقی میکرد و قبایل محلی سریعاً از حیطه‌ی نظام جماعتی نخستین بسوی نظام برده‌داری گام برمیداشتند.



تصویر شماره‌ی ۲۲

سکه‌های یونانی شهر- دولت‌ها. (از چپ بر راست) ۱- سکه‌ی آتن با تصویر سر الهی آتنا و جغد، که پرنده‌ی مقدس خوانده میشد. ۲- سکه سیراکیوز- که یکی از بزرگترین شهرهای یونان بود، با تصویر سیریک رب النوع، طرف دیگر سکه - اراپه‌ای در حرکت است که الهی‌پیروزی بر فراز آن پرواز میکند. ۳- سکه پانثی‌کاپوس با تصویر سرخدایی موسوم به پان - که حامی شکارگران و چوپانان بود.

در کشور ما^{*} هنوز ویرانه‌های بسیاری از شهرهای محل سکونت

* مقصود اتحاد شوروی است (مترجم)

شرح تصویر رنگی شماره (۹) تیرد سالامیس
 یک «تیری رمی» یونانی با دماغی خود به یک ناو ایرانی میکوبد در قسمت جلوی تصویر (طرف چپ) یک ناو در حال غرق شدن و (طرف راست) صخره‌ای بر فراز آب دیده میشود؛ در قسمت بعدی تصویر توده کشتی‌های ایرانی مشاهده میشود که تیری رمی‌ها به آن حمله مینمایند.

یونانی‌ها، در سواحل دریای سیاه و دریای آزوف، حفظ شده است. باستان‌شناسان در میان این ویرانه‌ها موفق شدند سکه‌های یونانی، فرآورده‌های پیشه‌وران و بقایای دیوارهای دژ، خانه‌ها و معابد و اشیای دیگر را کشف کنند. در ساحل تنگه‌ی کرچ^۱ که بدریای سیاه و دریای آزوف راه مییابد، یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای یونانی موسوم به- پانتی‌کاپوس^۲ قرار داشته است.

فابل هیسیئود

شاعر در این شعر چه کسی را بعنوان قرقی و چه کسی را بعنوان بلبل در نظر داشته است؟

قرقی بی‌خیال -

با چشم‌های رنگ برنگش، گشود بال.

چنگال تیز او

در بال بلبل، که بدامش کشیده بود،

تا استخوان فرو.

در اوج آسمان،

بالای ابرها، که سیه بود همچو شب،

شاهانه - باتکبر و نخوت- گشود لب:

- «بیهوده ناله میکنی و زار میزنی!

هرجا که دل بخواست، ترامی کشانمت...

میل من است اینکه: ترا لقمه‌ای کنم،

یا وارهانمت...».

پرسش و تمرین:

۱- چرا در یونان دولت‌ها بوجود آمدند؟ در پاسخ به این سؤال مثال‌هایی از تاریخ آتن و اسپارت بیاورید.

۲- از نظر اداری، شهر- دولت‌های یونانی چه تفاوتی با هم داشتند؟ چگونه این تفاوت‌ها بوجود آمدند؟ نمونه‌هایی از آتن مثال بزنید.

۳- چرا یونانی‌ها در کشورهای بیگانه کولونی ساختند؟

۴- زندگی مردم یونان را طی قرون نهم، هشتم و ششم پیش از میلاد با هم مقایسه کنید.

الف) روی نقشه، سکونتگاه مردم عصر هومر و مردم قرن ششم پیش از میلاد را مشخص کنید.

ب) چه تحولاتی در کار کشاورزی، صنایع دستی، و تجارت روی داد؟

ج) چه تغییراتی در نظام زندگی یونانی‌ها بوجود آمد؟

د) چه تغییراتی در دستگاه اداری یونان صورت گرفت؟

ح) کدامیک از این تحولات، مهمتر بودند؟ فصل دوم کتاب می‌تواند در پاسخ به سئوالات (ج) و (د) و (ح)، بشما کمک کند.

www.adabestanekave.com

1- Kerch

2- Pontica peas

دولت ایران اواسط قرن ششم پیش از میلاد، در آسیا، در بخش شمال شرقی خلیج فارس تشکیل شد.

در نیمه‌ی دوم قرن ششم قبل از میلاد، ایرانی‌ها توانسته بودند تمامی آسیای غربی را تا رودخانه «ایندوس»^۱ و نیز مصر را، به تسخیر درآورند. شاه ایران برچنان امپراطوری بزرگی حکومت میکرد که تا آن زمان، نظیرش دیده نشده بود. او خود را «حکم روای تمامی آدمیان از ناحیه‌ی طلوع خورشید تا ناحیه‌ی غروب» میدانست.

ایران، طی دوره‌ی سلطنت داریوش اول، در اواخر قرن ششم- آغاز قرن پنجم پیش از میلاد، قدرت بیشتری کسب کرد.



سپاهی آتنی

فصل سوم

جنگ یونان و ایران و توسعه برده‌داری در یونان

بند ۱۰

تاخت و تاز سپاهیان ایران به یونان

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵ و نقشه‌های شماری ۲۱ و ۲۵)

بخطربیاورید: سپاهیان آتن از چه کسانی تشکیل شده و چگونه سازمان یافته بودند؟

در آغاز قرن پنجم قبل از میلاد، استقلال یونان در معرض خطر قرار گرفت. ایرانیان ابرمهیب تهدید را بر فراز یونان به حرکت درآوردند.

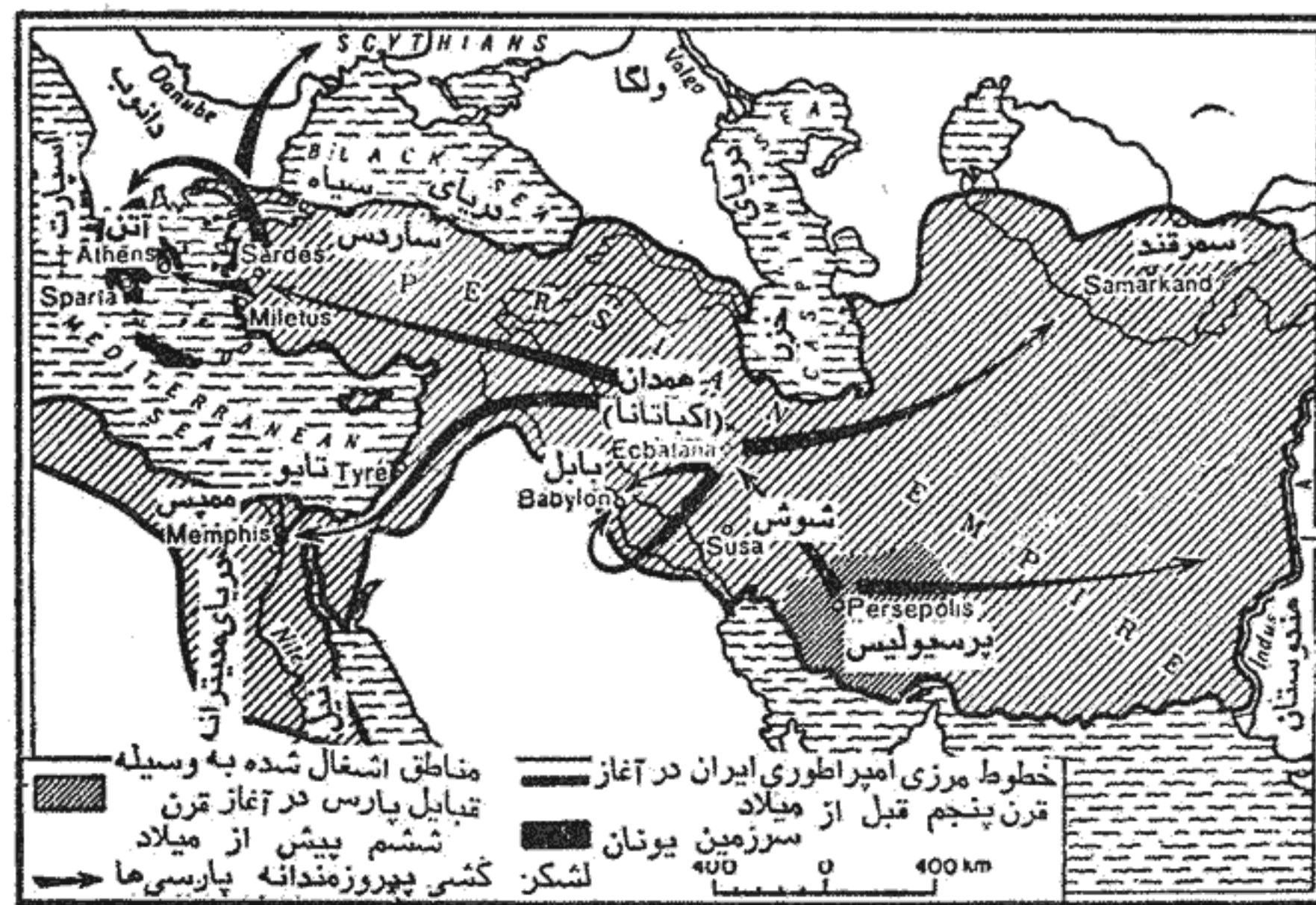
سپاهیان امپراطوری ایران، سپاهیان شکست ناپذیر شمرده می‌شدند. ایرانی‌ها سوارانی دلاور و بی نظیر داشتند، مهارت تیراندازان ایران، زبانزد خاص و عام بود.



سپاهی آتنی

۲- وضع ملتها

از آنجا که هزینه تسلیحات و سپاهیان کشورهای درگیر جنگ بردوش ملت‌ها بود، مردم ناچار بودند که بار این جنگ‌ها را بردوش بگیرند. از طرف دیگر دولت غالب در جنگ، از دولت مغلوب غرامت جنگی می‌گرفت. داریوش در بازپسین سال‌های شاهیش، جزیره‌های دریای اژه را که در دست یونانیان بود، تصرف کرد. عصیان شهرهای



نقشه‌ی شماره‌ی ۲۳

امپراطوری ایران در آغاز قرن پنجم پیش از میلاد

فلاش‌های روی نقشه، جهات اردوکشی‌های بیشمار ایرانیان را نشان می‌دهد. وسعت اراضی امپراطوری ایران و یونان را باهم مقایسه کنید.

یونانی آسیای صغیر که از طرف آتن پشتیبانی میشد، مدت کوتاهی تعادل را برهم زد. شهر میلئوس^۱ در این قیام‌ها، نقش مهمی داشت. ایرانیان این شورش‌ها را سرکوب کردند.

داریوش اول میکوشید که تمام یونان را به انقیاد در آورد. او نواحی شمالی ساحل دریای اژه و بخش بزرگی از جزایر بین آسیای صغیر و یونان را به تسخیر در آورد. اینک دیگر متصرفات امپراطوری ایران، تا زیرگوش یونان، امتداد یافته بود.

1- Miletus



تصویر شماره‌ی ۲۴

نقوش برجسته، که به افتخار داریوش برسنگ کنده شده است

در دشت ماراتون که برای عملیات سوار نظام مناسب بود، به خشکی پیاده شدند. عده سواران ایرانی زیاد نبودند. آتنیان به فرماندهی میلئادس^۱ پسر کیمون که سرداری کار آزموده بود، حمله ایرانیان را که می‌خواستند خود را به آتن برسانند، دفع نمودند و بدین ترتیب لشکریان ایران به هدف‌های مورد نظر خود نایل نشدند. چون خبر این واقعه به داریوش رسید، او در صد جبران این امر برآمد، ولی اجل مهلتش نداد و در سال ۴۸۶ قبل از میلاد، درگذشت.^۲

1- Miltiades

۲- از ماده شماره ۳ بند ۱۰ تا ماده شماره ۳ بند ۱۱، از کتاب «تاریخ» وزارت آموزش و پرورش ایران، سال اول دانش‌سرای راهنمایی، چاپ ۱۳۵۱ استفاده شده است. مترجم

سپاهی ایرانی
از نقوش برجسته
باستانی



۳- نبرد ماراتون

در سال ۴۹۰ قبل از میلاد، سپاهیان ایران، سوار بر نبرد ناوها از دریای اژه عبور کردند. آنها در آتیکا، در جلگه‌ی ماراتون که کلاً^۱ چهل کیلومتر از آتن فاصله داشت، پیاده شدند.

«داریوش دوتن از سرداران خود را به نام «داتیس»^۱ و «آرتافرن»^۲ مأمور لشکرکشی به آتن کرد. سپاه ایران با شش صد فروند کشتی از راه دریا به شبه جزیره آتیکا رسید و لنگر انداخت. کشتی‌های یونانی سیصد و پنجاه و سه فروند بود. لشکریان ایران به محض رسیدن به آتیکا

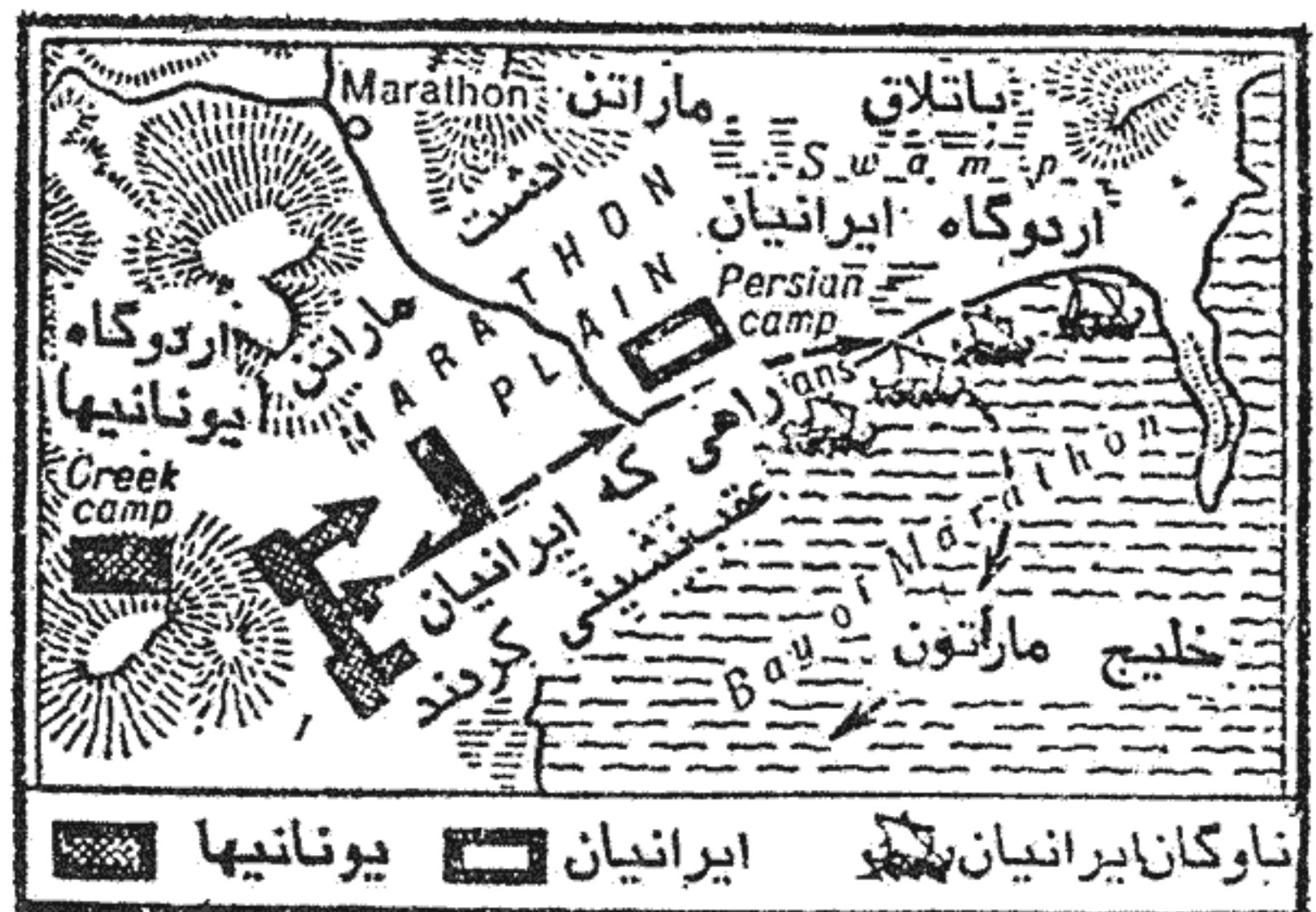
1- Datis

2- Artavern

می‌دادند، شاید بتوان قبول کرد که مجموع نیروی دری و بحری ایران در این جنگ به نهصد هزار تن می‌رسیده است^۱».



نقشه‌ی شماری ۲۶
نبرد ترموپیل



نقشه‌ی شماری ۲۵
نبرد مارا تون

۴- خشایارشا

۵- سپاه خشایارشا در یونان

«خشایارشا با این سپاه‌گران از تنگه هلس پونت^۲ (داردانل)، از روی پلی که بوسیله قایق‌ها به‌امرا و ساخته بودند، از دریای مرمره بگذشت و به یونان درآمد. همه جا لشکریان ایران با کامیابی، پیش می‌رفتند تا به تنگه ترموپیل رسیدند. این تنگه در شمال غربی آتن، میان یک رشته‌ی کوه و ساحل دریا واقع شده و عرض آن به اندازه‌ی بود که فقط یک ارابه می‌توانست از آن عبور کند. نگهبانی این تنگه با لئونیداس^۳ پادشاه

«پس از مرگ داریوش پسرش خشایارشا که مادرش آتسا دختر کورش بود، در سی و پنج سالگی بشاهی نشست. در آغاز به فرو نشانیدن شورشی که در مصر و بابل روی داده بود، پرداخت سپس برای تلافی حادثه ماراتون، فرمان داد که از سراسر کشور پهناور ایران، بسیج سپاه کنند و همه برای حمله به یونان در شهر سارد گرد آیند. مورخان یونانی نوشته‌اند که چهل و شش گونه مردم از نژادهای مختلف این سپاه بزرگ را تشکیل می‌دادند. در شماره این سپاه عظیم البته مبالغه‌هایی به عمل آمده است بطوریکه حتی عده‌ی آنان را به پنج میلیون رسانیده‌اند. این مقدار را نمی‌توان باور کرد. ولی چون ایرانیان به کثرت عدد اهمیت

۱- همان کتاب، صفحه ۳۷

2- Hellespont 3- Leonidas

اسپارت بود. این جوان اسپارتی شجاعت بی نظیری در دفاع از میهن، از خود نشان داد و مانع گذشتن ایرانیان شد. تا اینکه يك يونانی خائن، راه باریکی را که از میان کوه به پشت آن تنگه منتهی میشد، به ایرانیان نشان داد. لشکریان ایرانی از آن راه بالا رفته، لئونیداس را با سیصد سرباز اسپارتی و هفتصد سرباز یونانی دیگر که با کمال دلیری تا آخرین نفس در برابر دشمن نیرومند می جنگیدند، از پای درآوردند (سال ۴۸۰ قبل از میلاد).

سپس لشکریان ایران به سوی آتن براه افتادند و آن شهر تاریخی را که مردم آن از ترس گریخته بودند، تسخیر کرده، و به انتقام حریق شهر سارد، آتش زدند.^۱

پرسش و تمرین:

- ۱- از روی نقشه‌ی شماره‌ی ۲۳ خاک اصلی ایران و اراضی اشغالی آن را تعیین کنید. کدامیک از کشورها توسط ایرانی‌ها تسخیر شده بود؟
- ۲- چندسال از اصطلاحات سولون گذشته بود که خشایارشا به یونان یورش برد؟ نبرد ماراتون چندسال پیش اتفاق افتاد؟ چندسال پیش نبرد ترموپیل صورت گرفت.
- ۳- چرا لئونیداس در این نبرد شکست خورد؟

www.adabestanekave.com

۱- از همان کتاب، صفحه ۳۷.



تصویر شماره ۲۸
تمیستوکل، فرمانده ناوگان یونان
تندیس نیم تنه.

بند ۱۱

بازگشت و قتل خشایارشا

(نقشه‌ی شماری ۵ و نقشه‌ی شماره‌ی ۲۷)

۱- امید یونانیان: دریا

«اما یونانیان دلیر و میهن پرست از پای نشستند و جنگ را از خشکی به دریا کشانیدند. در نزدیکی جزیره و خلیج سالامیس نبردی سخت بین نیروی دریائی ایران و یونان روی داد. فرمانده ناوگان

یونانی سرداری لایق به نام تمیستوکل^۱ بود. یونانیان نیروی دریایی ایران را شکست دادند. (۲۸ سپتامبر سال ۴۸۰ قبل از میلاد).

1- Themistocles



سپاهی ایرانی

۲- علل شکست ایران

ایسن شکست مانع از پیشروی ایران در اروپا شد. سبب ناکامیابی خشایارشا را در این جنگ علل ذیل دانسته‌اند:

(۱) نخست آنکه لشکریان ایران مشق کرده و ورزیده نبوده‌اند و جز ده‌هزار تن سپاه جاویدان که نظم و انضباط داشتند، بیشتر سپاهیان که از ملل مختلف بودند، زبان هم را نمی‌فهمیدند و در ضمن، نه سلاح کافی داشتند و نه به نظم و ترتیب خو کرده بودند.

(۲) یونانیان دریا‌های یونان و تنگه‌های آن را بخوبی می‌شناختند و کشتی باریکی داشتند که به آسانی از تنگه‌ها عبور می‌کرد.^۱ برخلاف

۱- بنام «تری‌مس»



نقشه‌ی شماره‌ی ۲۷
جنگ یونان و ایران

ایرانیان که کشتی‌های خود را به علت پهنی و سطبری نمی‌توانستند از تنگه‌ها عبور دهند و به سبب تنگی خلیج سالامیس بیکدیگر برمی‌خوردند و درهم می‌شکستند.

«پس از شکست سالامیس خشایارشا مردونیه را که مردی بی‌عرضه و ممالله‌کار بود، با سپاهی در یونان گذاشته خود، به ایران بازگشت. دیری نگذشت که او بر اثر بی‌لیاقتی دریونان کشته شد (سال ۴۷۹ قبل از میلاد). بعد از دو شکست دیگر بنام نبرد پلاته‌آ و میکال که اولی در خشکی و دیگری در دریا روی داد، همه‌ی لشکریان ایران از یونان به آسیا بازگشتند.

خشایارشا پس از این شکست کار مهمی نکرد و به تکمیل ابنیه تخت جمشید و تجمّل دربار با شکوه خود پرداخت.

خشایارشا در سال ۴۶۶ قبل از میلاد بدست ارتبان (اردوان) رئیس پاسداران و بزرگ سلطنتی که با میتراکات (مهرداد) رئیس خواجه سرایان همدست شده بود، کشته شد. بنا به منابع یونانی، وی مردی بلند بالا، زیبا و بخشنده و خوش محضر بود، ولی در انتخاب سرداران و امیران خویش نظری صائب نداشت و نیز او زامردی خوش گذران و بی‌اراده خوانده‌اند.^۱



سپاهی ایرانی

(۳) جمعی از یونانیان آسیای صغیر که در این جنگ در خدمت ایران بودند خیانت میکردند و حرکات لشکر ایران را به دشمن اطلاع می‌دادند.

(۴) از همه مهم‌تر از خودگذشتگی و میهن‌پرستی یونانیان و آزادی خواهی ایشان مانع پیشرفت سپاهیان ایران گردید. زیرا یونانیان به حکومت ملی و آزاد، خوی گرفته و هیچ‌گاه حاضر نبودند تن به اسارت و اطاعت داده و یوغ اسارت کشور دیگر را برگردن بگیرند. دیگر آن‌که چون یونانیان در خانه‌ی خود می‌جنگیدند، فتح و شکست مسأله‌ی مرگ و زندگی برای آنان نبود. از این‌رو، از جان گذشته نبرد می‌کردند. به عکس سپاهیان ایران که غالباً آنان را به زور و به جبر به این جنگ آورده بودند و از روی علاقه به اینکار مبادرت نمی‌کردند.

پرسش و تمرین:

- ۱- از روی نقشه‌ی شماره‌ی ۲۷ کلیه‌ی شهرهای یونانی را که در حال جنگ با ایرانیان بودند و یا نبودند، معین کنید.
- ۲- از قول یونانیان و سپاهیان شرکت‌کننده در جنگ، داستانهای راجع به جنگ سالامیس بنویسید.
- ۳- چرا در جنگ ایران و یونان، پیروزی نصیب یونانی‌ها شد؟ پیروزی دموکراسی‌ها در قرن پنجم پیش از میلاد و اصلاحات سولون چه تأثیری در پیروزی یونانی‌ها بر ایرانیان داشت؟
- ۴- بعد از سال ۴۸۰ پیش از میلاد، چه سالی می‌رسد؟ قبل از سال ۴۸۰، چه سالی بود؟ حساب کنید، در چه سالی جنگ یونان و ایران، که پس از بیرون راندن ایرانی‌ها از این کشور، ۳۰ سال طول کشید، تمام شد؟

توضیح:

برای اینکه بتوانید جریان نبرد امپراطوری ایران و یونان را بخوبی تشریح نمایید، لازم است جدولی تنظیم کنید که بیا نگر کلی این وقایع باشد. ما طرز تهیه جدول فوق را در صفحه بعد به شما می‌آموزیم.

کجا جنگ شروع شد؟	کی جنگ در گرفت؟	چه کسی پیروز شد؟	این پیروزی چه اهمیتی در سرنوشت جنگ داشت؟
شهر...	ماه...	یونانیان...	
روستا...	سال...	ایرانیان...	
خشکی...			
دریا...			

بند ۱۲

برده‌داری در یونان قرن پنجم پیش از میلاد

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

بخاطر بیاورید: چگونه بردگی در آتن لغو شد؟ چرا و در چه تاریخی این کار صورت گرفت (بندهای ۶ و ۷، مواد ۷ و ۸).

۱- تجارت برده

پس از پیروزی یونان بر ایران، تعداد بردگان این کشور بیشتر از پیش شد.

در قرن پنجم پیش از میلاد، تقریباً در تمام شهرهای یونان، بازار برده‌فروشان، رواج داشت. در این بازارها، مردان و زنان و جوانان و



کودکان مورد خرید و فروش قرار می‌گرفتند. خریداران «کالای زنده» را می‌آزمودند، عضلات آنها را آزمایش می‌کردند، آنها وادار می‌نمودند وزنه‌های سنگینی را بلند کنند، بدوند و بجهند. روی سینه بردگان تخته‌ای آویخته بود که سن و سال برده و اینکه چه کارهایی از دستش برمی‌آید، نوشته میشد. خریدار و فروشنده برسر قیمت، مدتی مدید چانه می‌زدند (تصویر شماره‌ی ۳۱).

۲- مردم چگونه برده می‌شدند؟

مردم از طرق مختلف به بردگی گرفته شده و برای فروش ببازارها آورده می‌شدند. کودک يك برده، به کسی تعلق داشت که مادرش، برده‌ی او بود. ولی، چنین کودکانی، زیاد نبودند. زیرا زندگی برده‌ها در یونان چنان سخت و ناهنجار بود که کودکانشان بندرت زنده می‌ماندند. جنگ، بویژه، باعث افزایش تعداد برده‌ها شده بود. یونانی‌ها، نه تنها اسیران نظامی را به برده تبدیل می‌کردند، بلکه کودکان و زنان کشورهای اشغالی را نیز به بردگی میکشیدند. آتنی‌ها، فقط در یکی از یورشهای خود به نواحی ساحلی آسیای صغیر، بیش از ۲۰ هزار نفر را اسیر کرده و سپس آنها را در بازار برده‌فروشان، فروختند.

و در ایام صلح هم در یونان، انسان آزاد نیز ممکن بود به برده تبدیل شود. «پیرات‌ها» - دزدان دریائی، با کشتی‌های تندرو خود در دریاها پرسه می‌زدند. آنها ناوهای جنگی و کشتی‌های تجاری را اشغال می‌کردند، به روستاهای ساحلی یورش می‌بردند. و بدین وسیله، مردم آزاد

شرح تصویر رنگی شماره (۴) بندر پیروس آتن - قرن پنجم
 طرف چپ تصویر - بردگان ظروف ساخت آتن را بار کشتی میکنند. ماهیگیران -
 ماهیان تازه صید شده را از قایقها تخلیه مینمایند. در مسکن تصویر - در حاشیهی بندر
 کشتی‌هایی لشکر انداخته‌اند که برده‌ها، کیسه‌های محتوی غلات را از درون آنها بیرون می‌آورند.
 طرف راست بازار و در جوار آن، بردگان بزنجیر کشیده مشاهده میگردند. آنها را به آتن
 آورده‌اند تا بفروشند. پشت بازار محلی است ویژه ساختن و تعمیر کردن کشتیها. دماغه کشتی‌های
 ساخته شده و در دست تعمیر دیده میشوند. و در دور دست، یکی از دیوارهای طولی، که جاده
 را از پیروس تا آتن در پناه خود میگیرد، پنجم میخورد. (در نقشه شماره «۱۲» بندر پیروس و
 دیوارهای طولی را پیدا کنید).

را اسیر کرده، در بازارها، بفروش میرساندند.

۳- کار بردگان

انجام کارهای بمراتب دشوارتر، بعهدهی بردگان بود. یونانی‌های
 آزاد، حتی فقرایشان به کارهای سنگین و دشوار، از جمله سنگ‌کشی،
 برگماشته نمی‌شدند. سنگ‌های معادن و مرمر را بردگان استخراج
 میکردند. در معادن نقره‌ی متعلق به حکومت آتن، هزاران برده بکار
 مشغول بودند. آنان در اعماق زمین، دل سنگ را با دیلم‌های کوتاه
 آهنی و چکش‌های سنگین، میشکافتند. راهروهای زیر زمینی تونل‌ها
 بقدری تنگ و تاریک بود که برای کار کردن در آن، میبایست تقریباً
 دراز میکشیدند و می‌خزیدند. بردگان بزرگتر، سبدهائی وزین را که
 پر از سنگ‌های استخراج شده بود، بیرون می‌آوردند.

برده‌ها، در خارج از معادن، سنگ‌ها را با دسته‌هاون‌های سنگین
 آهنی درهاون‌های سنگی میکوبیدند، خرد میکردند و سپس، زیر سنگ-
 های آسیا - آرد مینمودند. برای گرداندن سنگ‌های آسیا میشد از
 حیوانات و منجمله از الاغ استفاده کرد، لیکن برده‌داران، در اینکار
 نیز بردگان را بر حیوانات ترجیح میدادند، زیرا که کار بردگان - ارزانتر
 از کار حیوانات تمام میشد.

بسیاری از بردگان در رشته‌های مختلف صنایع دستی بکار اشتغال
 داشتند. در کارگاه‌های صنایع دستی، کارهای حساس را به بردگان
 نمی‌سپردند، بلکه کار ساده و لسی بسیار دشوار نصیب آنها میشد. در
 کارگاه‌های کوزه‌گری، برده‌ها، آب می‌آوردند، گل تهیه میکردند،

سوخت کوره را فراهم مینمودند و گل را بعمل می آوردند و چرخ کوزه گری را میگردانند. ساختن و پرداختن ظروف، اغلب اوقات، بعهده افراد آزاد بود.

(تصویر شماره ۳۲)

تعداد بردگانی که در حیطة کشاورزی بکار اشتغال داشتند،



تصویر شماره ۱۰

بازار برده فروشان در یونان باستان

در مرکز تصویر - بردگان جوان برای فروش بمعرض نمایش گذاشته شده اند. فروشنده بردگان مشغول تعریف و تمجید از «کالای» خود میباشد. طرف چپ آنها - برده داری - که کودکی را خریداری کرده است، وی را از چنگ مادرش بیرون میکشد: در قسمت جلو تصویر (طرف راست) تاجر برده، دخترکی را میکشاند تا او را به خریدار نشان بدهد. طرف چپ تصویر - چند گروه برده دار در حالیکه شل های مجللی به تن دارند، دیده میشوند، طرف راست، پشت آنها، گروه برده هائی که برای فروش اختصاص یافته اند، مشاهده میشوند.

کمتر از تعدادی بود که به صنایع دستی مشغول بودند. زیرا که دهقانان، با دست های خویش، قطعه زمین متعلق به خود را بعمل می آوردند، معدلك، نه تنها مالکان، بلکه بسیاری از دهقانان نیز، دارای برده بودند. کار بردگان در حیطة کشت و زرع این بود که شیره انگور و روغن زیتون را با دست و پا میگرفتند و سبدهای سنگین محتوی کالا را به بازار حمل میکردند.

۴- مجازات برده ها

تنها، بوسیله ی تهدید و مجازات بود که اربابان، برده ها را وادار بکار میکردند. هنگام کار، همیشه مراقبینی، مواظب برده ها بودند. اگر که برده ای، در کار سستی میکرد، تانفسی تازه کند، محافظین چنان شلاق را برگردی وی فرود می آورند که برده، تا مدت ها، بخود می پیچید. اغلب اوقات، سر شلاق ها، يك تکه ی سرب زده بودند. بندرت برده ای یافت میشد که شانه و پشتش از ضربات شلاق، پوشیده از زخم و جراحت نباشد.

۵- مبارزه برده ها با برده داران

برده ها بهر نحوی که میتوانستند، از اربابان خویش انتقام میگرفتند، بلای جان شان میشدند: اسباب و آلات را می شکستند، احشام را معیوب می کردند، میکوشیدند تا هر چقدر که ممکن است، بد کار کنند. اغلب اوقات تلاش میکردند که فرار کنند، اگر چه به خوبی میدانستند

که در صورت گیرافتادن، سخت کیفر خواهند دید. بارها و بارها، برده‌ها اربابان سنگدل و بی‌رحم را می‌کشتند. گاهی نیز، به قیام بر-می‌خاستند.

در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، زمین لرزه‌ی شدیدی شهر اسپارت را زیرورو کرد. هیلوت‌ها از این وضع، بهره‌برداری کردند. از تمام نواحی به اسپارت یورش آوردند تا برده‌داران را یافته، حساب



تصویر شماره‌ی ۳۲

کارگاه کوزه‌گری در آتن - قرن پنجم.

طرف چپ تصویر - يك نفر در حال بعمل آوردن گل است. طرف راست - استاد به پرداخت ظرف مشغول است. در گوشه‌ی تصویر برده‌ای تنبیه میشود و کوره کوزه‌گری برای پختن ظروف مشاهد میشود. پشت دیوار کوره یکی از کارگاه بیشمار هم‌جوار - دود میکند. (از روی این تصویر، بردگان را مشخص کنید. چگونه شما آنها را از افراد آزاد تمیز میدهید؟)

خود را با آنها تسویه کنند. اگرچه اهالی اسپارت یورش برده‌ها را دفع کردند و عقب زدند، ولی نتوانستند با نیروئی که گرد رده بودند،



تصویر شماره‌ی ۳۳

ظروف یونان باستان

قیامشان را سرکوب کنند. به همین جهت مجبور شدند از شهر-دولت-های برده‌دار دیگر یونان کمک بطلبند. اسپارت‌های خود باخته، هراس زده، «بنام خدایان» کمک دیگران را در مبارزه با هیلوت‌ها، گدایی میکردند. بعضی از شهر - دولت‌ها نیز به کمک اسپارت شتافتند، معذلك بخشی از هیلوت‌ها، موفق شدند آزادی را بدست آورند و اسپارت را ترك گویند. نبرد بی‌امان طبقاتی بین بردگان و برده‌داران در تمامی یونان، جریان داشت.

www.adabestanekave.com

پرسش و تمرین:

- ۱- چگونه مردم در قرن پنجم پیش از میلاد، در یونان، بردگی کشیده می‌شدند؟
- ۲- بردگان در یونان به انجام چه کارهایی اشتغال داشتند؟
- ۳- چرا برده‌داران اطمینان نمی‌کردند کارهای با ارزش واحشام‌گرانها را به بزرگان بسپارند؟
- ۴- مبارزه بزرگان با برده‌داران چگونه صورت می‌گرفت؟
- ۵- اکنون شما در مورد وضع بزرگان و مبارزاتشان با برده‌داران، چه چیز تازه‌ای میدانید؟

بند ۱۳

نشو و نمای آتن در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

بخاطر بیاورید: دموس‌های آتنی در قرن ششم پیش از میلاد چه حقوقی بدست آوردند و به چه کسانی - اتباع آتن گفته میشد؟
(فصل دوم، بند ۶ و ۷، مواد ۸ و ۹).

۱- ثروت و توانایی آتن

آتن، از پیروزی یونانیان بر ایرانیان، نفع بیشتر و اساسی‌تر را بخود اختصاص داد.

www.adabestanekave.com

بندر پیروس^۱ آتن، به مرکز عمده‌ی دادوستد مدیترانه‌ی شرقی^۵ تبدیل شد. بزرگترین بازار برده‌فروشان، در آتن قرار داشت. تعداد برده‌ها در آتن بیشتر از افراد آزاد بود. حتی افراد غیر-ثروتمند آتن نیز دارای دوالی سه برده بودند.

افراد ثروتمند ده‌ها و گاهی بیش از صد نفر برده داشتند. کاربرده‌ها در معادن، و معادن نمک، که به دولت آتن تعلق داشت، منافع کلانی برای خزانه‌ی این شهر ببار می‌آورد. اتحادیه‌ی دریائی آتن پس از جنگ با ایرانی‌ها نیز باقی ماند. در این اتحادیه قریب ۲۰۰ شهر - دولت یونانی عضویت داشتند. ولی آتنی‌ها بر متحدان خویش حکمرانی می‌کردند. در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، آتنی‌ها ثروتمندترین افراد یونانی و آتن بزرگترین شهر - دولت‌های یونان بشمار می‌رفتند. آتنی‌ها را «اربابان دریا» می‌نامیدند.

۲- منافع اتباع آتن

رشد تعداد برده‌ها در آتیکا و سیادت آتن بر متحدان خود، نه تنها برای ثروتمندان، بلکه برای اتباع آن نیز منافع زیادی در برداشت. بتدریج حقوق دادن از خزانه‌ی آتن برای شرکت در قراردادگاهی و سایر خدمات دولتی، رواج می‌یافت. در نتیجه‌ی این امر حتی نت‌ها توانستند پست‌های مسؤول دولتی را اشغال کنند. بسیاری از اهالی آتن

^۵ مدیترانه‌ی شرقی - منظور کشورهایی است که در سواحل خاوری دریای مدیترانه واقع شده‌اند.

1- Piraeus

با «موجب دولتی» گذران می‌کردند. بیهوده نیست که در یکی از اشعار فکاهی قرن پنجم پیش از میلاد، گفته می‌شود:

پدر! گر که قضات، پولی بدست
نیاوردی از کار قاضی‌گری،
کجا می‌توانستی از بهرما
توشام و ناهاری بدست آوری؟!

نت‌ها در اعیاد مقدار کمی از پول خود را به صرف تماشای تئاتر می‌رساندند. اتباع آتن بطور رایگان هم، می‌توانستند به تماشای تئاتر بروند.

در آتن بناهای بزرگی ساخته می‌شد. خزانه‌ی آتن و خزانه‌ی اتحادیه‌ی دریائی، برای اینکار پولی تخصیص میداد. درودگرها، سنگ - تراش‌ها، استادان برنز کار و طلاساز و پیشه‌وران دیگر، مزدهای خوبی بخاطر کارهای ساختمانی دریافت می‌کردند، حتی باربران و ملوانانی که مصالح ساختمانی را به محل بنا حمل می‌کردند، نیز، از این اجرت خوب، بی‌بهره نبودند.

اتباع آتن فقط از آن جهت می‌توانستند از تمامی این نعمت‌ها و امتیازات برخوردار شوند که دولت نیرومند آتن از آنها حمایت می‌کرد. دولت آتن سیادت اتباع خود را بر بردگان، حفظ و حراست مینمود و متحدان خویش را وادار به پرداخت حق عضویت می‌کرد. به همین جهت کلیه اتباع آتن، تمامی دموس‌های آن در این امر ذینفع بودند که دولت برده‌دار آتن، پایدار بماند.

در قرن پنجم پیش از میلاد، اتباع آتن در مجلس - مجمع ملی- شرکت نموده، به تصدی پست‌های مسؤول منصوب میشدند و خود نیز میتوانند افراد را منصوب نمایند.

مجمع ملی آتن، در ماه، ۳ الی چهاربار تشکیل جلسه میداد معمولاً چندین هزار نفر در اجلاسهای آن شرکت می‌جستند. مسایلی که مطرح میشد با اکثریت آراء حل و فصل میگردد.

مجمع ملی به وضع قوانین می‌پرداخت، اعلام جنگ میداد، اجازه‌ی عقد صلح صادر میکرد و خزانه‌ی آتن و خزانه‌ی اتحادیه‌ی دریائی را اداره مینمود.

مجمع ملی، معمولاً، مایل نبود وجوهی به منظور تحکیم نیروهای مسلح دولت آتن، اختصاص دهد. در آتن نیرومندترین ناوگان یونان و سپاهی قابل ملاحظه مستقر و متمرکز بود. علاوه بر سپاهیان، آتنی‌ها، يك نیروی پلیس هم ترتیب داده بودند.

کسانی به‌عنوان رئیس مجلس منصوب میشدند که حافظ منافع اکثر اتباع آتن باشند و دولت برده‌دار را تقویت کنند.

۴- «پریکلس» در راس دولت آتن

آتن در موقعی که پریکلس در راس اداره‌ی آن قرار گرفت، قدرتی بیشتر حاصل کرد.

او، از نسل اشراف بود و ملك عظیمی داشت که ده‌ها تن برده‌ی متعلق به‌وی، در آن کار میکردند.

پریکلس - مردی بود با سواد و با استعداد. حتی در آتن، شهری که ناطقین زبردستی در آن وجود داشتند، پریکلس به‌خاطر بلاغت کلامش مشهور بود. او، آرام و جذاب سخن میگفت، و هنگامیکه با خشم، کلام را می‌آغازید، یونانی‌ها می‌گفتند که پریکلس به‌زئوس - موقعی که بر سر دشمنان رعد و برق میبارد، شباهت دارد.

در سال ۴۴۳ قبل از میلاد، مجمع ملی، پریکلس را بسمت استراتژی اول، برگزید.

پریکلس میکوشید که تمامی یونان را تحت لوای حکومت آتن: متحد سازد. اگر یکی از متحدان نمی‌خواست از آتن اطاعت کند و حق عضویت خود را به خزانه‌ی اتحادیه نمی‌پرداخت، سپاهیان و ناوگان آتن وی را وادار به اطاعت میکردند. اغلب اوقات پریکلس رهبری لشگر کشی به سوی متحدان یاغی را به‌عهده میگرفت و با خشونت، سرکوبشان میکرد.

در دوره‌ی حکومت پریکلس - کار ساختمانی در آتن وسعتی بسیار یافت: زیرا که او، به نفع اکثریت دموکراسی عمل میکرد و مجمع ملی، در جریان ۱۵ سال - یعنی تا وقتی که پریکلس زنده بود، همچنان او را بسمت استراتژی اول، انتخاب میکرد.

۵- دموکراسی برده‌دار آتن

یونانی‌ها دولت پریکلس را «دموکراسی» می‌نامیدند که به معنای

«حکومت دموکراسی‌ها» است. در هیچ جای جهان باستان، هیچ وقت، دولتی تشکیل نشده بود که بسان دولت آتن، عمده‌ی زیادی در آن شرکت داشته باشند.

معدلك، کلیه‌ی سکنه‌ی آتن، اتباع آن بشمار نمی‌آمدند. فقط مردانی اجازه می‌یافتند تبعه‌ی آتن شمرده شوند که پدر و مادرشان آتنی آزاد محسوب میشدند. زنان و نیز افراد آزاد شهرهای دیگر، اگر که سال‌های سال هم در آتن زیسته بودند، حق نداشتند حتی در اجلاس‌های مجمع ملی، شرکت کنند.



تصویر شماره‌ی ۳۴

پریکلس-نیم تنه
مجسمه‌ای از یونان باستان

تبعه‌ی آتن بودن نه تنها افتخارآمیز، بلکه نافع هم بود. اتباع آتن برای اینکه میزان درآمدها در آمدی که از خزانه آتن داشتند کم نشود، مراقب آن بودند که افراد بیگانه به تابعیت آتن درنیایند. دموکراسی‌های آتن در کار تحکیم نظام برده‌داری و تقویت دولت برده‌دار، ذینفع بودند. دموکراسی آتن، به معنای حکومت برده‌دار، بود و دموکراسی برده‌داری بشمار میرفت. هدف عمده‌ی دموکراسی برده‌داری عبارت بود از حفظ سیادت اتباع آتن بر بردگان و حکومت بر متحدان...

پرسش و تمرین:

- ۱- اتحادیه دریائی آتن چگونه بوجود آمد؟ چه کسانی از وجود این اتحادیه نفع میبردند؟
- ۲- چه کسی در قرن پنجم پیش از میلاد در آتن حکومت میکرد؟
- ۳- چرا نفع دموکراسی آتن در این بود که رژیم برده‌داری تحکیم یابد؟ چرا آنرا تقویت میکردند؟
- ۴- چه کسی میتواند تبعه آتن باشد؟ چرا اتباع آتن میکوشیدند اجازه ندهند افراد دیگری به تابعیت آن درآیند؟
- ۵- واژه‌ی «دموکراسی» چگونه بوجود آمد؟ چرا دموکراسی یونان باستان را دموکراسی برده‌داری می‌نامند؟

www.adabestanekave.com

فصل چهارم

شکوفائی فرهنگ یونان در قرون پنجم - چهارم پیش از میلاد

بند ۱۴

طرز معیشت یونانیان آزاد. بازیهای المپیک

(نقشهی شماری ۵)



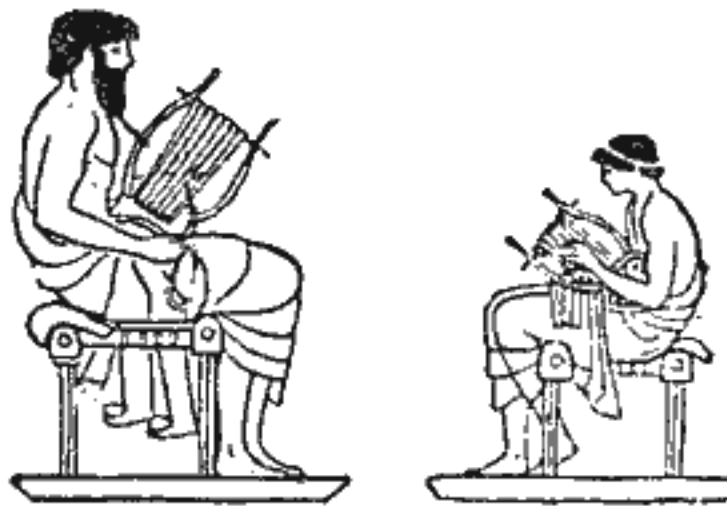
تصویر شماری ۳۵

شاگرد به‌دروس خود پاسخ میدهد



تصویر شماری ۳۶

آموزگار تکالیف دانش‌آموز را تصحیح میکند.



تصویر شماری ۳۷

تدریس در مدرسه‌ی یونانی. نقاشی روی گلدان متعلق به قرن پنجم پیش از میلاد. (چه تفاوتی دارند نقاشی روی گلدانهای متعلق به قرن ششم پیش از میلاد با قرن پنجم؟) با نقاشی‌های شماری ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۳۴ مقایسه کنید.

در قرن پنجم پیش از میلاد، در بسیاری از شهر - دولت‌های یونان، دموکراسی برده‌داری برقرار بود. در این شهرها، اکثر اتباع به حساب کاربرندگان زندگی میکردند. به همین جهت فرصت زیادی برای پرداختن به هنر، علم و ورزش داشتند.

۱- کودکان یونانی در مکتب

در یونان، اکثر افراد آزاد و غیره برده، سواد داشتند. فرزندان خانواده‌های پولدار، از سن هفت سالگی تا شانزده سالگی به مدرسه

۲- یونانیان در خانه‌ی خویش

حتی منازل افراد ثروتمند یونان نیز بزرگ نبود. خانه‌های آنها ساده بود. آنان در خورد و خوراک جانب اعتدال را رعایت میکردند. شراب را با آب قاطی مینمودند و فقط در این صورت - شراب مینوشیدند. تمام کارهای خانه را زنها انجام میدادند. زنان یونانی معتقد بودند که زن باید «خانه‌ی خود را خوب نگاه دارد و مطیع مرد باشد». اگر میهمانی به نزد مردمی آمد، زن از اتاق بیرون میرفت. زنها حتی بندرت از خانه بیرون میرفتند. برعکس، مرد یونانی، تقریباً تمام مدت روز را در خارج از خانه می‌گذراند.

۳- «آگرا»ها

مردان معمولاً صبح زود، به آگرا میرفتند. آگرا به میدانی گفته میشد که در مرکز شهر قرار داشت. مخصوصاً آگرای آتن بسیار زیبا و شلوغ بود.

صبح‌ها، آگرای آتن از هیاهوی داد و ستد انباشته می‌شد. پیشه‌وران به فروش کالای خود می‌پرداختند و دهقانان محصولات خویش را برای فروش به آگرا می‌آوردند و بازرگانان، کالاهائی را که از کشورهای دور دست وارد کرده بودند، بفروش میرساندند. اینجا، در روی سکوهای بلند میدان، برده‌ها نیز فروخته میشدند. در

در مدارس یونان سعی میشد کودکان را ماهر، نیرومند و شجاع پرورش دهند. شاگردان فنون کشتی، پرتاب دیسک و نیزه، دو و پرش را یاد می‌گرفتند. اگر آنها تنبلی میکردند و یا اطاعت نمی‌نمودند، با ترکه تنبیه میشدند: معمولاً برده‌ی پیری در کوچه و بازار شاگردان را همراهی میکرد و مواظب سلوك شاگرد بود تا خوب رفتار کند و در کوچه و معابر به بزرگترها راه بدهد.

کودکان دهقانان و پیشه‌وران غالباً قادر نبودند دوره‌ی مدارس را تمام کنند. زیرا که آنها از همان سنین اولیه مجبور میشدند در کار به والدین خویش کمک کنند.

برای دخترها در یونان مدرسه‌ای وجود نداشت. مادران فقط امور مربوط به خانه‌داری و کارهای دستی را به دخترانشان می‌آموختند.



تصویر شماره‌ی ۳۸

مسابقه‌ی ارابه‌رانی. نقاشی روی گلدان یونانی متعلق به قرن ششم پیش از میلاد

هنگامیکه جوانی بسن ۱۸ سالگی میرسید، نام وی در فهرست اتباع ثبت میشد. جوان، طی دو سال، تعلیمات نظامی می‌دید و در ارتش خدمت میکرد. پس از خدمت در ارتش، مردان اجازه‌ی ازدواج مییافتند و میتوانستند خانه‌ای برای خود خریداری کنند.

۴- مکانهای عمومی دیگر

علاوه بر آگراها، یونانیان در سایر نقاط عمومی نیز وقت زیادی را میگذراندند.

در این نقاط، دانشمندان مشهور یونانی سخنرانی میکردند و به گفت و گو می نشستند. نه تنها جوانان، بلکه افراد مسن نیز برای استماع سخنان آنها، جمع میشدند.

در آتن بنای بزرگی بود که به موسیقی اختصاص داشت. در این بنا کنسرت داده میشد. بهترین نوازندگان و خوانندگان یونانی در حضور عده‌ی بسیار زیادی، هنرنمایی میکردند. شنوندگان، بهترین هنرمندان را برمیگزیدند.

در سال، چندین بار نمایشاتی، که برای تماشایشان هزاران نفر گرد می آمدند، بروی صحنه می آمد.

یونانی‌ها دوستدار نمایشات تازه بودند و راجع به مجسمه‌های جدید و سایر پدیده‌های هنری به بحث و مذاکره می پرداختند.

جوانان و مردان یونانی در ورزشگاهها، به تمرینهای ورزشی مشغول میشدند. در ایام عیدها - مسابقات ورزشی صورت میگرفت. بسیاری از اهالی به تماشای این مسابقات می رفتند.

۵- بازیهای المپیک

مهمترین و مشهورترین مسابقات ورزشی - بازیهای المپیک بود. بازیهای المپیک، هر چهار سال - یکبار - در المپیا، واقع در پلوپونس

بازار چنان ازدحامی برپا می شد که افراد مرفه، با دوسه برده‌ای که راه را از میان جمعیت برای ایشان باز میکردند، به اینجا می آمدند.

يك طرف آگرا از دکه‌ها خالی بود. ولی در عوض انباشته بود از مردم، مخصوصاً عصرها، که گرمای روز، دیگر فرو می نشست.

هم مردم پولدار به آگرا می آمدند، و هم پیشه‌وران پس از ختم کار روزانه، و هم دهقانان بعد از فروش کالاهای خویش در بازار.

در آگرا تخته سنگ‌هایی قرار داشت که قوانین دولت آتن روی آن کنده شده بود و تابلوهایی آویخته میشد که تاریخ تشکیل



نقشه‌ی شماره‌ی ۳۹

کشتی‌گیران، تندیس از یونان باستان

اجلاسیه‌ی مجمع ملی و نیز دستور جلسه آن را، اعلام میداشت. یونانی‌ها، در اینجا گرد آمده، اخبار تازه را بگوش هم می‌رساندند. این میادین - آگراها برای یونانیان آن عهد، همان اهمیتی را دارا بودند که روزنامه‌ها و رادیو در عصر ما دارا میباشند. در آگرا بحث‌های داغی صورت میگرفت، بطوریکه گاهی کار به زد و خورد میکشید.

انجام میگرفت.

نیرومندترین پهلوانان یونان، در رشته‌های دو، پرش، کشتی، پرتاب دیسک، نیزه، مشتش زنی، در بازیهای المپیک شرکت می‌جستند. مسابقات ارابه رانی نیز در هیپودروم^۱ صورت میگرفت. به‌هرارابه‌ای چهار اسب بسته میشد.

کلیه‌ی افراد آزاد یونانی، رسماً می‌توانستند در مسابقات شرکت کنند. ولی آمادگی و تدارک برای شرکت در مسابقات، چند سال طول میکشید. به‌همین جهت، عملاً، فقط برده‌داران مرفه قادر بودند در این بازی‌ها شرکت جویند. پیشه‌وران و دهقانان نمی‌توانستند وقت زیادی را صرف امور ورزشی بکنند. در مسابقات اسبدوانی نیز فقط افراد ثروتمند شرکت میکردند. زیرا فقط آنها بودند که توانائی داشتند چهار اسب خوب دونده را بخرند.

در موقع بازیهای المپیک، نه‌تنها از خود یونان، بلکه از کولونی‌های یونانی نیز، دهها هزار نفر تماشاگر جمع میشدند. طبق سنن یونان، معمولاً، وقتی بازیهای المپیک شروع میشد حتی جنگ‌ها نیز متوقف می‌گشت.

افرادی که در مسابقات المپیک پیروز میشدند در روز آخر مسابقات بدریافت تاجی از برگ زیتون نایل می‌شدند. هنگامیکه قهرمان پیروز به‌شهر خود باز میگشت، تمامی اهالی شهر به‌استقبال وی میرفتند. و اغلب، مجسمه‌ای از او می‌ساختند و بعلامت اینکه او، با پیروزی خود، شهرت افتخارآمیزی برای شهر خویش فراهم آورده، مجسمه‌اش را در میدان شهر نصب میکردند.

محل مسابقات اسبدوانی Hippodrome - 1

بازی‌های المپیک به‌استحکام روابط و مناسبات بین شهرها و ایالات یونان مدد میکرد. یونانی‌ها آنچنان برای المپیک اهمیت قایل بودند که مبدأ تاریخ را سال ۷۷۶ پیش از میلاد، قرار دادند. طبق روایات، در سال ۷۷۶ پیش از میلاد بود که نخستین بازیهای المپیک صورت گرفت.

www.adabestanekave.com

- ۱- زنان و مردان آزاد وقت خود را در یونان باستان چگونه میگذرانند؟
- ۲- چرا تعداد زیادی از مردان یونانی فرصت زیادی برای پرداختن به علم و هنر و ورزش داشتند؟
- ۳- بازی‌های المپیک در یونان باستان چه اهمیتی داشت؟
- ۴- انشائی بنویسید تحت عنوان: «يك روز مرد آزاد آتنی».

بند ۱۵

تئاتر در یونان

بخاطر آورید: چگونه یونانیان عهد باستان به افتخار دیئونیسوس جشن می‌گرفتند. (فصل اول، بند ۵، ماده‌ی ۲)

۱- پیدایش تئاتر

علاوه بر بازی‌های المپیک، یونانی‌ها، به تئاتر نیز علاقمند بودند. تئاتر یونانی از بطن اعیادی که به افتخار دیئونیسوس برپا میشد، زاده گردید. در افسانه‌های مربوط به دیئونیسوس، و سپس، در قصه‌ها و افسانه‌های دیگر، شکل و شمایل شرکت‌کنندگان در این نمایشات، توصیف شده است. در قرن پنجم پیش از میلاد، يك سلسله نمایشاتی

www.adabestanekeave.com

بوجود آمده بود که در آنها، آکتورها و دسته‌کُر^۲، شرکت میکردند. نمایشات اولیه، مستقیماً در میدان شهر صورت میگرفت و تماشاگران دور تا دور آکتورها و اعضای دسته‌ی کُر، می‌ایستادند. بعداً، برای اینکار ساختمان بناهای ویژه‌ای را شروع کردند. و از همین‌جا، واژه‌ی تئاتر، که به‌یونانی یعنی «محلی برای تماشای وجود آمد.

۲- نمایشات تئاتری

تئاترهای یونانی، در فضای باز نمایش میدادند. یکی از تئاترهای مشهور یونان، که بخوبی از آن اطلاع داریم و در آکروپولیس آن قرار داشت، تا ۱۷ هزار نفر تماشاگر در آن جای میگرفت.

نویسندگان بودند که برای تئاترها، نمایشاتی را تصنیف و تنظیم میکردند. این نمایشات، در ایام عید، بروی صحنه می‌آمد. نمایش با به‌صدا در آمدن شیپور در سپیده‌دم آغاز میشد و تا آخر شب، ادامه می‌یافت. نمایشنامه‌ها، یکی پس از دیگری بروی صحنه می‌آمد.

آکتورهائی که در نمایشات بازی میکردند، ماسک‌های گویائی برچهره داشتند، که مطابق نقششان بود: ماسک خشمناک، ماسک مضحک و ماسک شجاعت. ماسک‌ها ظوری ساخته شده بودند که از ردیف‌های عقبی تئاتر هم بخوبی دیده میشدند. آکتورها در جریان نمایش، ماسک‌ها را عوض میکردند (تصویر شماره‌ی ۴۱) مردان نقش زنان را نیز، ایفا می‌نمودند.

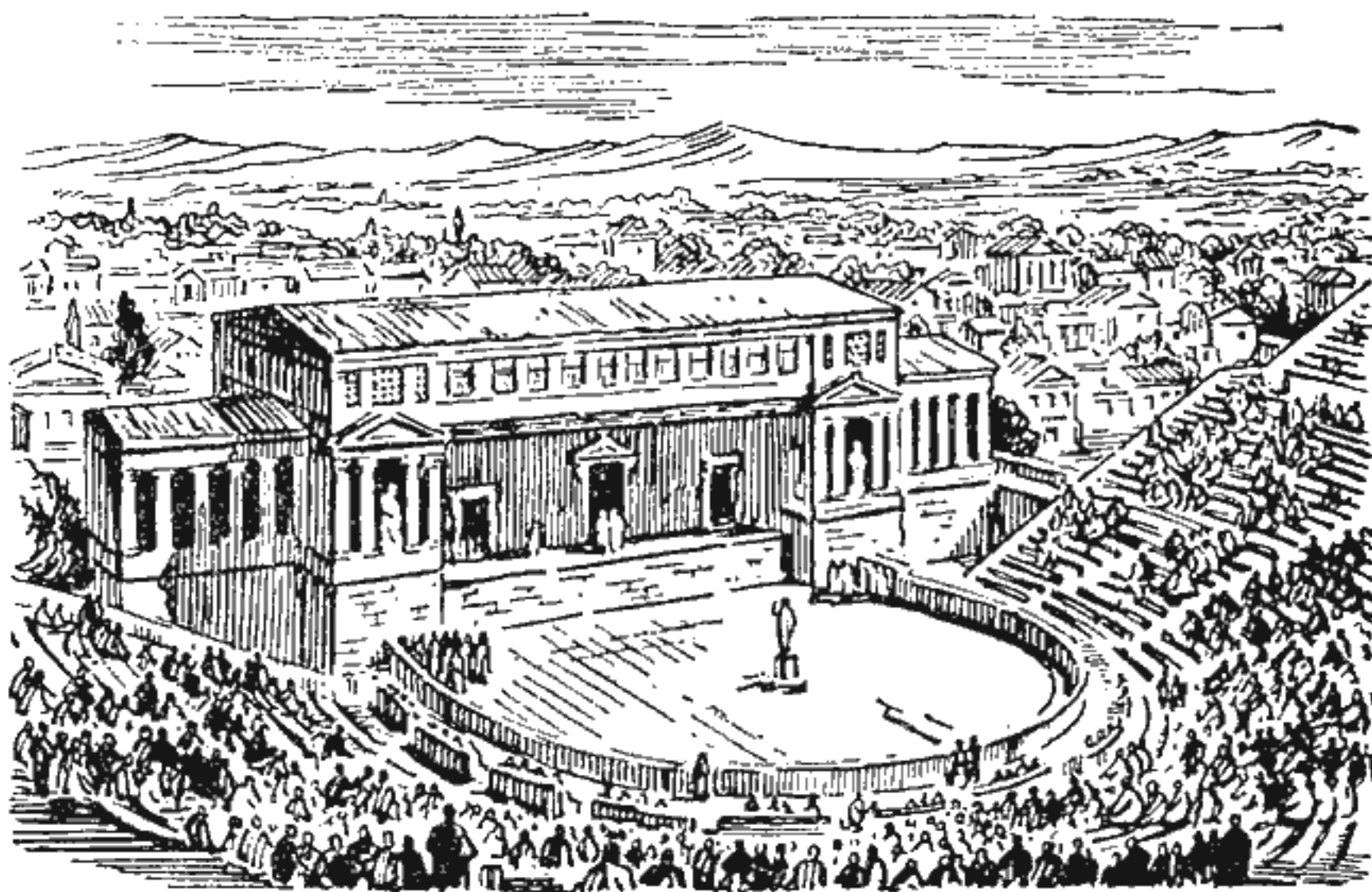
1- Actor

2- Chorus



شرح تصویر رنگی شماره (۴) آکر و پلیس - معبد آتن

آکر و پلیس آتن در قرن پنجم پیش از میلاد. آکر و پلیس بر فراز تپه‌ای بلند واقع شده است. دیوارهایی سنگی آن را احاطه نموده که هنوز هم حفظ شده است و نشان می‌دهد که زمانی در اینجا دژی واقع شده بوده است. از طریق پارتی‌کوها وارد آکر و پلیس می‌شوند. در سمت چپ پارتی‌کوها معبد کوچکی است که به افتخار الهی پیروزی ساخته شده. در آکر و پلیس، مقابل مدخل آن، تندیس بزرگ الهی آتنا، که توسط فیدپاس از برنز ساخته شده، قرار دارد. این مجسمه با چوهری ساخته شد که در نبرد ماراتون به عنایت گرفته شده. سمت راست چپ معبدی است که به افتخار آتنا و پوسیدون ساخته شده، بهلولی آن درخت مقدس زیتون که گویا توسط آتنا از زمین روئیده شده است، به چشم می‌خورد. آکر و پلیس در روز جشن عمومی ترسیم شده است؛ مردم غرونی و شراب و حیواناتی را برای قربانی کردن به آنجا می‌بندند.



تصویر شماری ۴۰

تئاتر یونانی (تجدید بنا شده)

محل نشستن تماشاگران بر روی صخره‌ای بشکل نیم‌دایره ساخته می‌شد. در مرکز تصویر میدانچه‌ای دیده می‌شود که «ارکسترا Orchestra» نام داشت. از همین جا واژه‌ی «ارکستر»ی که ما بکار می‌بریم، بوجود آمده است. در دو طرف «ارکسترا» سمت چپ و راست دسته‌ی کر قرار می‌گرفت. دسته‌های کر در تراژدی‌های یونانی شرکت می‌کردند. در وسط، مجسمه‌ی دیشونیسوس دیده می‌شود. در کنار «ارکسترا» جایگاه «افتمخاری» افراد دولتی و کاهنان قرار داشت. «ارکسترا» به بنائی مسی‌پیوست که در مقابل آن، آکتورها به ایفای نقش و در خود آن، به تعویض لباس، می‌پرداختند. از همین جاست که واژه‌ی کنونی «صحنه» بوجود آمده است. در مقابل بنا سه نفر آکتور قرار می‌گرفتند. در تراژدی‌های یونانی بیشتر از سه نفر شرکت نداشتند. بنای تئاتر بشکلی ترسیم شده که در قرن چهارم پیش از میلاد بوده است.

از افسانه‌های مربوط به مرگ دیثونیسوس، نمایشنامه‌هایی بوجود آمدند که معمولاً مضامینی حزن‌انگیز داشتند. این نوع نمایشنامه‌ها تراژدی نام گرفتند. و تراژدی بزبان یونانی یعنی «آواز بزاها». این عنوان از آن جهت بوجود آمد که شرکت کنندگان جشن دیثونیسوس که توسط هجونیسان ترسیم شده بودند، پوست بز می پوشیدند.

شخصیت‌های عمده‌ی نمایشنامه‌ها اغلب قهرمانان افسانه‌ای، مانند پرومته، آرگونات‌ها و بهادران منظومه‌های هومر بودند.

نویسندگان یونانی در قرن پنجم پیش از میلاد، تراژدی‌هایی خلق کردند که بسیار شهرت دارند. سوفوکل^۱ و آشیلوس - تراژدی نویسان بنام یونان محسوب میشدند. (با کدامیک از آثار این دو آشنائی دارید؟).

پس از اجرای نمایشات، کمیسیونی که اعضای آن بوسیله‌ی سکنه انتخاب میشدند، به بهترین نویسندگان تراژدی و نیز به بهترین آکتورها، جایزه میداد. جوایز آنها عبارت بود از تاج‌هایی از شاخه‌ی درخت لاورل^۲ - درخت همیشه بهار - و هدایای با ارزش.

۴- تراژدی آنتیگون

تراژدی آنتیگون که بوسیله‌ی سوفوکل نوشته شده و در تئاترهای آتن بروی صحنه می‌آمد، از شهرت و توجه زیادی برخوردار بود.

1- Sophocles

2- Laurel

در تراژدی آنتیگون حکایت از این میرود که شاه، دفن جسد جوان مقتولی را ممنوع میکند و دستور میدهد جسد وی را جلولاشه‌خواران بیافکنند. خواهر وی - آنتیگون - از دستور شاه اطاعت نمیکند و جسد را طبق سنن یونانی به خاک می‌سپارد. شاه، به کیفر این سرپیچی، فرمان میدهد آنتیگون را در غاری زنده بگور کنند. آنتیگون با شجاعت، از محکومیت خویش استقبال میکند. دانشمند نابینائی برای شاه پیش‌بینی مینماید که خدایان، تصمیم دارند بخاطر سنگدلی و بی‌عدالتی او، خانواده‌اش را نابود و تمامی کشورش را به مصیبت دچار سازند. شاه بر آن میشود که دختر را آزاد کند، ولی دیگر دیر شده است، زیرا که چون به درون غار رفتند، وی را مرده یافتند. فرزند شاه، که عاشق آنتیگون است، از یأس، با شمشیر خودش را میکشد.

در تراژدی «آنتیگون» مردم به وظیفه‌شناسی، دلاوری و عدالت - جوئی دعوت میشوند. در یکی از ترانه‌های این تراژدی، که بصورت کر خوانده میشد، چنین می‌آید:

«در جهان نیروهای حیرت‌انگیز بسیارند، اما نیرومندتر از نیروی انسان نیروئی نیست» و بدین ترتیب، تراژدی به ستایش انسان بر می‌خیزد. این ترانه، ترانه‌ی مورد علاقه‌ی مردم آتن بود.



تصویر شماره‌ی ۴۱

ماسک هنرپیشگان

می‌افروختند برمیخواست، می‌بلعیدند و خدایان بدین ترتیب بی‌غذا میماندند و کاری نداشتند بجز اینکه از گرسنگی بمیرند. پرومته، دور از چشم زئوس، مخفیانه وارد این کشور میشود و به پرندگان اطلاع میدهد که خدایان، اینک گرسنه‌اند و زئوس بر آن است که نمایندگان برای مذاکره با پرندگان بفرستد.

در این کمدی، خدایان بگونه‌ی مضحکی وصف میشوند. همچنین آریستوفانس با کمدی خود تمایلات و آرزوهای مردم مسکین و فقیر را که میخواستند زندگی عادلانه‌تری داشته باشند، بیان میدارد.

تئاتر در یونان، «مدرسه‌ی بزرگسالان» نامیده میشد. تئاتر عشق به‌میهن، دلاوری و مردانگی و پاکی و سایر خصال نیک را در انسان برمی‌انگیخت و پرورش میداد.

www.adabestanekave.com

علاوه بر نمایشات تراژدی، نمایشات کمدی نیز در تئاتر یونان روی صحنه می‌آمد. کمدی‌ها نیز از اعیاد نشاط‌انگیز دیتونیسوس، سرچشمه می‌گرفت. در این اعیاد، مراسم «رستاخیز خدایان»، برگزار میشد. به همین جهت این مراسم، برخلاف تراژدی‌های اندوهناک، نشاط‌انگیز و فرح‌بخش بود.

در نمایشات کمدی - کذب و دروغ، حرص و آز و سایر عیوب بشری به‌مسخره گرفته میشد.

قهرمانان این نمایشنامه‌ها، اغلب همانا معاص-رین-م-ؤلفین و تماشاگران بودند. در نمایشنامه‌های کمدی، مکرر، مسایلی مطرح میشد که مورد توجه اهالی آتن بود. مثل موضوع عقد صلح. نویسندگان نمایشنامه‌های کمدی، مخالفین خود را در مجمع ملی، بصورت مضحکی ترسیم میکردند. و بدینسان - مبارزه‌ای که در مجمع ملی آغاز شده بود، در صحنه‌ی تئاتر نیز ادامه می‌یافت.

آریستوفانس^۱ مشهورترین کمدی‌نگار آتن بود.

کمدی «پرندگان» آریستوفانس در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد، در آتن، روی صحنه آمد.

در این نمایشنامه، آریستوفانس، کشور افسانه‌ای پرندگان را توصیف می‌کند که بین زمین و آسمان قرارداد و با قوانین عادلانه‌ای اداره میشود. پرندگان، در سرزمین خود سعادت‌مندانه می‌زیستند و دودی را که از زمین، از آتشی که آدمیان برای سوزاندن قربانی خدایان

1- Aristophanes

پرسش و تمرین:

- ۱- چگونه در یونان قدیم تئاتر بوجود آمد؟
- ۲- به چه آثاری کمدی و به چه آثاری تراژدی می گفتند؟ کمدی و تراژدی چه تفاوتی باهم دارند؟
- ۳- چگونه تئاتر ساخته شد؟
- ۴- تئاتر در یونان باستان، داری چه اهمیتی بود؟
- ۵- چه تفاوتی است بین تئاتر معاصر و تئاتر عهد باستان؟ چه وجه مشترکی این تئاترها با هم دارند؟

بند ۱۶

معماری، مجسمه سازی و نقاشی در یونان باستان

بخاطر آورید: تندیس و تصاویر چه کسانی برای بزرگداشت آنها در معابد مصر و آشور نصب و نقش میشد؟ (جلد اول، بند ۱۳ مادهی ۳- جلد اول، بند ۱۷، مادهی ۲)

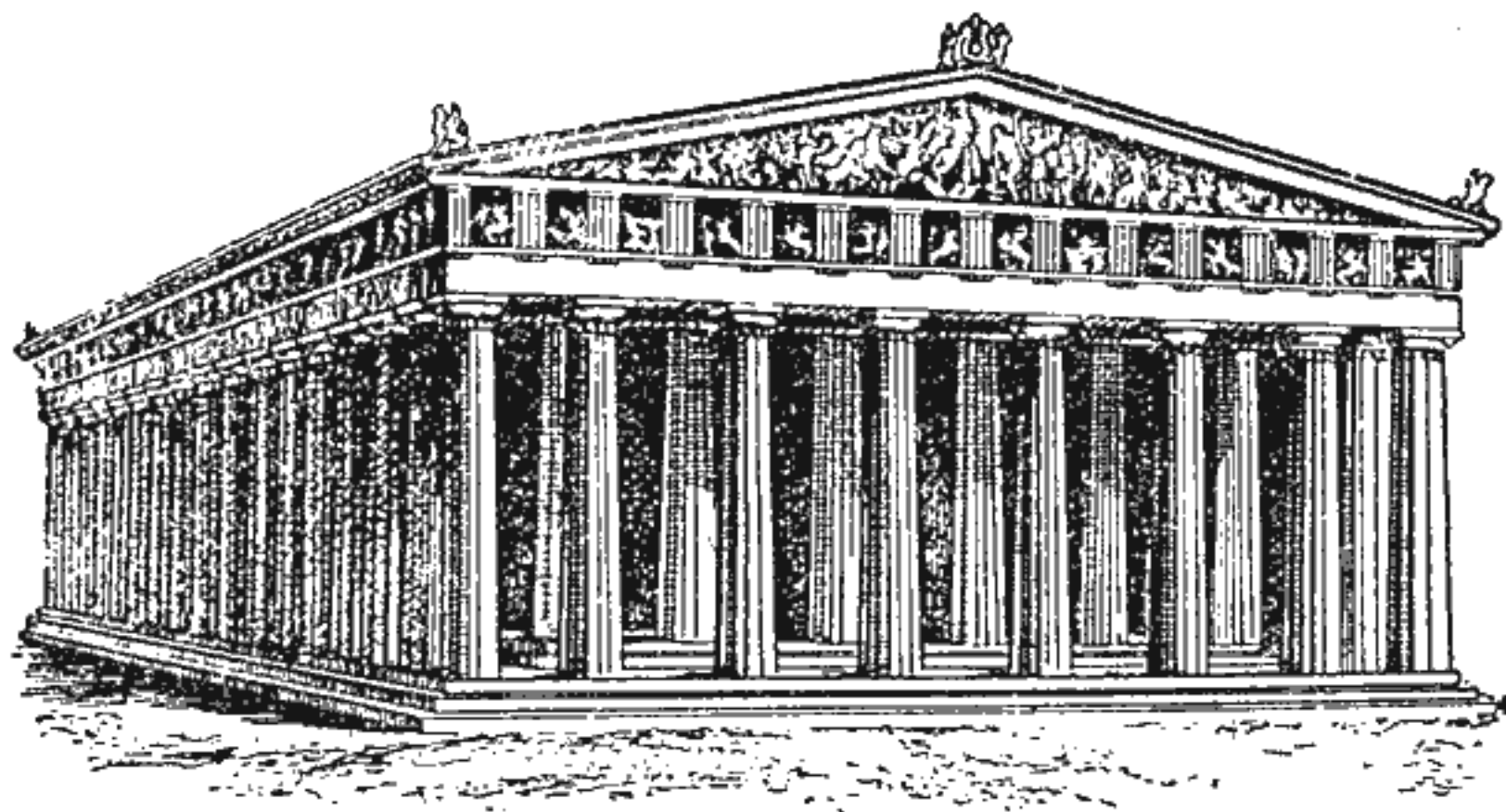
۱- معماری یونان

یونانی های اهل باستان، نسبت به زیبایی مکان های عمومی؛ آگراها، تئاتر و غیره، که بیشتر وقت آزادشان را در آن می گذرانند، توجه زیادی مبذول میداشتند.

آنها برای گفت و گو و استراحت، معمولاً، در سایه ی پورتیکوها^۱

1- Portico

www.adabestanekave.com



تصویر شماره‌ی ۴۲

معبدی از یونان باستان

معبد بوسیله‌ی پورتیکوها، احاطه شده (به‌چپیزی پورتیکو گفته می‌شد؟) معبد را یک شیروانی شیب‌دار می‌پوشاند، شیب شیروانی و قرنیز آن، مثلثی را بوجود می‌آورد که «پدیمنت» نامیده می‌شد (به اصطلاح معماری معاصر آرایش سنتوری، مترجم) روی قرنیز جلو پدیمنت گروهی از مجسمه‌ها نصب می‌شد، (تصویر شماره ۶ همین جلد)

۲- مجسمه‌سازی یونان

در قرن پنجم پیش از میلاد مجسمه‌سازی در یونان پیشرفت چشم‌گیری حاصل کرد. مجسمه‌سازان یونانی میکوشیدند در آثار خویش بهترین صفات اتباع یونان را تجسم بخشند: مردانگی، دلاوری در نبرد، عشق به میهن و توانائی حفظ روحیه در مواقع خطر و تحمل دوران‌های دشوار جنگ. آنها جوانان و یا مردان بالغی را تجسم می‌بخشیدند سرشار از دلاوری و با اندامی عضلانی.

جمع می‌شدند. پورتیکو، یک و یا چند ردیف ستون سقف‌دار بود. ابتدای امر، ستون‌ها از چوب ساخته می‌شد. سپس ستون‌های سنگی که بیشتر از سنگ مرمر تهیه می‌گردید، جای ستونهای چوبی را گرفت. پورتیکوها مردم را از پرتو سوزان آفتاب جنوب یونان در امان می‌داشتند، لیکن نمی‌توانستند آنها را از گزند بادهائی که میوزید، در امان دارند.

خصوصیات اصلی معماری یونان باستان، در ساختمان معابد آن بطور کامل‌تری نمود می‌کرد. معبد، یکی از مراکز زندگی توده‌ای شهر-دولت‌ها بود. خزان‌های شهر - دولت‌ها در آن نگاهداری میشد و جشن‌های باشکوه و رسمی در جوار آن برگزار می‌گردید. معمولاً معابد بر تپه و یا شالوده‌ای بلند بنا می‌گردید تا از سایر ساختمان‌های شهر متمایز شود. شکل مربع مستطیل داشت و مسقف بود. شیب و قرنیز آن شبیه مثلثی بود که پدیمنت^۱ نامیده می‌شد. دیوارهای معبد با نقوش برجسته تزئین می‌گردید. در مرکز معبد، مکانی برای نصب مجسمه‌ی خدائی که معبد به‌وی تعلق داشت، در نظر گرفته می‌شد. اطراف مجسمه‌ها نیز مکانی برای جادادن اشیای گرانبها و نادری که توسط شهر و یا افراد ثروتمند به معبد هدیه شده بود، اختصاص می‌یافت.

در کنار معابد، پورتیکوهائی بنا می‌شدند که اغاب، دور تا دور آن را احاطه می‌کردند.

در آگراها و اطراف آن زیباترین بناهای شهر قرار می‌گرفت. المپ را بهترین معماران و مجسمه‌سازان یونان تزئین کرده بودند. (به تصویر شماره ۱۳، در صفحه ۴۶ همین جلد بنام معبد زئوس در المپ، توجه کنید.)

1- Pediment

ساخته شده است، معاصرین را نیز دچار شگفتی میکند.



تصویر شماره ۴۴
مجسمه‌ی «دیسکوبولوس» کپی‌ی مجسمه‌ی میرو^۱

۳- نقاشی

گلدان‌های یونان باستان، دارای اشکالی گوناگون و بسیار ظریف بود. بعضی از این گلدانها يك اثر واقعی هنری بشمار میرفت. تصاویری که روی گلدانها ترسیم میشد، از زندگی مردم معاصر نقاشان و یا از مضامین منظره‌های هو مر، مایه میگرفت.

بدان سبب که مجسمه‌های مرمری یا برنزی بسیار گران بود، مردم یونان باستان برای تزئین خانه‌های خود از گلدان‌های منقش، که ارزان‌تر بود، استفاده میکردند.



تصویر شماره ۴۳

سرستونهای یونانی

مجسمه‌سازان یونانی آموخته بودند که به جسم آدمی، حرکت ببخشند. انسان را معمولاً در حالت برهنه یا نیم برهنه در لحظه‌ی مسابقات ورزشی و یا موقع نبرد، نشان میدادند. تعدادی از مجسمه‌ها در حال دو، تعدادی در حال پرتاب نیزه و یا دیسک و تعدادی نیز در حال کشتی، تجسم می‌شدند. این مجسمه‌ها را برنگ جسم آدمیزاد درمی‌آوردند و چشمهایشان را با دست میکشیدند.

در معابد و یا خیابانها و میدان‌های شهر مجسمه برنزی و مرمری خدایان، اشخاص برجسته‌ی یونان و قهرمانان ورزشی نصب می‌شدند. برجسته‌ترین مجسمه‌سازان یونان قرن پنجم قبل از میلاد، میرون^۱ و فیدباس^۲ بودند. میرون با مهارت حرکت جسم آدمی را در تندیس‌های خود، تجسم میکرد. مهمترین اثر او دیسکوبولوس^۳ یعنی پرتاب کننده دیسک بشمار میرود.

فیدباس به پیشنهاد پریکلس سرپرستی امور ساختمانی آکروپولیس^۴ آتن را بعهده گرفت. عظمت و زیبایی مجسمه‌هایی که توسط وی

- | | | |
|--------------|------------|---------------|
| 1- Myron | 2- Phidias | 3- Discobolus |
| 4- Acropolis | | |

در قرن پنجم پیش از میلاد، در آکروپولیس آتن بناهایی احداث گردید که میبایست آتن را تزیین نموده، مایه شهرت و افتخار آن باشد.

مهم ترین معبد آکروپولیس - معبد پارتنون^۱ است که به افتخار الهه آتنا - حامی شهر آتن - ساخته شد. این معبد از سنگ مرمر بنا گردیده بود.

با کشف دیوار بنا، حلقه‌ای از نقوش برجسته نیز یافت شد. مضمون نقوش برجسته حاکی از نمایش باشکوهی بود که در جشنی به افتخار الهه آتنا برپا شده بود.

ساختمان پارتنون ساده و بسیار دقیق است. حتی يك خط اضافی نیز در کار تزیین آن دیده نمیشود. سازندگان معبد موفق شده بودند از لحاظ زیبایی، يك بنای غیر عادی خلق کنند. اگر چه بعدها پارتنون در معرض ویرانی‌های بزرگی قرار گرفت، لیکن هنوز هم، زیبایی آن تماشاگر را مبهوت میکند. (منظره‌ی کنونی پارتنون در تصویر شماره ۴۵ نشان داده شده است.)

داخل پارتنون، دو تالار وجود داشت. در یکی از این تالارها، مجسمه یازده متری الهه آتنا، اثر فیدياس قرار داشت. مجسمه از چوب ساخته شده بود. چهره، دست‌ها، و پاهای مجسمه را در قشر نازکی از استخوان عاج فرو پوشانده بودند. این کار به مجسمه، سیمائی بشری می‌بخشید. لباس مجسمه از طلای ناب تهیه شده بود. در تالار

دیگر پارتنون، خزانه‌ی دولت آتن و اتحادیه‌ی دریائی نگاهداری میشد. روی پدیمنت پارتنون مجموعه‌ای از مجسمه‌ها، نصب شده بود. یکی از این مجموعه‌ها، مربوط به افسانه‌ی جدال آتنا و پوسیدون می‌شد.



تصویر شماره‌ی ۴۵

پارتنون بشکل معاصر

معبد در قرن هفدهم در اثر انفجار مخزن باروتی که ترک‌ها - عثمانی‌ها - در آن کار گذاشته بودند، بشدت آسیب دید.

حکایت از این قرار است که حامی شهر آتن، خدائی محسوب میشد که بتواند هدیه‌ی گرانبهاتری برای مردم ساکن آن فراهم کند. پوسیدون عصای خدایی خود را بر صخره‌ای کوبید و از میان صخره، سرچشمه‌ی آبی فوران زد. آتنا نیز نیزه‌اش را بزمین فرو برد و بعد، از جای نیزه‌ی او، درخت زیتونی روئید. هدیه‌ی آتنا با ارزش‌تر شناخته شد و بدین جهت خدای حامی شهر گردید. این افسانه نشان

میدهد که آتنی‌ها تا چه حد برای درخت زیتون ارزش و اهمیت قایل بودند.

یونانی‌های عهد باستان، آتن را زیباترین شهرهای کشور خود میدانستند. يك نویسنده‌ی باستانی، گفته است: «اگر آتن را ندیده باشی - پخمه‌ای، اگر دیده باشی و بوجد نیامده باشی - خری، و اگر به‌اراده‌ی خود آتن را ترك کرده باشی - حتماً شتری».

پرسش و تمرین:

- ۱- چرا یونانی‌های عهد باستان نسبت به تزئین مکان‌های عمومی شهرهای خود، توجه خاصی مبذول میداشتند؟
- ۲- مجسمه‌سازان یونانی چه کسانی را با مجسمه‌های خود تجلی می‌بخشیدند و سعی میکردند چه چیزی را نشان بدهند؟
- ۳- نقاشی‌های روی گلدان، بیانگر چه مضمونی بود؟ آثار معماران و مجسمه‌سازان یونان و کشورهای شرق باستان را در کتاب پیدا نمایید. (جلد اول و دوم)
- ۴- از قول کسی که در قرن پنجم پیش از میلاد به آتن سفر کرده است، داستانی بنویسید، مشاهدات و خاطرات او را شرح دهید.

www.adabestanekave.com

بند ۱۷

خط و علم دریونان باستان

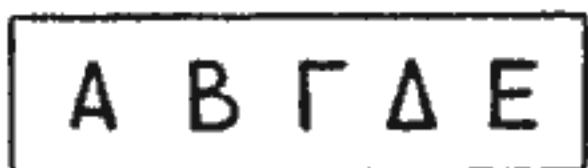
بخاطر آورید: چه وقت و چرا خط اولیه ی یونانی ها فراموش شد؟ (فصل اول، بند ۱، ماده ۴) در کشورهای شرق باستان چه رشته های علمی ای پدید آمده بودند؟ (جلد اول).

۱- خط دریونان باستان

کهن ترین طرز کتابت یونان، در اواخر هزاره ی دوم قبل از میلاد فراموش شد و دیگر هیچ گاه، احیاء نگردید.
در اواخر دوره ی هومر، یونانی ها، با طرز کتابت ملت کوچکی که در سواحل خاوری دریای مدیترانه زندگی میکردند و فنیقی نامیده میشدند، آشنا گشتند. فنیقی ها مطالب خود را با علائمی ثبت میکردند

این تصویر اجزای رأی‌گیری را در مجمع نشان میدهد. در آتن از طریق بلند کردن دست، اخذ آراء بعمل می‌آمد. علاوه بر این، بوسیله انداختن يك سنگ ریزی سیاه یا سفید در «عندوق آراء» نیز رأی گرفته میشد؛ ناطق فقط وقتی میتوانست بآهی خطا به را ترك گوید که نطقش پایان رسیده بود. در مرکز تصویر - قسمت جلو، گروه آریستراتراتها دیده می‌شوند؛ آنها با پیشنهادی که مورد پشتیبانی اکثریت دموکراتها است، مخالفت می‌کنند. طرف راست تصویر - نگاهانی با شلاق دیده میشود که بنا به دستور يك مقام مسئول، فردی را که جزو اتباع آتن نیست، از جلسه بیرون میکنند. در دور دست، بر فراز تپه‌های بلند جلگه، بنای آکروپولیس چشم‌نواز.

تصویر شماره‌ی ۴۶ نخستین حروف الفبای یونانی



یونانی‌ها بر روی کاغذ پاپیروس^۱ که از مصر وارد می‌کردند چیز می‌نوشتند. و یا اینکار را روی کتیبه‌های گلی و تخته‌هایی که يك قشر نازك موم آن را می‌پوشاند، انجام میدادند.

کتابهای یونانی که با کاغذ پاپیروس تدوین میشد، فرم نواری طویل را داشت، بصورت طوماری لوله‌ای درمی‌آمد. یونانی‌های عهد باستان به کتاب علاقه‌ی زیادی ابراز میداشتند و يك کتاب را بارها رونویسی کرده، با دقت حفظ مینمودند. در نتیجه‌ی این امر، بخشی از کتاب‌های یونانی به‌زمان ما رسیده است، اگر چه اکثر ایسن‌کتاب در حریق‌ها و حوادث مصیبت‌بار دیگر، نابود شدند.

۲- «پدر تاریخ»

پیروزی افتخارآمیزی که یونانی‌ها در جنگ با امپراطوری ایران بدست آوردند، تأثیر عمیقی بر روحیه‌ی آنان بجای گذاشت. آنها بارها رشادت هموطنان خویش را خاطر نشان میکردند.

در اواسط قرن پنجم پیش از میلاد، مورخ یونانی - هرودوت^۲

1- Papyrus

2- Herodotus

اثری بنام تاریخ جنگ یونان و ایران^۱ برشته‌ی تحریر در آورد. او ضمن جمع‌آوری اسناد و مدارك مربوط به اثر خود، از مصر و بابل و فنیقه و سواحل دریای سیاه و شبه جزیره‌ی بالکان بازدید کرد. آنچه را که خود دیده بود توصیف و آنچه را که از اهالی این نواحی شنیده بود، نقل کرد. به همین جهت هرودوت در اثر خود، نه تنها اطلاعات بسیار با ارزشی در مورد ملت‌های شرکت کننده در جنگ، و شرایط زندگی ایشان در قرن پنجم پیش از میلاد، بلکه در مورد گذشته‌ی دور دستشان نیز بدست می‌دهد. اثر او یکی از مهمترین منابع آگاهی ما در زمینه‌ی تاریخ یونان و کشورهای خاور و ملت‌هایی است که در جنوب کشور ما^۲ سکونت داشتند.

برای آثار تاریخی هرودوت در همان عهد باستان نیز چنان ارزشی قایل بودند که به او «پدر تاریخ» نام داده بودند. (شما با کدامیک از نوشته‌هایی که توسط هرودوت برشته تحریر در آمده است، آشنا شده‌اید؟)

۳- توسعه علم در یونان

مسافرت تجار یونانی و دانشمندان آن کشور به کشورهای دیگر آگاهی یونانیان را درباره‌ی طبیعت و زندگی مردم در روی زمین، وسعت بخشید. آنها به امر مبادله‌ی دانش بین ملتها و توسعه‌ی علم، مدد نمودند.

دانشمندان یونانی با دانش مصریان و بابلی‌ها بخوبی آشنا بوده

1- A History of the Struggle between Greek and Persia
 ۲- مقصود اتحاد شوروی است. (مترجم)

و توانسته بودند دامنه‌ی آگاهی خویش را گسترش دهند. دانشمندان یونانی تنها به گردآوری مطالب و توصیف مشاهدات خود در مورد طبیعت، قناعت نمی‌کردند؛ بلکه میکوشیدند علت پدیده‌های طبیعی را پیدا کنند و به راز پیدایش جهان پی ببرند. عده‌ای از آنان معتقد بودند که طبیعت از آب بوجود آمده، عده‌ای می‌گفتند که زمین - مبدأ همه‌ی عالم بوده، گروه دیگری بر این اعتقاد بودند که هوا منشأ تمامی آدم و عالم است و گروهی نیز آتش را مادر همه چیز میدانستند.

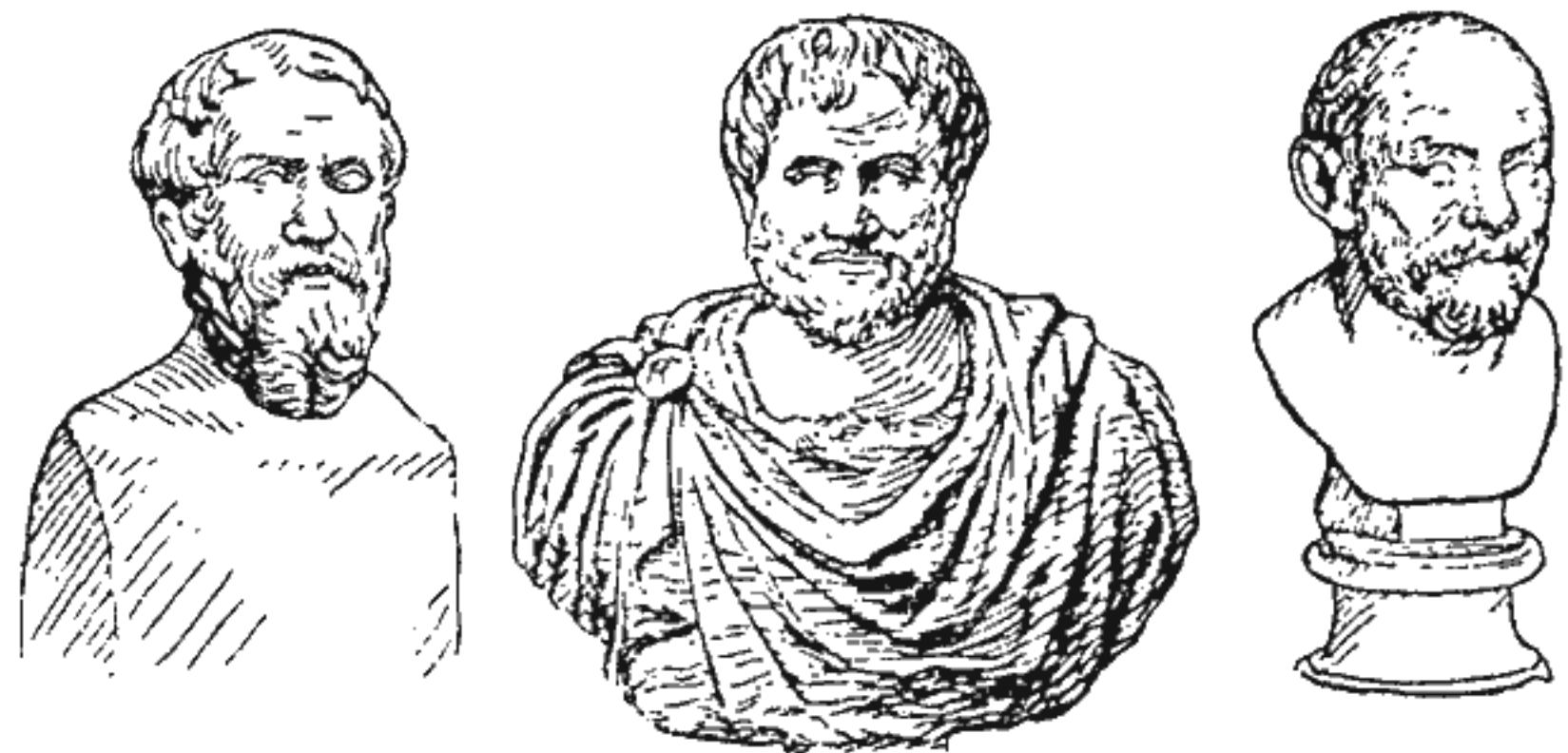
(به نظر شما چه چیزی گفتار دانشمندان یونانی را در مورد پیدایش جهان از گفتار ایشان راجع به مذهب، متمایز میکند؟)

۴- تعلیمات دموکریت

در قرن پنجم پیش از میلاد، آتن به یک مرکز علمی مبدل شده بود. دموکریت^۳، دانشمند بزرگی که در این شهر میزیست، در زمینه‌ی بسط و توسعه‌ی علوم طبیعی، سهم بسزائی داشت. او این فکر شجاعانه را مطرح کرد که: تمامی جهان، از ذرات ریز - اتم‌ها - تشکیل شده است. بسط و گسترش دامنه‌ی علم، به نفی خدایان و قدرتشان منجر گردید. دموکریت ثابت کرد که هیچ روحی در انسان وجود ندارد و اعتقاد به خدایان، در نتیجه‌ی درماندگی آدمیان در مقابل پدیده‌های طبیعت و وحشت ایشان از این پدیده‌ها، بوجود آمده است.

تعلیمات دموکریت، اعتقاد به خدایان و جاودانگی روح را درهم ریخت، خشم و کینه‌ی بسیاری از برده‌داران را برانگیخت.

۳- به «پیدایش جهان». اثر فیلیکس لوف رجوع کنید. مترجم



تصویر شماره‌ی ۴۷

دانشمندان بزرگ یونان باستان
از چپ بر راست: هرودوت، ارسطو، دموکریت

خاصی یافت. این فرهنگ، فرهنگی بود که بوسیله‌ی مردم یونان بوجود آمده بود. در نتیجه‌ی استقرار دموکراسی برده‌داری در یونان، بخش قابل ملاحظه‌ای از سکنه‌ی آزاد کشور فرصت یافت که در بوجود آوردن فرهنگ یونانی، شرکت داشته باشد. این امر تصادفی نیست که در قرن پنجم پیش از میلاد، آتن به یک مرکز علمی تبدیل گشته بود. زیرا که در آتن، زودتر از شهر - دولت‌های دیگر یونان، دموکراسی برده‌داری برقرار شد و توسعه‌ی کاملاً بیشتری حاصل کرد.

ولی این پیشرفت فرهنگی، بحساب ظلم و ستم بی‌رحمانه‌ای که نسبت به بردگان، که بار سنگین کارهای دشوار بر دوششان فشار می‌آورد، بوجود آمد. حال آنکه نصیب بردگان، چیزی بجز درد و شکنجه، و زندان نیستی نمیشد.

۶- اهمیت فرهنگ یونان باستان

الفبای یونانی، شالوده‌ی بسیاری از زبانهای دنیا را پی‌ریزی کرد. در یونان، در راه پیشرفت علم و فرهنگ، گام بزرگی برداشته شد. بسیاری از واژه‌های یونانی بزبانهای معاصر راه یافتند. از این جمله‌اند. واژه‌های «آریفمتیکا - علم حساب»، «دموکراسی» و «ایستوری» - تاریخ.

یونان - مادر تئاتر است. آثار هومر و نویسندگان دیگر یونان باستان، به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده است. بناها و مجسمه‌های متعلق به یونان باستان، مورد سر مشق معماران و تندیس‌پردازان زمانهای بعدی قرار گرفت.

عده‌ای از دشمنان وی دعوت مینمودند که آثار دموکریت سوزانده شود، و عده‌ای از پیروانش را اعدام کنند، عده‌ای را بشلاق بندند، عده‌ای را به سیاه‌چال افکنند و یا از حق تابعیت محروم کنند. ارسطو، دانشمند مشهور قرن چهارم پیش از میلاد، بادانش غیر عادی خویش از دیگران متمایز میشد. او نه تنها کلیه آثار هم‌عصران خویش را مطالعه کرده بود، بلکه موجبات پیشرفت علم را نیز فراهم آورد. ارسطو و دانشمندان دیگر یونانی بدرستی معتقد بودند که زمین گرد است، ولی به اشتباه فکر میکردند که خورشید و ستارگان بگردد زمین می‌چرخند. او پدر مکتب و مدرسه عالی یونان است.

۵- علت پیشرفت فرهنگ دریونان

در قرون پنجم الی چهارم قبل از میلاد، فرهنگ یونان، شکوفائی

هرچهار سال، یکبار، مسابقاتی برگزار میشود که بازیهای المپیک نام دارد. در موقع برگزاری المپیک، مشعل عظیمی روشن میگردد. این مشعل با آتشی که در المپ بوسیلهی نورخورشید برافروخته میشود و از طریق دریاها و اقیانوسها و قارهها به محل برگزاری بازیهای المپیک برده میشود، مشتعل میگردد.

فرهنگ یونان، تأثیر کلانی بر شکوفائی و پیشرفت فرهنگ تمامی جهان بجای گذاشت.

پرسش و تمرین:

- ۱- خط یونان در مقابل خط مصر و بابل چه رجحانی دارد؟
- ۲- چه شرایط مساعدی برای پیشرفت علم و فرهنگ در یونان باستان، وجود داشت؟
- ۳- ترقی فرهنگ و علم در یونان چه موفقیت‌هایی بیار آورد؟ چرا با توسعهی علم، خدایان نفی شدند؟
- ۴- چرا در قرن پنجم پیش از میلاد، آتن به یک مرکز علمی تبدیل شده بود؟

www.adabestanekave.com

فصل پنجم

تشکیل دولت‌های یونانی - مقدونی در مدیترانه شرقی

بند ۱۸

سقوط یونان و تسلط مقدونیه بر آن در قرن چهارم
پیش از میلاد

(نقشه‌ی شماره‌ی ۵)

بخاطر آوردن: دولت اسپارت چگونه تشکیل شد، در کجای تشکیل شد؟ (بند ۸، ماده ۱ الی ۳) چگونه اتحادیه دریائی آتن شکل گرفت؟ (بند ۱۱، ماده ۴)

۱- جنگ بین شهر-دولت‌های یونان

آتنی‌ها میکوشیدند که تمامی یونان را تحت تسلط خود در آورند اسپارته‌ها نیز همین هدف را دنبال میکردند. هنوز پریکلس زنده بود

که رقابت آتن و اسپارت، تبدیل به جنگ بین آنها گردید. در جنگی که از سال ۴۳۱ قبل از میلاد شروع شد، تقریباً تمام شهر-دولت‌های یونان شرکت داشتند. عده‌ای از این شهر-دولت‌ها از آتن طرفداری میکردند و عده‌ای از اسپارت. این جنگ که بنام «جنگ پلوپونس» مشهور شد، تقریباً ۳۰ سال طول کشید و باشکست آتن، خاتمه یافت. اتحادیه‌ی دریائی از هم پاشید، دیوارهای طویل ویران شد.

۲- تضعیف یونان

جنگ بین شهر-دولت‌های یونان در قرن چهارم نیز روی داد. دشمنان با ورود به اراضی یکدیگر، همه‌ی چیزها را، هم باغ‌ها و تاکستانها و مزارع و هم شهرها و روستاها را به آتش کشیده، ویران میکردند و افراد رقیب را به بردگی، می‌گرفتند. جنگ بطور وحشتناکی یونان را به بیغوله‌ای متروک مبدل کرده بود، آبادی‌ها خالی از سکنه، باغ‌ها سرشار از شاخه‌های پژمرده و مزارع، پراز علف‌های هرزه شده بود.

۳- فقر مردم

آتیکا و سایر ایالات کشور، به بیابانی برهوت تبدیل گردیده بودند. بجای باغ‌های زیتون که ثروت اصلی دهقان بشمار میرفت، شوره‌زار نشست. دهقان دیگر نه وسیله‌ای داشت که با آن باغ‌ها برویاند و تاکستانها سبز کند و نه وسیله‌ای که گله پروار سازد. صنعتگر نیز بخاک سیاه نشست. کارگاههای بزرگی که در آن

برندگان زیادی بکار مشغول بودند، فرآورده‌های بمراتب ارزان‌تری تولید میکردند، زیرا که کار بردگان، برای اربابان، بسیار ارزان تمام میشد. صاحبان این کارگاه‌ها و املاك بزرگ، با ارزان‌تر فروختن کالاهای خود، خرده صنعتگران و دهقانان را، که بازاری برای فروش کالاهای خود نمی‌یافتند، به ورشکستگی دچار میکردند.

بتدریج تعداد کارگاههای خرده دریونان کاهش حاصل میکرد، و کارگاههای بزرگ روبه‌افزایش مینهاد. مردم فقیر، فقیرتر و ثروتمندان غنی‌تر میگشتند.

بسیاری از افراد فقیر مجبور میشدند بخاطر اندك حقوقی وارد ارتش شوند. بازارهایی بوجود آمده بود که در آن میشد يك سپاهی را به مزدوری گرفت و یا واحدی بتمام را باتمامی فرماندهانش به نوکری گماشت. کار فقر مردم، طوری بالا گرفته بود که حتی در ارتش دشمن یعنی امپراطوری ایران نیز سپاهیان مزدور یونانی خدمت میکردند. در نهاد فقیران آتش خشم و کینه نسبت به ثروتمندان می‌روئید و زبانه میکشید.

۴- مبارزات طبقاتی

سرانجام، گرسنگان و فقیران در یکی از بزرگترین شهرهای یونان - یعنی شهر ^۱ورینت^۱ سربه‌طغیان برداشتند. آنها ثروتمندان را در خیابانها یافته، میکشیدند، خانه‌هایشان را غارت میکردند. ثروتمندان میکوشیدند که از ترس جان، در معابد پناه گیرند. گرسنگان به معابد نیز

1- Gorinth

حمله‌ور شده، چندصد نفر را از بین بردند.

ثروتمندان نیز چشم‌دیدن بیچارگان را نداشتند. ارسطو نوشته است که ثروتمندان چنین سوگند می‌خوردند: «سوگند یاد میکنم که دشمن ابدی خلق خواهم بود و هرچقدر که از دستم برآید، به خلق بدی خواهم کرد».

جنگ بین شهر - دولت‌ها، ورشکستگی و افلاس سکنه، مبارزه‌ی داخلی خود این شهر - دولت‌ها، بشدت یونان را ضعیف کرد. در عین حال، همسایه آنها - مقدونیه سرعت نیرومند و قوی میشد.

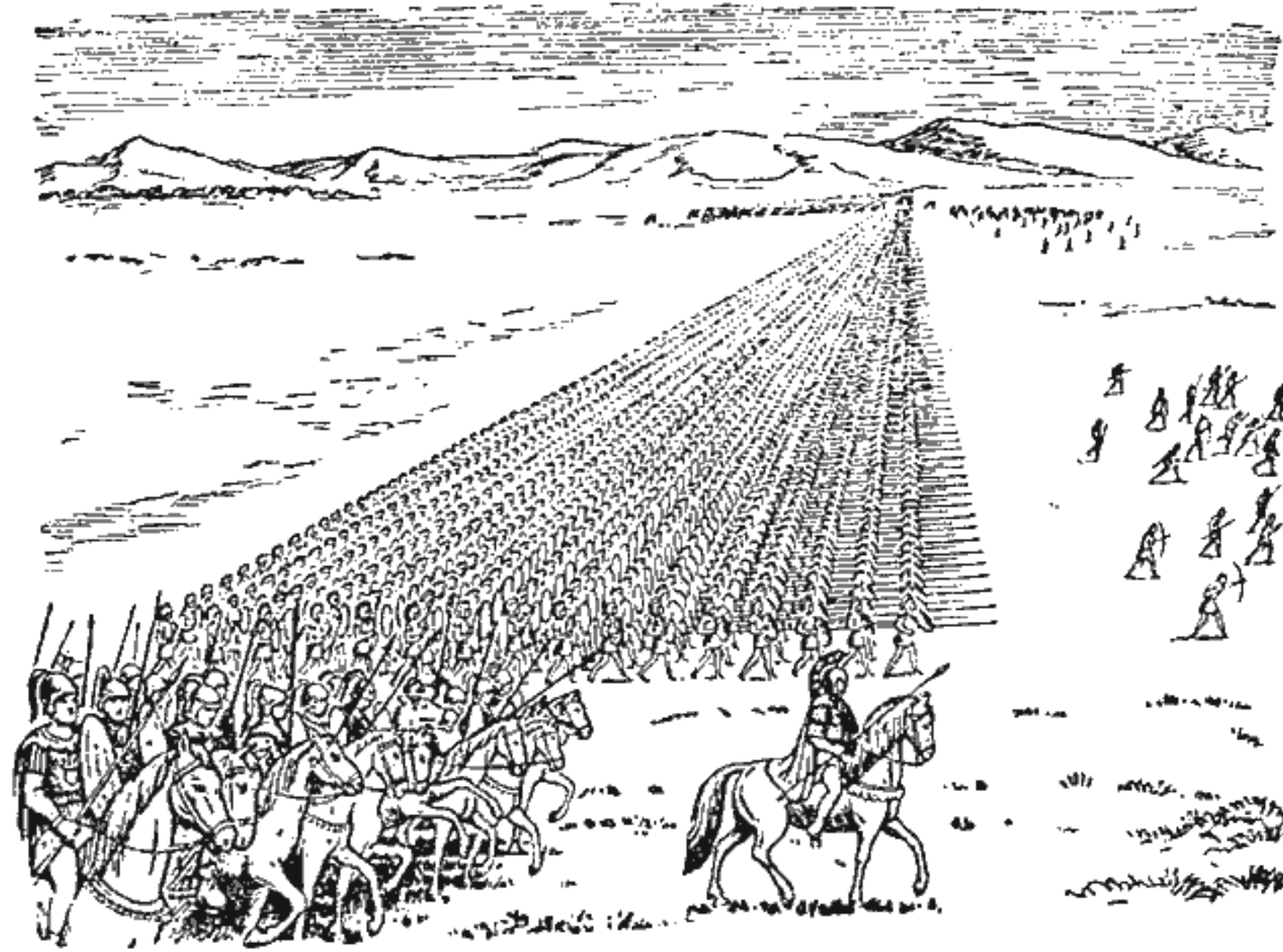
بسیاری از ثروتمندان برده‌دار که حاضر بودند تسلط هربیگانه‌ای را که بتواند خزانه‌ی ایشان را از ثروت بیشتری پارسازد و حکومت آنها را بر بردگان و مردمان فقیر تأمین کند، بپذیرند، چشم امید به مقدونیه دوخته بودند...

۵- رشد قدرت مقدونیه

مقدونیه در شبه جزیره‌ی بالکان، در شمال شرقی یونان قرار داشت. اکثر سکنه‌ی آنها دهقانان آزاد تشکیل میدادند. آریستوکرات‌های حاکم بر مقدونیه تقریباً حکومت شاه‌های مقدونی را برسمیت نمی‌شناختند. تا اینکه در اواسط قرن چهارم پیش از میلاد، فیلیپ دوم موفق شد پایه‌های حکومت خود را در مقدونیه استوار سازد. بدین ترتیب حکومت منارشی^۱ یا سلطنتی مقدونیه، بوجود آمد.

۱- منارشی Monarchy بزبان یونانی یعنی حکومت يك فرد بر همه. ارسطو حکومتی را که شاه آن را اداره میکرد و از پدر به پسر به ارث میرسید، حکومت منارشی نام داد.

فیلیپ دوم ارتش نیرومندی تشکیل داد، که دهقانان، پیاده نظام



تصویر شماره‌ی ۴۸

فالانکس یا فالانترهای مقدونی

سپاهیان، ۱۶ ردیف را تشکیل میدادند. افراد ردیف اول به‌نیزه‌های دو متری و ردیف ششم به‌نیزه‌های تقریباً شش‌متری مسلح بودند. در جنگ تمامی شش ردیف قادر به عملیات بودند، در مقابل فالانتر افراد سبک اسلحه حرکت میکردند. در طرفین، اسواران‌ها قرار میگرفتند. فالانتر مقدونیه در حمله، ضربه‌ی شکننده‌ای وارد می‌آورد. لیکن فقط در زمین مسطح قادر به جنگ بود

آن محسوب میشدند و در نبرد، بصورت فالانکس، حرکت میکردند. اشراف مقدونی، سواره نظام آن بشمار میرفتند.

شاه مقدونی، شهرهای یونان را که پیوسته رو به ضعف بیشتری می‌رفت، یکی پس از دیگری اشغال مینمود. بخشی از برده‌داران یونانی با میل و رغبت به سیادت وی گردن نهادند. آنها برای ثروت و قدرت خود بیش از استقلال میهن ارزش قایل بودند. فیلیپ دوم بارها به ضرب پول دروازه‌ی دژها را بروی خود باز میکرد. او به‌خنده می‌گفت: «الاغی که طلابارش کنند، به آسانی هر شهری را فتح میکند».

۶- برقراری حکومت مقدونیه بر یونان

اما دموس‌های آتن در مقابل شاه مقدونی، مقاومتی سرسختانه از خود نشان دادند. ناطق زبردستی چون دموستن^۱ مبارزه‌ی مردم آتن را به‌خاطر استقلال، رهبری میکرد. دموستن در سخنرانی‌های پرشور خود، فیلیپ دوم را اشغالگر مینامید و از اهالی دعوت میکرد که از آزادی خویش در مقابل اشغالگران دفاع کنند. بخشی از شهر-دولتهای یونان مرکزی برای این مبارزه، متحد شدند.

در سال ۳۳۸ قبل از میلاد، در حومه شهر کرونیای^۲ (که بروسی «خرونه» گفته میشود) نبرد سرنوشت با مقدونیه در گرفت. نبرد، بی‌امان و طولانی بود. در آغاز، آتنی‌ها موفق شدند سپاهیان فیلیپ دوم را عقب برانند. لیکن سرانجام، ارتش مقدونی، که بخوبی مسلح شده و دارای نظم دقیق‌تری بود، به پیروزی نهائی دست یافت.

پس از نبرد کرونیای، تقریباً تمامی یونان به انقیاد مقدونیه درآمد.

1- Demosthenes

2- Chaeronea



تصویر شماره ۴۱
مجسمه‌ای از دموستن

های دیگری که مانع موفقیتش بود، فائق آمد. ابتدا دموستن از جمعیت خجالت میکشید و در مقابل هیاهوی مردم چنان خود را میباخت که، دم فرو می‌بست. لیکن برای اینکه این نقص را نیز برطرف سازد، به کنار دریا میرفت، در میان هیاهوی باد و امواج به تمرین می‌پرداخت. او با عادت کردن به این وضع، بخود آموخت که درمقابل هیاهوی جمعیت، دست و پایش را گم نکند.

دموستن در زیرزمینی زندگی میکرد، شبها نمی‌خوابید و موضوع سخنرانی‌هایش را در پرتو چراغ آماده می‌ساخت. او فقط آب مینوشید تا طراوت خود را حفظ کند.

يك عادت ناخوشایند دیگر نیز داشت که عبارت از این بود که به‌هنگام سخنرانی، بطرز ناجوری شانه‌اش را تکان میداد. دموستن شمشیری به سقف زیرزمین می‌آویخت، شانه‌اش را دقیقاً زیر نوک تیز شمشیر قرار میداد و شروع به تمرین میکرد. ترس از نوک شمشیر، این عادت بد او را از بین برد.



تصویر شماره ۴۱

مجسمه شیری که در محل نبرد کرونیایا نصب شده بود

بنابه گفته‌ی معاصران: «بهمراه اجسادى که در حومه‌ی کرونیایا دفن شد، آزادی یونان نیز ب خاک رفت». جنگ بيشمار بين شهر- دولت‌های یونان و خیانت ثروتمندان و برده‌داران، استقلال این کشور از میان برداشت.

چند کلمه در مورد زندگی دموستن (از متون تاریخی)

دموستن ضعیف المزاج و بیمار بود، بطوریکه حتی بمدرسه هم نرفت. وقتی هم که بزرگ شد، بخاطر نازك نارنجی بودنش، مورد تمسخر قرار میگرفت.

دموستن به فن سخنوری علاقه داشت، ولی طبیعت صدای ضعیفی بوی ارزانی داشته بود. لیکن او با جدیت بسیار براین نارسائی و نارسائی-

www.adabestanekave.com

- ۱- چرا مردم - پیشه‌وران و دهقانان در یونان ورشکست شدند؟
- ۲- علت ضعف و فتور شهر - دولت‌های یونان در قرن چهارم قبل از میلاد، چه بود؟
- ۳- یونانی‌ها چه حکومتی را «منارشی» مینامیدند؟
- ۴- چرا مقدونیه موفق شد بر یونان مسلط گردد؟
- ۵- نبرد کرونی چندسال پیش اتفاق افتاد؟ چندسال از نبرد سالامیس گذشته بود که جنگ کرونی روی داد؟
- ۶- کدامیک از صفات دموستن مورد علاقه‌ی شماست؟

بند ۱۹

ظهور و سقوط دولت اسکندر مقدونی

(نقشه‌های شماره ۷ و ۸)

بمخاطر آورید: چرا امپراطوری ایران در نبرد با یونان شکست خورد؟ (بند ۱۰، ماده ۱)

۱- تدارك حمله به شرق

فیلیپ دوم پس از اینکه یونان را ب زیر سلطه کشید، شروع بتدارك حمله به ایران نمود. برده‌داران یونانی و مقدونی در آتش هوس اراضی مرغوب و گرفتن تعداد زیادی برده و بدست آوردن خزانة سرشار امپراطور ایران، می‌سوختند. یونانی‌های فقیر نیز به ارتش فیلیپ دوم

www.adabestanekave.com

پیوسته بودند تا بتوانند با حقوق ارتش، شکم خود و خانواده‌ی خویش را سیر کنند. برای آنها این تنها راه ممکنه، محسوب میشد.

ولی هنگامیکه فیلیپ دوم مشغول تدارك بود، در توطئه‌ای بقتل رسید. گویا این توطئه را ایرانی‌ها سازمان داده بودند. اسکندر - (آلکساندر) پسر ۲۰ ساله‌ی فیلیپ دوم، بجای پدر به تخت نشست. او جوانی بود پرتحرک، شجاع، با استعداد، تحصیل کرده، ولی فوق‌العاده بی‌رحم و تندخو. اسکندر را ارسطو تعلیم داده بود. اسکندر تدارکاتی را که برای اردو کشی به شرق توسط پدرش شروع شده بود، تکمیل کرد.

۲- تسخیر مدیترانه‌ی شرقی

در سال ۳۳۴ قبل از میلاد. سپاهی بفرماندهی اسکندر مقدونی بسوی آسیای صغیر براه افتاد. مقدونی‌ها ضمن دوجنگ، ایرانیان را درهم شکسته و سپس بسوی جنوب، براه خود در امتداد نواحی ساحلی دریای مدیترانه، ادامه دادند.

اسکندر مقدونی، بدون ذره‌ای ترحم افرادی را که در مقابلش مقاومت می‌کردند، میکشت و یا به بردگی میگرفت. پس از گرفتن شهر تیرو^۱ دستور داد ۸ هزار نفر را قتل عام کنند و ۳۰ هزار نفر را به بردگی بفروشتند.

با وجود این، اکثر شهرهای فنیقیه، که از حکام پیشین، دلی پر خون داشتند، سیادت اسکندر را ترجیح میدادند. او بدون نبرد، مصر

1- Tyre



تصویر شماره‌ی ۵۳

اسکندر کبیر، در حال نبرد با ایرانیان
نقش برجسته روی دیوار شهر پمپی

را گرفت. کاهنان مصری می‌گفتند که اسکندر - خدا است.

۳- سقوط امپراطوری ایران

اسکندر مقدونی با سپاه ۵۰ هزار نفری خود از مصر بسوی میان‌دورود (بین‌النهرین) حرکت کرد. امپراطور ایران - داریوش سوم سپاهی مرکب از ۸۰ هزار نفر گرد آورد. او دارای صدها فیل و ارابه‌ی جنگی نیز بود، که به‌محور چرخ آنها آلات داس مانند تیزی نصب کرده بودند تا در نبرد، دشمن را درو کند.

سپاهیان دو دشمن، در جلگه‌ی وسیع گاوملا^۱ واقع در کناره‌ی رود تیگر^۲ در حومه‌ی شهر نینوا^۳ بهم رسیدند. داریوش سوم به ارابه‌ها دستور حمله داد. تیراندازان یونانی، اکثر ارابه‌ران‌های ایرانی را قتل عام کردند.

اسکندر به همراه اسواران‌های خویش به قلب سپاه ایران که داریوش سوم در آن قرار داشت، حمله کرد. وحشت داریوش را در- برگرفت، پابفرار گذاشت. سپاهیان ایرانی نیز بدنبال او گریختند. بزودی داریوش بدست نزدیکان خود به قتل رسید، آن امپراطوری پهناور درهم فرو ریخت، و از بین رفت.



تصویر شماره‌ی ۵۲
فیل‌های رزمی ایران

۴- جنگ در آسیای میانه و هند

اما ایالات جداگانه‌ای که قبلاً به امپراطوری ایران تعلق داشتند،

1- Gaugamela

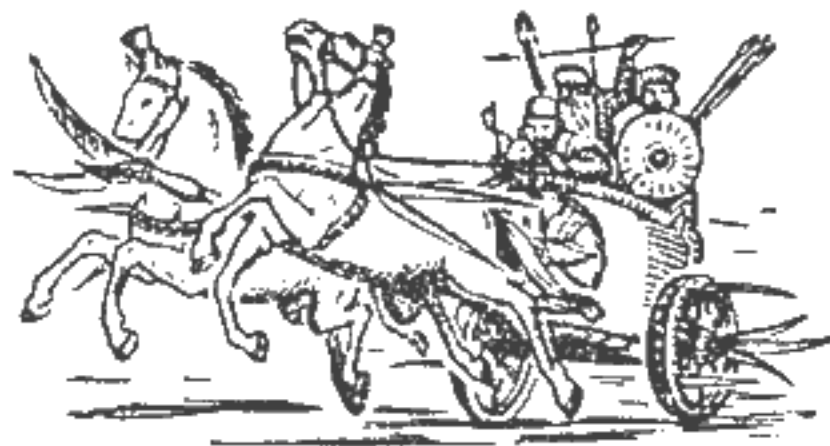
2- Tigr

3- Nineveh

همچنان به مقاومت در برابر اسکندر، ادامه دادند.

اهالی آسیای میانه بسیار مقاومت کردند و فقط پس از ۳ سال نبرد و کشتار هزاران نفر، بخشی از سکنه‌ی این ناحیه در مقابل اسکندر بزانو درآمدند.

اسکندر از آسیای میانه به جانب هند روان شد. ولی نیروهای او در جنگ‌ها و ورود کشتی‌های دشوار تحلیل رفته بودند. هندیها مردانه در برابر اشغالگران به جنگ ادامه دادند. اسکندر که سودای حکمرانی بر جهان را در سر میپروراند، به سپاهیان دستور داد که بازهم فراتر روند، لیکن سپاهیان مایل به پیشرفت بیشتر نبودند و اسکندر در سال ۳۲۵ قبل از میلاد مجبور شد به عقب، بازگردد.



تصویر شماره‌ی ۵۳
ارابه‌های رزمی ایرانیان

۵- امپراطوری اسکندر و سقوط آن

در نتیجه‌ی پیروزی‌های سپاه مقدونی، امپراطوری بزرگی بوجود آمد که از شبه جزیره‌ی بالکان تا رودخانه ایندوس^۱ گسترش یافت. اسکندر دیگر به مقدونیه باز نگشت. در بابل مساندگار شد و آن را پایتخت خود اعلام داشت.

1- Indus

چند کلمه‌ای در مورد زندگی اسکندر مقدونی (از متون تاریخی)

در مورد اسکندر مقدونی داستانهای زیادی بزمان ما رسیده است. بخش اعظم این داستان‌ها در زندگی نامه‌ی مفصل او که بوسیله پلوتارخ به تحریر درآمده است، منعکس می‌باشد.

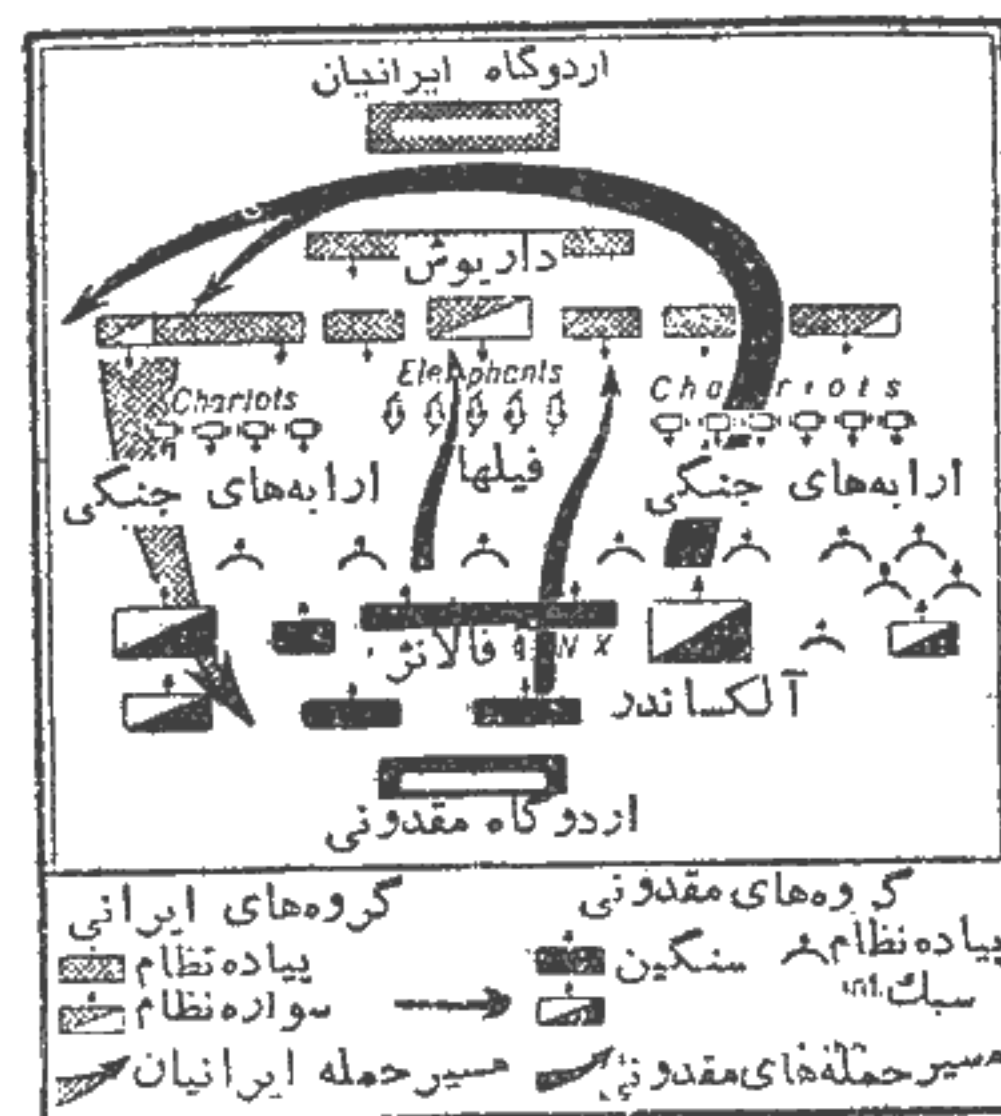
اسکندر جوان که آشنیدن فتوحات فیلیپ دوم، به حسادت آمده بود، می‌گفت: پدرم میتواند همه جا را تسخیر کند و دیگر کار درخشانی برای من باقی نمی‌ماند که انجام دهم.

در شهر گوردین، روی چرخ ارابه‌ای، گرهی سردرگم زده بودند که می‌گفتند: هر کسی آن را بگشاید فاتح تمامی آسیا خواهد شد، خیلی‌ها سعی کردند این گره را باز کنند، ولی موفق نشدند. اسکندر نیز کوشید گره را بگشاید، نتوانست. پس، شمشیر برکشید و گره را با یک ضربه باز کرد. از همین جا عبارت «باز کردن گره به طریقه‌ی گوردین» مصطلح گردید که به معنای حل قاطع یک مسئله‌ی غامض است. سپاه یونانی به هنگام عبور از بیابان، از عطش در رنج بود. برای امپراطور اندکی آب وجود داشت. لیکن، اسکندر از نوشیدن امتناع نموده، گفت: «اگر فقط من بنوشم، همسفرانم شادابی خویش را از کف خواهند داد».

در میان غنائمی که از امپراطوران ایران بدست آمده بود، صندوقچه‌ی بسیار گرانبهائی نیز وجود داشت. دوستان اسکندر بوی اندرز دادند که: فقط گرانبهاترین اشیای خود را در آن نگاهداری کند. آنگاه اسکندر گفت که: «ایلیاد» را در آن نگاه خواهد داشت.

اسکندر به یکی از معاونان نزدیک خود، که تقریباً در تمامی اردو کشی‌های آسیا شرکت داشت

اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، تب کرد و مرد. هنوز جسد او دفن نشده بود که بین سرداران سپاهش بخاطر تسخیر قدرت، جنگ درگرفت. امپراطوری بزرگ اسکندر از هم پاشید و از آن چند کشور سلطنتی بوجود آمد که مهمترین آنها عبارت بودند از دولت‌های مقدونیه، مصر و سوریه (که شامل سرزمین‌های واقع در مدیترانه شرقی و دریای اژه میشد). و ملت‌های مصر و آسیای غربی تحت تسلط و انقیاد برده-داران مقدونی و یونانی قرار گرفتند.



نقشه‌ی شماره‌ی ۵۴

نبرد گاوگاملا

www.adabestanekave.com

ونسبت بوی خدمات گرانبھائی انجام داده بود، مشکوک شد. پس دستور داد او را بشدت شکنجه دهند و سپس بکشند. خودش نیز در جریان شکنجه شرکت داشت. اسکندر ضمناً دستور داد که پدر فرد مشکوک را هم که یکی از معاونان و یاران قدیمی فیلیپ دوم بود، بکشند. او نسبت به هر کسی که بخود اجازه میداد، اندکی برخلاف میل و اراده اش عمل کند، با همین بی رحمی رفتار میکرد.

پرسش و تمرین:

- ۱- چرا یونانی ها در اردو کشی اسکندر به ایران شرکت جستند؟
- ۲- از روی نقشه شماره ی ۷ مسیر اردو کشی اسکندر مقدونی را به کشور های که میشناسید ترسیم کنید.
- ۳- چرا امپراطوری بزرگ ایران نتوانست در مقابل حمله مقدونیه ایستادگی کند؟
- ۴- چه دولت هایی در قرون چهارم الی سوم قبل از میلاد در مدیترانه شرقی بوجود آمدند؟
- ۵- این دولت ها چه تفاوتی با دول یونانی قرن پنجم پیش از میلاد، داشتند؟
- ۶- اردو کشی سپاهیان مقدونی چند سال ادامه یافت؟ چند سال از نبرد کرونی گذشته بود که این اردو کشی آغاز شد؟
- ۷- صفات اسکندر را توصیف کنید. کدامیک از صفات وی را می پسندید؟

www.adabestanekave.com

بند ۲۰

اقتصاد و فرهنگ مدیترانه شرقی در اواخر قرون چهارم الی دوم قبل از میلاد

(نقشه‌ی شماره‌ی ۷ و ۸)

بخاطر آوردن دانشمندان یونانی قرون پنجم الی چهارم قبل از
میلاد چه سهمی در زمینه‌ی ترقیات علمی ادا نمودند.

۱- گسترش اقتصاد برده‌داری در آسیای غربی و مصر
پس از استیلای مقدونی

سپاهیان یونان و مقدونیه بهترین اراضی شرق را به‌اشغال در
آورده و دهقانان و بردگان را مورد استثمار قرار میدادند. بدنبال

سپاهیان، تجار و صنعتگران یونانی و مقدونی نیز بسوی آسیای غربی و
مصر به حرکت در آمدند. آنها امور تجاری را بدست گرفته، کارگاه‌های
بزرگ و تعمیرگاه‌های مجهزی برای سرویس کشتی‌ها، احداث نمودند.
در کشورهای شرق، شهرهای قدیمی احیاء و شهرهای جدیدی
ساخته شدند. مخصوصاً شهرهایی ترقی کردند که در نواحی ساحلی
قرار داشتند.

این شهرها باراه‌های کاروان‌رو، به راه‌های دریائی متصل میشدند.
یونانی‌ها کشتی‌های بزرگی می‌ساختند که برای شناور شدن روی بستر
پهن‌اور دریا مناسب بود و می‌توانست صدها تن محموله را حمل نماید.
چندصد نفر از بردگان، با زدن پارو اینگونه کشتی‌ها را به حرکت در
می‌آوردند.

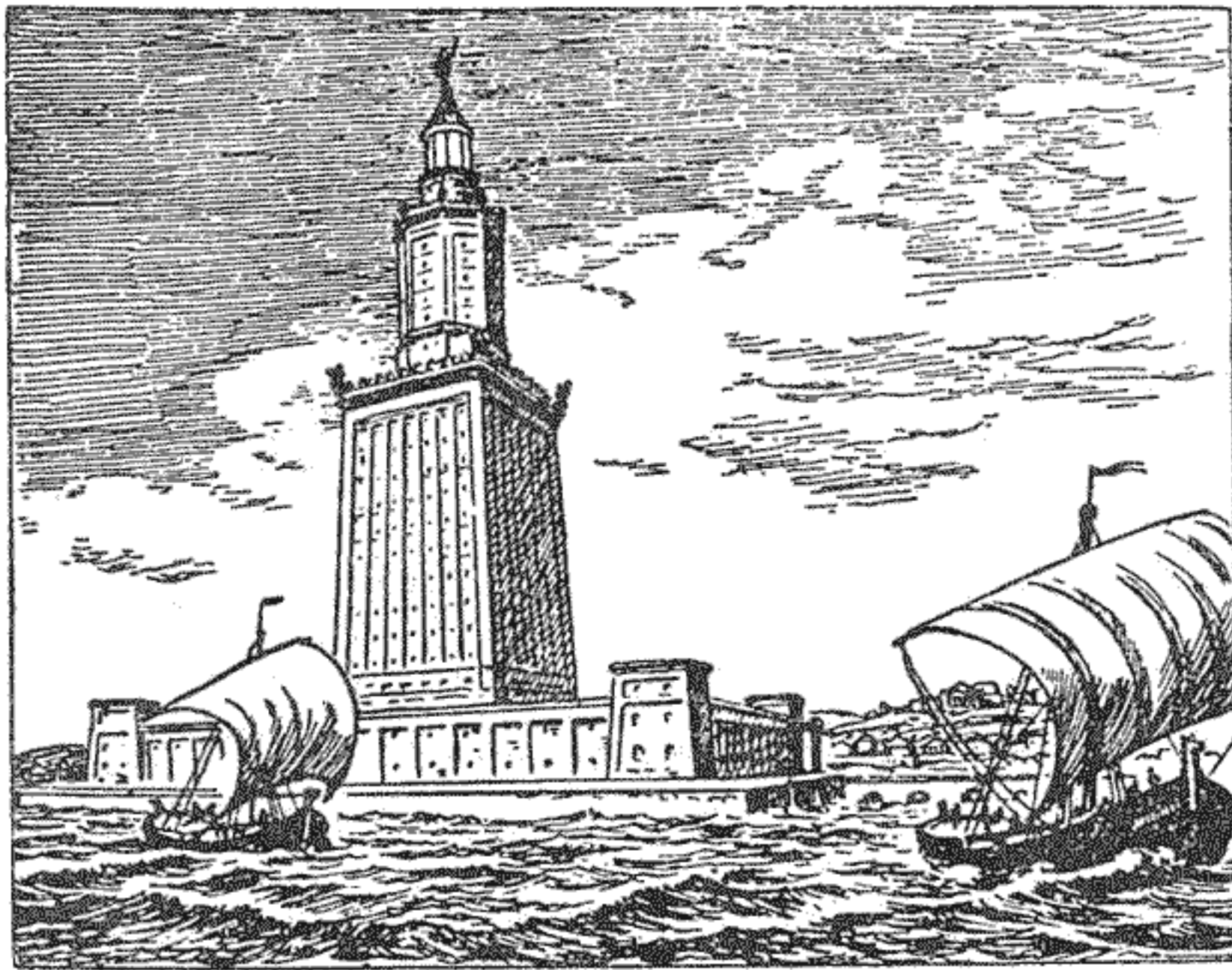


تصویر شماره‌ی ۵۵

نبرد سپاهیان یونانی و مقدونی با ایرانیان

۲- اسکندریه مصر

در قرن سوم پیش از میلاد، بزرگترین شهر جهان و پایتخت امپراطوری مصر - اسکندریه بشمار میرفت که توسط اسکندر مقدونی، در دلتای نیل بنا شده بود. از طریق رودخانه‌ی نیل، غله و پاپیروس و از نینوا طلا و عاج فیل به اسکندریه آورده میشد. کانالی حفر شده بود که نیل را به دریای احمر، متصل میکرد. راه‌های کاروان‌رو از اسکندریه



تصویر شماری ۵۷

فانوس اسکندریه: تجدید بنا شده.

فانوس دریائی اسکندریه بوسیله زمین لرزه‌ها ویران شد. در این تصویر که از روی تصاویر باستانی تهیه شده فانوس دریائی بازسازی شده است. (روی نقشه اسکندریه، محل فانوس دریائی را پیدا کنید.)

تقریباً در هریک از شهرها، بازار برده‌فروشان وجود داشت. تعداد بردگان در مدیترانه شرقی (کشورهای واقع در این ناحیه) بمیزان زیادی افزایش یافته بود. طبقه برده‌داران را بطور عمده، یونانی‌ها و مقدونی‌ها تشکیل میدادند. برده‌داران محلی نیز از یونانی‌ها پیروی کرده، زبان آنها می‌آموختند و آداب و عادات ایشان کسب میکردند. معنای واژه هلنی (یونانی) مساوی بود با معنی برده‌دار.



نقشه‌ی شماری ۵۶

نقشه‌ی شهر اسکندریه مصر

آیا میتوانید با استفاده از این نقشه بگوئید چرا موقعیت جغرافیائی اسکندر به ترقی تجارت در آن کمک کرد، طول خیابان اصلی شهر را که از جنوب غربی به شمال شرقی امتداد مییابد، اندازه بگیرید.

به خلیج فارس و سپس به هند میرفتند. در بازارهای پررونق اسکندریه طنین بسیاری از زبانهای دنیا، شنیده میشد.

در جزیره‌ی مقابل شهر، بنائی برای فانوس دریائی احداث شده بود که قریب ۱۲۰ متر ارتفاع داشت. فانوس دریائی شبها کشتی‌ها را به‌لنگرگاه هدایت میکرد. در اسکندریه خیابانهای مستقیم، پارک‌های مشجر، تئاترها و کاخ‌های باشکوه سلطنتی احداث و ساخته شده بود و مدارس عالی و موزه‌دایر گردیده بود.

(بخاطر آورید: در یونان، چه‌معنائی برای «میوز» قایل بودند؟) (بند ۵، ماده ۲).

در موزه رصدخانه‌ای برای نظاره‌ی ستارگان و نیز کتابخانه‌ی بزرگی وجود داشت.

۳- ترقی بیشتر علم در قرون سوم الی دوم قبل از میلاد

در کتابخانه‌های اسکندریه و سایر شهرهای بزرگ مدیترانه‌ی شرقی، مجموعه آثار دانشمندان یونانی و کشورهای خاوری گردآوری شده بود. در کتابخانه اسکندریه قریب ۷۰۰ هزار کتاب خطی، که روی کاغذ پاپیروس نوشته شده بود، وجود داشت. مرکز تولید کاغذهای پوستی شهر پرگام^۱ و آسیای صغیر بشمار میرفت. به‌همین جهت به‌کاغذهای پوستی تهیه شده در پرگام، «پرگامنت» گفته میشد. پرگامنت محکم و بادوام و مناسب، ولی بسیار گران بود. برای نگارش يك کتاب بزرگ بر روی کاغذ پرگامنت، پوست يك گله‌ی کامل گوسفند ضرورت داشت.

1- Pergainus

در سکوت کتابخانه‌ها، بسیاری از دانشمندان، روی متون خطی مشغول مطالعه و تحقیق میشدند. توحید دانش شرق و غرب به‌رشد بیشتر علم، مخصوصاً علوم ریاضی، طبیعی و نجوم كمك میکرد. در قرون سوم الی دوم قبل از میلاد، علم در مدیترانه‌ی شرقی، شکوفائی بیشتری حاصل کرد.

در قرون سوم قبل از میلاد، در اسکندریه، ریاضی‌دان مشهور - اقلیدوس زندگی میکرد. سهم او در ترقی هندسه، هنوز هم اهمیت خود را از دست نداده است.

منجمین اسکندریه با مهارت ودقت زیادی، زمین را اندازه‌گیری کردند. یکی از منجمان یونانی این فکر را مطرح ساخت که زمین، بدور خورشید می‌گردد. ولی نتوانست این مسأله را ثابت کند. دانشمندان دیگر، او را مورد تمسخر قرار دادند و این کشف بزرگ، مدتهای مدید به‌بوته فراموشی سپرده شد.

۴- هنر یونان و مدیترانه‌ی شرقی در قرون سوم الی اول قبل از میلاد

پس از اینکه مصر و آسیای غربی به‌تسخیر مقدونیان درآمد، معماران یونانی در این ناحیه شروع به‌ساختن معابد خدایان المپ، تئاترها و کاخها نمودند. برای تزئین کاخهای سلطنتی دیگر ستون‌هائی از قبیل ستونهای گذشته، که در یونان وجود داشت، بکار نمی‌رفت. در قرون چهارم الی سوم پیش از میلاد ستون‌هائی مد شد که کورینفس نامیده می‌شد.

در قرون سوم الی دوم قبل از میلاد، مجسمه‌سازان یونانی يك سلسله آثار برجسته‌ی هنری خلق کردند. یکی از این آثار - مجسمه‌ی الهه‌ی پیروزی «نیک» است. مجسمه‌ساز موفق شده است که تحرك الهه‌ی بالدار را که به استقبال باد می‌رود و باد لباسهای او را به اهتزاز در آورده، با مهارت زیاد نشان دهد. مجسمه‌ی دموستن چهره‌ی واقعی ناطق بزرگ را نشان می‌دهد. صورت او حاکی از اضطراب عمیقی است که بخاطر میهن در وجودش جریان دارد.

یکی از مراکز هنر یونان - شهر پرگام بشمار میرفت. در این شهر نقوش برجسته‌ای کنده شده بود که حاکی از نبرد خدایان المپ باغولها بود. طول این نقوش به ۱۳۰ متر و ارتفاع آن به ۳ متر میرسید. اگرچه نقوش برجسته‌ی فوق بشدت خراب شد، لیکن هنوزهم بیانگر سهمناکی نبرد است و آنرا با قدرت خاصی به تماشاگر القاء میکند.



تصویر شماره‌ی ۵۹

کاهن لائوکون. (مجموعه‌ای از قرن اول قبل از میلاد)
طبق افسانه‌ی مربوط به جنگ ترویا، لائوکون - کاهن - کوشش کرد که اهالی ترویا را از آوردن اسب چوبی یونانی‌ها به شهر بازدارد. (بند ۳) الهه آتنا که طرفدار یونانی‌ها بود، دوماز بزرگ را بسراغ لائوکون فرستاد. مارها از دریا بیرون آمده، به لائوکون و دو پسرش حمله کردند و آنها را کشتند در مجموعه مجسمه‌ها مهارت عظیمی بکاررفته است. مخصوصاً شایسته لائوکون چشم‌گیر است: صورت او سرشار از درد و عذاب و عضلاتش بهم گره خورده است.



تصویر شماره‌ی ۵۸

ماهی‌گیر پیر. مجسمه‌ای از قرن اول پیش از میلاد

یکی دیگر از تندیس‌های مشهور، مجموعه لائوکون است.
(به تصویر شماره ۵۹ توجه فرمائید) ماهی‌گیر نیز جزو مجسمه‌های
برجسته می‌باشد.

استیلای مقدونیه برخاور موجبات ترقی اقتصاد و فرهنگ
مدیترانه‌ی شرقی را فراهم آورد. ولی برای زحمت‌کشان کشورهای این
ناحیه، یونانی‌ها و مقدونیان، اشخاصی بیگانه و منفور بودند. دولتهائی
که در نتیجه‌ی پیروزی مقدونیه تشکیل گردید، مستعجل بود. جنگ‌هائی
که بین ایشان در میگرفت نیز به تضعیف آنها کمک میکرد. به همین جهت
آنها نتوانستند در مقابل استیلاگران نیرومند رومی، که از ناحیه‌ی غرب
به ایشان حمله آوردند، مقاومت بکنند.

پرسش و تمرین:

- ۱- در نتیجه‌ی استیلای مقدونیه چه تحولاتی در زمینه اقتصاد مدیترانه
شرقی بوقوع پیوست؟
- ۲- با استفاده از متن و نقشه‌ی شهر اسکندریه و تصاویر کتاب، داستان
مصوری در مورد این شهر، تهیه نمائید. اسکندریه چه وجه تشابهی با شهرهای
یونان و شهرهای شرق باستان داشت و چه چیز آن، جدید بود؟
- ۳- با کدامیک از کتابخانه‌های مشهور شرق آشنا شده‌اید؟ آن کتابخانه‌ها
را با کتابخانه اسکندریه مقایسه کنید. (بند ۱۷، ماده ۳). از این مقایسه، در زمینه
ترقی فرهنگ، چه نتیجه‌ای میتوان بدست آورد؟
- ۴- هنر یونان در قرون سوم الی دوم با هنر این کشور در قرن پنجم
پیش از میلاد چه تفاوتی دارد؟ کدامیک از این هنرها را می‌پسندید؟

www.adabestanekave.com

گذار از نظام جماعتی نخستین به نظام برده‌داری، چه اهمیتی در زندگی مردم داشت؟

نظام برده‌داری، برای ستمدیدگان، رنج و درد بزرگتری ببار آورد و جنگ‌هایی که برای برده گرفتن برپا میشد، بسیاری از کشورها را ویران و خالی از سکنه نمود.

در شرایط نظام برده‌داری، برده‌داران نیروی کار عظیمی در اختیار داشتند. در نتیجه‌ی این امر، حتی در شرایط آن تکنیک نازل، مردم موفق شدند کانال و سدهای بزرگی بسازند، باتلاق‌ها و بیابانها را به مزارع و باغ‌ها تبدیل کنند، از معادن بهره‌برداری نمایند و کشتی‌های بزرگی بسازند.

ثروتی که از کار بردگان حاصل شد، به برده‌داران امکان داد کاخ‌ها و معابد عظیمی بنا کنند، مجسمه‌ها و تصاویر و آثار هنری دیگری بوجود آورند. در نتیجه، در شرق باستان معماری و مجسمه‌سازی توسعه‌ی زیادی حاصل کرد، رشته‌های علمی پدید آمد.

یونانی‌های آزاد، با واگذاری کارهای دشوار به بردگان، خود امکان یافتند به خلق هنرهای درخشان بپردازند و پیروزیهای چشمگیری در عرصه‌ی علم بدست آورند.

گذار از نظام جماعتی نخستین به نظام برده‌داری باعث رونق کشاورزی، صنعت، تجارت و فرهنگ گردید. به همین جهت، نظام برده‌داری، برای مردم، گامی به پیش بود.

دولت‌های شرق باستان چه تفاوتی با دولت‌های یونان باستان داشتند؟ همچنین چه چیزی آنها را بهم شبیه‌میساخت؟

هم در شرق باستان و هم در یونان باستان، دولت‌ها هنگامی بوجود می‌آمدند که طبقه‌ی برده‌دار و طبقه‌ی برده بوجود می‌آمد. تمام این دولت‌ها - دولت‌های برده‌دار بشمار می‌رفتند.

در شرق میبایست کارهای عظیمی در زمینه‌ی آبیاری اراضی و حفظ اراضی از طغیان رودخانه‌ها، صورت می‌گرفت.

در یونان باستان، برخلاف شرق، به‌چنین کار بزرگی در جهت آبیاری اراضی، احتیاج نبود. ولی در یونان تعداد بردگان نسبت به افراد آزاد، بیشتر از شرق بود. دموورها نیز در کار ستم به بردگان ذینفع بودند. در یونان شهر - دولت‌های کوچکی بوجود آمدند. حکومت این شهر - دولت‌ها، به‌تمامی اتباع برخوردار از حقوق کامل، تعلق داشت.

در قرون چهارم قبل از میلاد، بسیاری از برده‌داران یونانی از حکومت شاهان مقدونی در یونان حمایت نمودند. سلطنت مطلقه و نیرومند مقدونیه در یونان برای آنها نقطه‌ی اتکای قابل اطمینانی بشمار میرفت و میتوانست بهتر از شهر - دولت‌های ضعیف‌شده‌ی یونان، منافع ایشان را در زمینه‌ی داشتن برده‌های بیشتر، تأمین کند.

با وجود تفاوت‌های بین دول شرق و یونان، هر دو گروه، يك هدف داشتند: سرکوب مقاومت ستمدیدگان و اشغال اراضی دیگران.

پرسش و تمرین:

۱- تاریخ یونان از قرق یازدهم الی قرن سوم قبل از میلاد به چه دوره-
هائی تقسیم میشود؟

در پاسخ به این سؤال میتوان از جدول وقایع مهم که در صفحه آخر کتاب چاپ شده است، استفاده کرد.

۲- برای هر دوره ای سؤالاتی بشرح ذیل طرح نمائید:

الف) دوره ی مورد نظر به چه قرن ی مربوط میشود؟

ب) در دوره ی مورد نظر، یونانی ها کجا زندگی میکردند؟ و نسبت بدوره ی قبلی، چه تحولاتی رخ داده بود؟ روی نقشه نشان بدهید.

ج) در دوره ی مورد نظر چه تغییراتی در کشاورزی، صنایع دستی و تجارت یونان نسبت به دوره ماقبل، صورت گرفته بود؟

د) در دوره ی مورد نظر نسبت به دوره ی پیشین وضع دهقانان، صنعتگران بردگان و برده داران یونان دچار چه تحولاتی شده بود.

ه) در کار اداره و رهبری یونان چه تحولاتی واقع شده بود؟

و) منابع آگاهی ما در زمینه تاریخ دوره ها از چه قرائند؟ نمونه هائی از کتب خطی و آنچه که در حفاریهای باستانشناسی یافت شده است، مثال آورید.

۳- در کدامیک از دوره های بررسی شده، یونان برده دار شکوفائی بیشتری حاصل کرده بود؟ علت این امر چیست؟

۴- یونانیان عهد باستان در زمینه نوآوریهای علمی و هنری و آموزشی چه سهمی نسبت به ملت های شرق باستان، به عهده داشتند؟*

پایان- اسفند ۵۲ تهران

* بعضی از دوستان راجع به اشعاری که در این کتاب درج شده سؤال میکنند. لازم به تذکر است که این اشعار ابتدا ترجمه و سپس توسط مترجم به شعر فارسی درآمده است. مترجم.

جدول وقایع مهم در تاریخ یونان باستان

وقایع مهم	وقایع پیش از میلاد	دوره های مهم در تاریخ یونان
پیروزی مقدونیه و یونان . رم . اواسط قرن ۱۱ قبل از میلاد	2	
اردو کشی اسکندر مقدونی بر شرق ۳۲۵-۳۲۴ قبل از میلاد	3	رکود شهر - دولت ها تأسیس دول یونانی-مقدونی
نبرد در خرونه ۳۳۸ قبل از میلاد	4	
آغاز حکومت پریکل - ۴۴۳ قبل از میلاد نبرد سالامیس ۴۸۰ قبل از میلاد نبرد ماراتون ۴۹۰ قبل از میلاد	5	جنگ ایران و یونان - و قدرتمندی آتن
اصلاحات سالون در آتن ۵۹۴ قبل از میلاد	6	
آغاز بازی های المپیک - ۷۷۶ - قبل از میلاد	8	تأسیس شهر - دولت های برده دار
یورش دورین ها در قرون ۱۲ الی ۱۱ - پیش از میلاد	11	دوره هومر . گذار از نظام جماعتی نخستین به نظام برده داری
نبرد ترویا - آغاز قرن ۱۲ قبل از میلاد	12	
	13	